



یادداشت شاهزاده رضا پهلوی در «وال استریت ژورنال»:

قتل نوید افکاری توسط رژیم ایران یک پیام داشت: اعتراض کنید، می کشیم!

کیهان

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده



دونالد ترامپ:

هر حمله احتمالی رژیم ایران، پاسخی هزار برابر دریافت خواهد کرد

رژیم می ترساند چون خودش از خشم و اعتراض مردم می ترسد!



تفسیر سیاسی هفته رادر صفحه ۲ بخوانید

● کشتن نوید افکاری یک پیام روشن از سوی نظام به مردم داشت: می کشم تا بمانم! اما اعدام نوید نه تنها سکوت و وحشت ایجاد نکرد بلکه واکنش های گسترده داخلی و خارجی محاسبات نظام را بهم زده است.

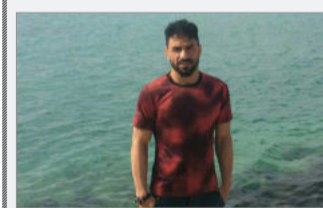
«تربیون» رسانه های «تربیونال» دادخواهی؟! سرمقاله



روز شنبه ۲۲ شهریور ۹۹ (۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰) چشمان ایرانیان در داخل و خارج با خیر کشته شدن نوید افکاری توسط دستگاه بیدادگستری جمهوری اسلامی در زندان «عادل آباد» شیراز از خواب بیدار شد. روز شنبه ۲۹ شهریور (۱۹ سپتامبر) آنگونه که مقامات دولت آمریکا اعلام کرده اند قرار است «در عمل» تمام تحریم های سازمان ملل از تحریم تسلیحاتی تا فعالیت های هسته ای و موشکی علیه جمهوری اسلامی که پس از توافق اتمی موسوم به برجام تعلیق شده بودند، بازگردد.

ادامه در صفحه ۲

تشدید انزوای جمهوری پس از اعدام نوید افکاری پس رو



اعدام نوید افکاری توجه مجامع بین المللی را بیش از همیشه متوجه نقض کامل حقوق بشر و اجرای مجازات اعدام در ایران کرد. اتحادیه اروپا، سفارت آلمان در تهران و وزارت خارجه فرانسه اعدام نوید افکاری را به شدت محکوم کردند. اجرای حکم اعدام نوید افکاری ورزشکار ۲۷ ساله شیرازی که در ارتباط با تظاهرات امرداد ۱۳۹۷ از جمله در اعتراض به گرانی و تورم دستگیر شده بود و پس از بازداشت به قتل مامور بسیجی حراست آب و فاضلاب کازرون آنهام بدون سند و مدرک متهم شده بود و زیر شکنجه از او اقرار گرفته بودند، موجی از اعتراض در سراسر جهان علیه جمهوری اسلامی به راه انداخت. مقامات و نهادهای سیاسی کشورهای مختلف، از ریاست جمهوری

ادامه در صفحه ۲

کشتن نوید افکاری توسط جمهوری اسلامی «پوست موز زیر پای قوه قضائیه»؟! ادامه در صفحه ۱۶

واکنش جو بایدن به اعدام نوید افکاری توسط جمهوری اسلامی؛ خواب و خیال نظام و اصلاح طلبان شب آشفته شد؟! ادامه در صفحه ۱۶

شب ترور! سالروز ترور برلین! ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ ادامه در صفحه ۱۸

بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
کز سنگ ناله خیزد روز وداع باران

بازگشت همه به سوی اوست
با اندوهی فراوان و دلی پر درد، درگذشت ناگهانی **هما وحدت خواه (لهراسب)**

همسری نازنین و مهربان، مادری فداکار، فرزند و خواهری نیک و یاری وفادار و غمخوار دوستان و آشنایان را به اطلاع می رسانیم. همای سعادت ما دوسال صبورانه و با عشق به ادامه زندگی با بیماری جانگناه سرطان جنگیده بود و سرانجام روز سه شنبه ۲۵ شهریور در منزل و در کنار افراد خانواده به آرامی جان به جان آفرین تسلیم کرد. مراسم خاکسپاری **هما** از ساعت ۱۲ ظهر روز سه شنبه ۲۲ سپتامبر در آرامگاه هندون در شمال لندن برگزار خواهد شد. با توجه به محیط باز آرامگاه محدودیتی برای خویشاوندان و دوستان علاقمند برای حضور در این گردهمایی وجود ندارد. خانواده های: **لهراسب، وحدت خواه، سپهوند، طالب لو، شیدانشید، سالکی، قبولی، مطهری، مسگرزاده، مقربی، صمدیان، چکینی، سلیمی، صارمی، شافعی، عباسی، و گودرزیان و جمشیدیان.**

Hendon Cemetery & Crematorium
Holders Hill Road, London NW7 1NB

کیهان لندن درگذشت هما وحدت خواه را به خانواده محترم وحدت خواه و دیگر بازماندگان تسلیت می گوید.

دومینیک تیم و ناومی اوزاکا، قهرمان مردان و زنان گراند اسلم ۲۰۲۰ آمریکا ادامه در صفحه ۱۰

داریوش پیرنیا در گذشت

داریوش پیرنیا روزنامه نگار، دیپلمات پیشین و عضو اسبق سفارت شاهنشاهی ایران در لندن این هفته در شهر واشنگتن بدرد زندگی گفت.

داریوش فارغ التحصیل رشته روزنامه نگاری از آلمان بود و در نخستین دوره کلاس های روزنامه نگاری کیهان تدریس می کرد. وی پسر ارشد **داوود پیرنیا** معاون **احمد قوام** (قوام السلطنه) نخست وزیر ایران و بنیانگذار برنامه پرسشونده «گل ها» در رادیو ایران بود.

کیهان درگذشت زنده یاد **داریوش پیرنیا** را به همسر وی خانم **منصوره پیرنیا** (ایزدی)، خبرنگار ویژه موسسه کیهان در دربار و نویسنده و گزارشگر مجله زن روز و فرزندان آنان و دیگر اعضای خاندان **پیرنیا** و **ایزدی** تسلیت می گوید.

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۸۷) - احمد احرار ادامه در صفحه ۱۱۲



توافق اسرائیل با امارات و بحرین برای عادی ساختن روابط دیپلماتیک گفت: «امروز جهان شاهد این است که آنها همکاری را بجای مناقشه، دوستی را بجای دشمنی، رفاه را بجای فقر، و امید را بجای ناامیدی انتخاب می کنند...» ادامه در صفحه ۷

«پیمان ابراهیم» برگ برنده ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری؟

مراسم امضای رسمی توافق صلح بین اسرائیل با امارات و بحرین موسوم به «پیمان ابراهیم» به میزبانی دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات سه شنبه ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریور) در کاخ سفید برگزار شد. دونالد ترامپ با تاریخی خواندن

دونالد ترامپ: هر حمله احتمالی رژیم ایران، پاسخی هزار برابر دریافت خواهد کرد



● ترامپ: تصمیم آمریکایی برای کشتن قاسم سلیمانی به دلیل اقدامات او در طرح حمله برای کشتن نیروهای آمریکایی و مرگ و رنجی که در سال‌های طولانی به بار آورده بود، صورت گرفت. ● مایک پمپئو می‌گوید جمهوری اسلامی در سر تاسر جهان اقدام به ترور کرده ما نقشه برای ترور سفیرمان در آفریقای جنوبی را جدی می‌گیریم و از تمامی امکاناتی که در اختیار داریم برای حفظ جان تمامی کارکنان وزارت خارجه استفاده می‌کنیم.

پایگاه خبری «پولیتیکو» ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریور) به نقل از مقامات ایالات متحده گزارش داد رژیم ایران در حال توطئه برای ترور سفیر آمریکا در آفریقای جنوبی است اما وزارت خارجه رژیم ایران در واکنش به این گزارش منکر این توطئه شده است.

مقامات ارشد پنتاگون گفته بودند «سلیمانی بطور فعال در حال برنامه‌ریزی برای حمله به دیپلمات‌ها و پیمانکاران آمریکایی در عراق و سراسر منطقه است».

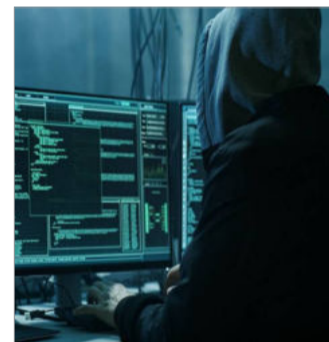
مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا پیش از این در گفتگویی با شبکه تلویزیونی «فاکس نیوز» درباره گزارش‌های امنیتی درباره نقشه رژیم ایران برای ترور لانامارکس گفته بود «جمهوری اسلامی در سرتاسر جهان اقدام به ترور کرده و مردم را در اروپا و دیگر نقاط جهان ترور کرده است. ما چنین ادعاهایی را بسیار جدی تلقی می‌کنیم و از تمامی امکاناتی که در اختیار داریم برای حفظ جان تمامی کارکنان وزارت خارجه استفاده می‌کنیم، به همان شکلی که برای حفظ سربازان، ملوانان و یا پرسنل نیروهای هوایی مان انجام می‌دهیم».

رئیس سازمان جاسوسی اسرائیل «موساد» می‌گوید: عربستان هم مانند امارات و بحرین تصمیم دارد مناسبات بهتر و نزدیکتری با اسرائیل آغاز کند. یوسی کوهن گفته: سیاست‌های اصلی عادی شدن مناسبات کشورهای عرب خلیج فارس با تل‌آویو است. کوهن در رسیدن امارات و بحرین به توافق صلح با اسرائیل نقش بسزایی داشته است. او در سال‌های گذشته در چندین سفر مخفیانه به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، هیئت حاکمه این امیرنشین‌ها را به برقراری رابطه با اسرائیل تشویق کرده بود.

سختگویی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا را «تهمات مغرضانه و هدفمند» و «ظهارات بی‌پایه و اساس» خوانده است. لونا انجیکنگلگه سخنگوی وزارت خارجه آفریقای جنوبی دوشنبه به «بلومبرگ» گفت گزارش‌ها در مورد طراحی توطئه علیه سفیر آمریکا در آفریقای جنوبی ما را شگفت‌زده کرده است.

این مقام آفریقای جنوبی افزود نالدی پاندور وزیر روابط و همکاری بین‌المللی این کشور ممکن است بعداً بیانیهای در این زمینه صادر کند.

تحریم شبکه بزرگ حملات و سرقت سایبری وابسته به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان



● استیون منوچین وزیر خزانهداری آمریکا می‌گوید کشورش مصمم به مقابله با کارزارهای سایبری تهاجمی برای به خطر انداختن امنیت و وارد کردن خسارت بر بخش سفرهای بین‌المللی است.

● چندین شرکت و دهه‌ها نفر از کسانی که با وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان همکاری می‌کنند شامل برنامه‌نویسان، هکرها و مدیران در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

● گروه سایبری «تهدید پیشرفته مدام ۳۹» و شرکت محاسبات هوشمند «رعنا» از داخل ایران، همراه شرکت‌های توسعه و مهندسی معمار و شرکت مشاوره «آرش» مستقر در لبنان تحریم شدند.

● شرکت «رعنا» نقش کلیدی در آزار و اذیت و اختلال، حملات سایبری و همچنین نظارت بر شهروندان ایرانی، به خصوص مخالفان جمهوری اسلامی، روزنامه‌نگاران، مقامات سابق دولتی، طرفداران محیط زیست، پناهندگان، دانشجویان و کارمندان سازمان‌های غیردولتی در سطح جهان داشته است.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانهداری آمریکا (OFAC) پنجشنبه ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریور) ۴۹ شهروند و شرکت ایرانی و لبنانی را به اتهام همکاری با جمهوری اسلامی در حملات مخرب و سرقت‌های سایبری در فهرست تحریم‌های ایالات متحده قرار داد. وبسایت وزارت خزانهداری آمریکا

دانشجویان و کارمندان سازمان‌های غیردولتی در سطح جهان داشته بطوری که برخی از این افراد بازداشت شده و مورد آزار جسمی و روحی قرار گرفته‌اند. این گروه سایبری نهادهای آکادمیک ایرانی، شرکت‌های خصوصی و مراکز بین‌المللی زبان فارسی و فرهنگی را نیز هدف قرار داده‌اند.

برآورد وزارت خزانهداری و پلیس فدرال آمریکا نشان می‌دهد که گروه «رعنا» دست‌کم ۱۵ کشور در خاورمیانه و آفریقا را هدف قرار داده است.

اسامی اشخاص تحریم شده به این شرح است:

امید عابدشاهی، سیدحمید ابوترابی، امید اکبریان، سلطان خلیفه اسد، امیرحسیت آزادخانی، رضا محمدی عزیزآبادی، نعمت‌الله حسین بابایی، ابوالفضل حسین پور داوودی، علیرضا عمادالدین، پیمان دهقان پور، منصور گرشاسبی، سیدمحمد غفاریان، حجت غلامزاده، اسماعیل حمیدی، مهدی حاجبی، غلامرضا رادمراد، ابوالفضل جبیری، محمدرضا جعفری بندرآبادی، میثم جلالی، سیدمحمد کلامی، علی کمالی، امید موسی‌زاده قندی، محمد خلیلزاده، امین حسین‌زاده خانمیری، بهمن لطفی، شهریار مهدی، حسن فضلی مقصودی، محمد محمودی، مهدی مهری، محمود مهری، محمدحسن مهری، محمدعلی میرزایی، رضامیرزایی، محسن مطلوب مقدم، سعید مصطفوی، ولی مصطفی نژاد، محسن رئیسی نفتچی، حسین نظری کله‌جو، محسن نوری، علیرضا استاد اکبری، محمدباقر رسولی، امیرحسین صفری، مصطفی صدیقی، جواد طاهری شبان، علی‌اکبر رضایی توانا و سالار محمودزاده.

مشخصات دقیق‌تر هر کدام از این افراد در لیست وزارت خزانهداری آمریکا ثبت شده است. وزارت خزانهداری آمریکا تاکید کرده شرکت «رعنا» افراد و نهادها را نه تنها در داخل ایران بلکه در مقیاس جهانی و در حدود بیش از ۳۰ کشور در سراسر آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی هدف قرار می‌داد.

وزارت خزانهداری آمریکا تاکید کرده شرکت «رعنا» افراد و نهادها را نه تنها در داخل ایران بلکه در مقیاس جهانی و در حدود بیش از ۳۰ کشور در سراسر آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی هدف قرار می‌داد.

رئیس موساد:

سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی علت اصلی عادی شدن روابط کشورهای عرب خلیج فارس با اسرائیل است

کشورهای عرب خلیج فارس برای به رسمیت شناختن اسرائیل و عادی شدن روابط خود با این کشور ایفا کرد. به نظر یوسی کوهن توسعه‌طلبی‌های عرب منطقه، این پیش‌فرض قدیمی را که به رسمیت شناختن اسرائیل را به حل‌منزاعه اسرائیل و فلسطین مشروط می‌کرد، کنار گذاشتند.

او یادآور شد که بهبود روابط اسرائیل و کشورهای عرب منطقه نتیجه اعتماد متقابل است که طی سال‌ها بین این کشورها به منظور مقابله با تهدیدهای جمهوری اسلامی به وجود آمد.

وی تاکید کرد که هر کشور باید در مورد منافع فوری و مهم خود بر اساس منافع درازمدت خود تصمیم بگیرد. همان کاری که امارات و بحرین کردند. رئیس موساد افزود: امکان برقراری رابطه میان تل‌آویو و ریاض در آینده نسبتاً نزدیک محتمل است. او ملاقات خود را نیز با ولیعهد عربستان محمد بن سلمان تکذیب نکرد و گفت: ۹ کشور به زودی مناسبات خود را با اسرائیل عادی خواهند نمود.

دونالد ترامپ نیز اخیراً گفت که درباره عادی‌سازی مناسبات اسرائیل و عربستان با ملک سلمان پادشاه این کشور صحبت کرده است.



یوسی کوهن رییس موساد

وی روز چهارشنبه این هفته در یک مصاحبه تلویزیونی از عادی شدن مناسبات اسرائیل با دو کشور عربی منطقه به عنوان شکسته شدن دیوار شیشه‌ای یاد کرد. او تاکید کرد این عادی‌سازی حاصل سال‌ها تماس و گفتگو است که با دقت و ظرافت دنبال شده است.

یس سازمان موساد افزود: نگرانی‌های منطقه در رابطه با هدف‌های توسعه‌طلبانه و امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی در تصمیمات

● «رفتار توسعه‌طلبانه جمهوری اسلامی نقش اساسی در به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی کشورهای منطقه و عادی شدن رابطه با تل‌آویو داشت».

● «۹ کشور دیگر به زودی اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند».

رئیس سازمان جاسوسی اسرائیل «موساد» می‌گوید: عربستان هم مانند امارات و بحرین تصمیم دارد مناسبات بهتر و نزدیکتری با اسرائیل آغاز کند. یوسی کوهن گفته: سیاست‌های اصلی عادی شدن مناسبات کشورهای عرب خلیج فارس با تل‌آویو است. کوهن در رسیدن امارات و بحرین به توافق صلح با اسرائیل نقش بسزایی داشته است. او در سال‌های گذشته در چندین سفر مخفیانه به کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، هیئت حاکمه این امیرنشین‌ها را به برقراری رابطه با اسرائیل تشویق کرده بود.

سختگویی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا را «تهمات مغرضانه و هدفمند» و «ظهارات بی‌پایه و اساس» خوانده است. لونا انجیکنگلگه سخنگوی وزارت خارجه آفریقای جنوبی دوشنبه به «بلومبرگ» گفت گزارش‌ها در مورد طراحی توطئه علیه سفیر آمریکا در آفریقای جنوبی ما را شگفت‌زده کرده است.

این مقام آفریقای جنوبی افزود نالدی پاندور وزیر روابط و همکاری بین‌المللی این کشور ممکن است بعداً بیانیهای در این زمینه صادر کند.

مقامات امارات و نتانیاهو برای امضای قرارداد صلح در حضور دونالد ترامپ وارد واشنگتن شدند



برچم‌های برافراشته‌ی اسرائیل و بحرین و آمریکا و امارات در شهر نتانیا در اسرائیل

استراتژی آمریکادار منطقه، توسعه روابط با کشورهای عربی است و عربستان سعودی نیز در تغییر و تحولات در حال وقوع در منطقه نقش دارد و این حرکت‌ها طوری طراحی شده که سرانجام به برقراری رابطه میان فلسطین و اسرائیل منجر شود.

روز شنبه ۱۲ سپتامبر نیز عبداللطیف بن راشد الزیانی وزیر خارجه بحرین در گفتگو با العربیه تاکید کرد که بحرین از اکثر ساکنان آن شیعه هستند، کشور مستقلی است و با دخالت‌های خارجی در امور خود کاملاً مخالف است. او افزود: جمهوری اسلامی سعی دارد با پشتیبانی شبه‌نظامیان ثبات و امنیت منطقه را مختل کند.

بن راشد الزیانی روز شنبه با گبی اشکنازی وزیر خارجه اسرائیل نیز صحبت کرد. او گفت: توافق با اسرائیل، تصمیمی تاریخی و دلیرانه است و بر مبنای همزیستی مسالمت‌آمیز و با هدف صلح به عنوان گزینه راهبردی برای مردم و گسترش روابط و برقراری ثبات در منطقه است.

وی یادآور شد که صلح در سایه وجود امنیت و شفافیتی منطقه گسترش می‌یابد.

● وزیر خارجه بحرین: جمهوری اسلامی سعی دارد آرامش منطقه را بهم بریزد.

وزیر خارجه امارات متحده عربی روز یکشنبه، ۱۳ سپتامبر، با هیئت همراهش به دعوت دونالد ترامپ وارد پایتخت آمریکا شد.

قرار است عبدالله بن زاید آل نهیان روز سه‌شنبه به نمایندگی از سوی محمد بن زاید ولیعهد آن کشور توافقنامه صلح میان امارات و اسرائیل موسوم به «پیمان ابراهیم» را امضا کند.

گفته می‌شود در این مراسم بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و همسرش نیز حضور خواهند داشت. وزیر خارجه امارات در این سفر با رئیس جمهوری ایالات متحده، مایک پمپئو وزیر خارجه و برخی دیگر از مقامات واشنگتن در زمینه مسائل منطقه، تهدیدها و مزاحمت‌های احتمالی رژیم جمهوری اسلامی و همچنین مسائل سیاسی، اقتصادی و موضوعات گوناگون دیگر مذاکراتی خواهند داشت.

پس از اعلام برقراری رابطه بین امارات و اسرائیل و دعوت مصطفی

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

KAYHANLIFE

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

شاهزاده رضا پهلوی:

نوید زنده است و راهش ادامه دارد



«پهلوان نوید»
دوشادوش هزار یار قهرمانش
در خیابان با شهامت و آگاهی
در برابر اهریمن تا دندان
مسلح ایستاد. صدای او
صدای ایران بود و گناه
نابخشودنی اش آرزوی
فردایی بهتر برای کودکان
سرزمین مان. رویای نوید،
پایان تبعیض، تحقیر، ظلم و
فساد بود، بازگشت عظمت
ایران و ایمان به فردایی
متفاوت از امروز.

راز دست دادم. هر آنکه دل در گرو ایران و راهی ایران دارد، عزادار نوید افکاری است.
«پهلوان نوید» دوشادوش هزار یار قهرمانش در خیابان با شهامت و آگاهی در برابر اهریمن تا دندان مسلح ایستاد. صدای او صدای ایران بود و گناه نابخشودنی اش آرزوی فردایی بهتر برای کودکان سرزمین مان. رویای نوید، پایان تبعیض، تحقیر، ظلم و فساد بود، بازگشت عظمت ایران و ایمان به فردایی متفاوت از امروز.
سران حکومت اسلامی بدانند که با قتل و دفن شبانه جوانی بی گناه، و محروم کردن مادر دردمندش از آخرین ملاقات، صدای اعتراض ملتی

واقعیت در خیابان های مجازی؛

هشتگ «خامنهای - گوه - خورد» در واکنش کاربران به سخنان خامنهای علیه رضاشاه پهلوی ترند شد!

که ترند شده است.
کاربران ایرانی در واکنش به سخنان علی خامنهای علیه رضاشاه فقید که او را «بی غیرت» می نامد، بیش از ۸۱ هزار بار از هشتگ «خامنهای گوه خورد» استفاده کردند و به اظهاراتش پاسخ های سزاوار دادند.
در این ساعات توئیتر فارسی با این هشتگ به عرصه ای گسترده از ستایش رضاشاه پهلوی و اعلام حق شناسی و بیان سپاس کاربران فضای مجازی از خدمات و فداکاری های وی و محمدرضاشاه پهلوی در پایه گذاری ایرانی آباد و پیشرفته تبدیل شده است.

همچنین کاربران با همین هشتگ از دوران حکمرانی ۳۱ ساله خامنهای به شدت انتقاد کرده و در توصیف این دوران سیاه و فلاکت بار بیان مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سرکوب و کشتار بی امان مردم توسط جمهوری اسلامی پرداختند.
این ویدئوی خامنهای شامگاه دیروز با یک گوشی آیفون آمریکایی در حساب توئیتری خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شده است. این خبرگزاری از هراس واکنش کاربران بخش اظهارنظرها را در پای این توئیث بسته است.

علی خامنهای در این ویدئو، رضاشاه پهلوی «بنیانگذار ایران نوین» را وابسته به کشور انگلستان معرفی می کند و می گوید رضاشاه به هیلتر گرایش داشته و این انگلیسی ها را عصبانی می کند و پس از جنگ جهانی دوم دستور دادند که برود و رضاشاه پهلوی نیز رفته است.
انتشار این اظهارات با واکنش تند کاربران فضای مجازی مواجه شده و هشتگ یادشده راه انداختند.
کاربران ایرانی همچنین از هشتگ #رضاشاه و #رضاشاه_روح_شاد که در سال های اخیر به یکی از شعارهای اصلی مردم در تظاهرات اعتراضی آنها تبدیل شده استفاده کرده اند.

کاربران ایرانی اما خدمات رضاشاه پهلوی به ملت و مملکت را برشمرده و نوشته اند که علی خامنهای در سه دهه رهبری «موقت» خود، چیزی جز اعدام، کشتار، سرکوب مردم و تخریب و ویرانی ایران کاری نکرده است.
توئیث کنندگان این هشتگ نوشته اند که رضاشاه غیرت خود را با

بیانیه شهبانو فرح پهلوی به مناسبت اعدام نوید افکاری قهرمان کشتی



نوید افکاری قهرمان بود و قهرمان از جهان رفت. قهرمان نوید افکاری، مثل همه ایرانیانی که در تمام این سال ها برای آزادی ایران مبارزه کردند، رنج زندان و شکنجه و اعدام را به جان خریدند و هرگز از مبارزه دست نکشیدند، خواهان عدالت و آزادی بود و در این راه جان باخت.
این رویداد دردناک را از صمیم قلب به مادر داغ دیده قهرمان نوید افکاری و خانواده وی تسلیت می گویم و برایشان آرزوی شکیبایی و بردباری دارم.

فرح پهلوی
۲۳ شهریور ۱۳۹۹ - ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۰

یادداشت شاهزاده رضا پهلوی در «وال استریت ژورنال»:

قتل نوید افکاری توسط رژیم ایران یک پیام داشت: اعتراض کنید، می کشیم!



تصویر یک ایرانی آزادبخوا در اعتراض به اعدام نوید افکاری در شهر برلین؛ آلمان ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰

● **وال استریت ژورنال:**
رژیم ایران برای خاموش کردن مخالفان یک ستاره کشتی را اعدام می کند!

● **شاهزاده پهلوی در روزنامه «وال استریت ژورنال» نوشت نوید افکاری فقط قربانی یک روند قضایی نا عادلانه نشد بلکه هدف از قتل او خاموش کردن اعتراضات عمومی از طریق ایجاد رعب و وحشت با اعدام یک معترض است.**

● **پیامی که رژیم ایران با قتل افکاری به ایرانیان ابلاغ کرده اینست که: اگر اعتراض کنید شما را می کشیم، فرقی نمی کند چه کسی باشید.**

● **رژیم سرکوب را به مخالفان و معترضان محدود نمی کند و بطور سیستماتیک خانواده های آنها را نیز هدف قرار می دهد و غالباً خانواده ها را مجبور می کند که برای گرفتن پیکر بی جان عزیزان خود هزینه های را نیز که برای کشتن آنها استفاده شده پرداخت کنند.**

● **بسیاری در غرب همچنان بر گفتگو و عادی ساختن (نر مالیزاسیون) جمهوری اسلامی اصرار دارند. تماس برای «اصلاح» آلمان نازی، یا «تعدیل» رژیم آفاترید در آفریقای جنوبی، هرگز تا این حد جدی گرفته نمی شد. وقت آن رسیده است که رهبران دنیای آزاد این را درک کنند و در عوض به دنبال گفتگو و مشارکت و حمایت مردم ایران باشند.**

● **هنگامی که مردم ایران دوباره به خیابان ها بروند تا نقطه ی پایان بر جمهوری اسلامی بگذارند - و این کار بی تردید اتفاق خواهد افتاد - جهان آزاد باید در کنار آنها باشد.**

در پی اعدام نوید افکاری کشتی گیر معترض، شاهزاده رضا پهلوی ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریور) در یادداشتی با عنوان «قتل نوید افکاری یک پیام داشت» در روزنامه «وال استریت ژورنال» با تشبیه رژیم جمهوری اسلامی با رژیم آلمان نازی و رژیم آفاترید آفریقای جنوبی به رهبران کشورهای غربی تاکید کرد تلاش برای «عادی» نشان دادن رژیم ایران به اعتبار دموکراسی های غربی و سازمان های بین المللی لطمه می زند.
متن کامل این یادداشت را که وال

استریت ژورنال به همراه یک گزارش ویدئویی درباره بازگشت تحریم ها و «سنسپیک» منتشر و برای آن این سوتیر را انتخاب کرده در ادامه می خوانید: رژیم ایران برای خاموش کردن مخالفان یک ستاره کشتی را اعدام می کند!
در اوت ۲۰۱۸ هزاران ایرانی در موج دیگری از اعتراضات علیه رژیم اسلامی، به تظاهرات ضدحکومتی در سراسر ایران پیوستند. نوید افکاری قهرمان کشتی با دو برادرش که در تظاهرات بود توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. رژیم پس از ماه ها شکنجه ی افکاری او را وادار کرد به قتل یک مامور حراست اعتراف کند و سپس او را به اعدام محکوم کردند. صدور حکم اعدام برای افکاری با اعتراض داخلی و بین المللی روبرو شد، اما روز شنبه افکاری ۲۷ ساله اعدام شد.
همانطور که در رویه قضایی دادگاه های جمهوری اسلامی معمول است پرونده افکاری شباهتی به اجرای عدالت نداشت. نوید افکاری فقط قربانی یک روند قضایی نا عادلانه نشد بلکه هدف از قتل او خاموش کردن صدای اعتراضات عمومی از طریق ایجاد رعب و وحشت با اعدام یک معترض بود. رژیم با نادیده گرفتن پیامدهای محکومیت بین المللی، یک ورزشکار قهرمان را به قتل رساند و با این کار پیامی که بی تردید به ایرانیان ابلاغ کرده این است که: اگر اعتراض کنید شما را می کشیم، فرقی نمی کند چه کسی باشید. برای جامعه بین الملل، رژیم یادآور جمله مشهوری از روح الله خمینی است که در جریان بحران گروگان گیری ۸۱-۱۹۷۹ گفت: شما هیچ غلطی نمی توایید بکنید!

هر چند تکانه دهنده است، اما قتل نوید افکاری در ایران تازگی ندارد و سوابق رژیم در ۴۱ سال گذشته پر از این قتل های دولتی است و نویدها بی شمارند. عفو بین الملل در گزارش اخیر خود جزئیات تاسفباری از نحوه قتل عام و شکنجه معترضان آبان ۱۳۹۸

توسط جمهوری اسلامی منتشر کرده که در میان آنها تعدادی از کشته شدگان کودک بودند. رژیم سرکوب را به مخالفان و معترضان محدود نمی کند و بطور سیستماتیک خانواده های آنها را نیز هدف قرار می دهد و غالباً خانواده ها را مجبور می کند که برای گرفتن پیکر بی جان عزیزان خود هزینه های را نیز که برای کشتن آنها استفاده شده پرداخت کنند
بسیاری در غرب همچنان بر گفتگو و عادی ساختن (نر مالیزاسیون) جمهوری اسلامی اصرار دارند. تماس برای «اصلاح» آلمان نازی، یا «تعدیل» رژیم آفاترید در آفریقای جنوبی، هرگز تا این حد جدی گرفته نمی شد. بر اساس شواهد قاطع اطمینان داشته باشیم این تصور که رژیم ایران می تواند مانند یک رژیم عادی رفتار کند بچ است. تلاش برای عادی نشان دادن رژیم ایران به اعتبار دموکراسی های غربی و سازمان های بین المللی لطمه می زند. مقامات جمهوری اسلامی نمایندگان قانونی افرادی نیستند که آنها را تحت ظلم و ستم قرار می دهند و می کشند. وقت آن رسیده است که رهبران دنیای آزاد این را درک کنند و در عوض به دنبال گفتگو و مشارکت و حمایت مردم ایران باشند. ملاها بر این باورند که خشونت هولناک مخالفان را سرکوب کرده و مقاومت را از بین خواهد برد، اما آنها در اشتباه اند. ملت ایران بیش از هر زمان دیگری عزم خود را جزم کرده که این فصل تاریک در تاریخ ایران را ببندد. به ازای هر نوید افکاری که رژیم می ستاند، ده ها ایرانی دیگر به مبارزه برای آزادی و دموکراسی می پیوندند. هنگامی که مردم ایران دوباره به خیابان ها بروند تا نقطه ی پایان بر جمهوری اسلامی بگذارند - و این کار بی تردید اتفاق خواهد افتاد - جهان آزاد باید در کنار آنها باشد.
*منبع: وال استریت ژورنال
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

دماوند من؛ نقاشی‌های بیژن دانشمند



دماوند، یکی از نمادهای طبیعی و تاریخی ایران، موضوعی است که بیژن دانشمند، هنرمند و بازیگر ایرانی-بریتانیایی، برای بیش از یکصد تابلوی خویش انتخاب کرده است. بیژن دانشمند قبل از دماوند نیز به صورت سریال تابلوهایی در اندازه‌های گوناگون در مورد آنچه او نمادهای دیگر ایران می‌خواند مانند تاج و گل خشخاش تهیه کرده بود. بیژن دانشمند که بازیگر شناخته‌شده سینما است، بین دو

فیلم «صبح‌اش را با نقاشی به شب» می‌رساند. یکی از آخرین فیلم‌هایی که وی در آن نقش‌آفرینی کرده با عنوان «کافر» (The infidel) به کارگردانی سیروس نورسته، که از جمله «سنگسار ثریا» را در کارنامه خود دارد، در روزهای آینده در آمریکا اکران خواهد شد. دماوندی که این روزها صحبت از «وقف» بخشی از آن در رسانه‌ها مطرح شده و واکنش‌های اعتراضی بسیاری را به دنبال داشت، تم پیش

از یکصد تابلوی کوچک و بزرگ بیژن دانشمند، هنرمند و بازیگر ایرانی-بریتانیایی است. دماوندی که یکی از نمادهای فرهنگی، تاریخی و طبیعی ایران و بدون شک یکی از نمادهای تهران نیز به شمار می‌رود. دماوند و بی برف، توسط این هنرمند به روی بوم و کاغذ ثبت شده است. احمد رأفت در کارگاه این هنرمند، با بیژن دانشمند گفتگویی انجام داده است.

شادا که رنج ما فریاد را به خانه‌ی بیداد، برده است

(رضا مقصدی)



ما گشته می‌شویم به یک آه آینه.
ما گشته می‌شویم به یک بغض آفتاب.
ما گشته می‌شویم به داغ بلند باغ.
اما

همواره زنده‌ایم به یک آرزوی سبز.
همواره زنده‌ایم به یک عشق سربلند.
همواره زنده‌ایم به پیغام روز و رود.

خورشید، بر کرانه‌ی ما خیمه، بسته است.
هرچند باغ خانه‌ی ما دلشکسته است -
جامی به سربلندی مهتاب، می‌زنیم.

تا خاک را «نوید» خوش‌آهنگ رنگ‌هاست -
زیباترین ترانه‌ی ما شعر برگ‌هاست.
شادا که رنج ما
فریاد را به خانه‌ی بیداد، برده است.

ای آسمان صُبحدم روزگار سرد!
با ما بخوان! ترانه‌ی خونین درد را.
ای ریسمان تنگ فرو بسته بر گلو!
با ارغوان ما
از آخرین دقایق آن «پهلوان» بگو!

«محله ۱۸» مارال کارایی، برنده جایزه انیمیشن‌های کوتاه



مارال کارایی، هنرمندی که چندین انیمیشن بسیار زیبا در کارنامه خود دارد، توانست با «محله ۱۸» (District 18) جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره‌ی را که با تم آزادی مذهب و رواداری در آمریکا برگزار می‌شود به دست آورد.

مارال کارایی که پس از خروج از ایران در هلند مستقر شده بود و در این کشور تغییر مذهب داده و به مسیحیت گروید، از سه سال پیش در کانادا زندگی می‌کند.

از انیمیشن‌های برجسته، و البته شاد این هنرمند که عمدتاً برای کودکان ساخته شده‌اند می‌توان به «چهارشنبه سوری»، «توروز» و «گندم» اشاره کرد.

«محله ۱۸» نامش را از ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر وام گرفته است. بر اساس این ماده «هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است؛ این حق شامل آزادی عقیده، تغییر مذهب آدین، و آزادی علنی او آشکارا کردن آئین و ابراز عقیده، چه به صورت تنها، چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و برگزاری آن در محیط عمومی یا خصوصی است و هیچ فردی حق اهانت و تعرض به فرد دیگری به لحاظ تمایز و اختلاف اندیشه ندارد.»

در «محله ۱۸» هر انسان به رنگی تعلق دارد و از حق هرگونه تماسی با «نگ» دیگر محروم است. فردی که از این قانون غیرانسانی تخطی

۳۱۳ سینماگر خواستار برچیده شدن سانسور و پروانه فیلمسازی شدند؛

۲۱ شهریورماه روزی که «همینجوری» روز ملی سینما نام گرفت!



موزه سینما در باغ فردوس تهران

بیانیه به دست آنها رسید حاضر به امضا نشدند.»
وی از هشتگ‌های #روز_ملی_سینما و #ته_به_سانسور در این توئیٹ استفاده کرد.

در این بیانیه اسامی چهره‌های شناخته‌شده‌ای چون رخشان بنی‌اعتماد، اصغر فرهادی، داریوش مهرجویی، پیمان معادی، باران کوثری، جهانگیر کوثری، سعید روستایی، ابراهیم حاتمی‌کیا، محمدرضا گلزار، نوید محمدزاده، امیرحسین مهدوی، فریدون جیرانی، شهاب حسینی، لیلا حاتمی، مهراڤ مدبری، پرویز پرستویی، رامبد جوان، رضا عطاران دیده نمی‌شود.

در حالی که از سال ۱۳۷۹ خانه سینما روز ۲۱ شهریورماه را «روز ملی» سینما نامگذاری کرده و به این اعتبار سینما در ایران ۱۲۰ ساله می‌شود، اظهارات عباس بهارلو پژوهشگر سینما در این رابطه جنجال آفریده است. وی انتخاب روز ۲۱ شهریور به عنوان روز ملی سینما را فاقد «مبنای درست و دقیق» و «سمبلیک» خوانده است.

این پژوهشگر سینما معتقد است که «در این روز بخصوص در سینمای ایران هیچ اتفاق خاصی رخ نداده که مبنایی برای روز ملی سینما باشد.»

آنگونه که عباس بهارلو نگارنده چندین کتاب پژوهشی سینما گفته، قرار بوده، شنبه ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ قمری برابر با ۲۷ اسد (امرداد) ۱۲۷۹ شمسی

مجاز فیلمسازی شدند. همزمان با این روز، یک پژوهشگر سینما می‌گوید مسئولان «همینجوری» و بدون هیچ مبنای تاریخی ۲۱ شهریورماه را روز سینما نامگذاری کرده‌اند و در این روز هیچ اتفاق ویژه‌ای برای سینمای ایران نیفتاده است!

به مناسبت روز «ملی» سینما (۲۱ شهریورماه) ۳۱۳ سینماگر با انتشار یک بیانیه بطور معناداری کوتاه و در یک خط خواستار «برچیده شدن نظام سانسور و حذف هر نوع پروانه فیلمسازی» شدند.

این بیانیه‌ی را سینماگرانی چون مهناز افشار، کامبوزیا پرتوی، جعفر پناهی، علیرضا داوودنژاد، پوران درخشنده، رضا درمیشیان، محمد رسول‌اف، عزیزالله حمیدنژاد، همایون غنی‌زاده، کیانوش عبیاری، ترانه علیدوستی، مهرشاد کارخانی، فاطمه معتمداریا، فرهاد مهران‌فر و حمید نعمت‌الله صادر کرده‌اند. محمد رسول‌اف فیلمساز ممنوع‌الکار که در انتظار اجرای حکم زندان است، در توئیٹی اعلام کرد که گروهی از سینماگران حاضر به امضای این بیانیه نشدند.

وی در حساب توئیٹری خود نوشت: «اگر نامگذاری روزی به‌نام «سینمای ملی» یک خاصیت داشته باشد، آن است که سینماگران بتوانند بدون هراس از داغ و درفش‌های رایج حکومت، خواسته‌های بنیادی و انباشته شده خود را طلب کنند. متأسفانه گروهی از سینماگران که

رخشان بنی‌اعتماد، اصغر فرهادی، پیمان معادی و نوید محمدزاده جزو سینماگران امضاءکننده‌ی این بیانیه نیستند.

● درحالی خانه سینما ۲۱ شهریورماه را روز ملی سینما اعلام کرده که یک پژوهشگر سینما می‌گوید هیچ اتفاق ویژه‌ای در تاریخ سینمای ایران در این روز نیافتاده و فقط مسئولان دیده‌اند روز بدون اتفاقی است و آن را روز سینما اعلام کردند!

● به گفته عباس بهارلو، شنبه ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ قمری برابر با ۲۷ اسد (امرداد) ۱۲۷۹ شمسی یا ۱۸ آگوست ۱۹۰۰ میلادی روزی است که میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی برای بار نخست پشت دوربین فیلمبرداری قرار گرفت و مراسم «جشن عید گل» را فیلمبرداری کرد.

به مناسبت روز «ملی» سینما، ۳۱۳ سینماگر با انتشار یک بیانیه بطور معناداری کوتاه و در یک خط خواستار برچیده شدن نظام سانسور و حذف

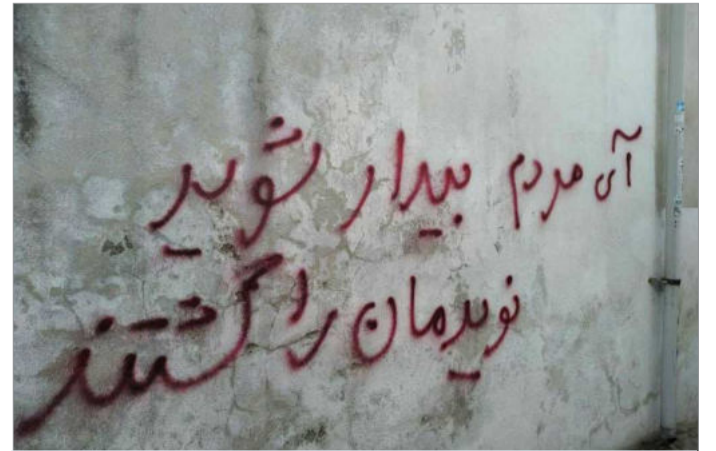
کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خلیان) برای نخستین بار ایجاد کننده‌ی محور نظامی و تاکتیک‌های «حالت رژیم جمهوری اسلامی» در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. بلافاصله پس از انتشار کتاب و با انتشارات ساراپ و سوپر هرز در لندن و کانگوروشیای معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنید.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Godes Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کشتن نوید افکاری توسط جمهوری اسلامی «پوست موز زیر پای قوه قضائیه»!



دیوارنویسی پس از اعدام نوید افکاری

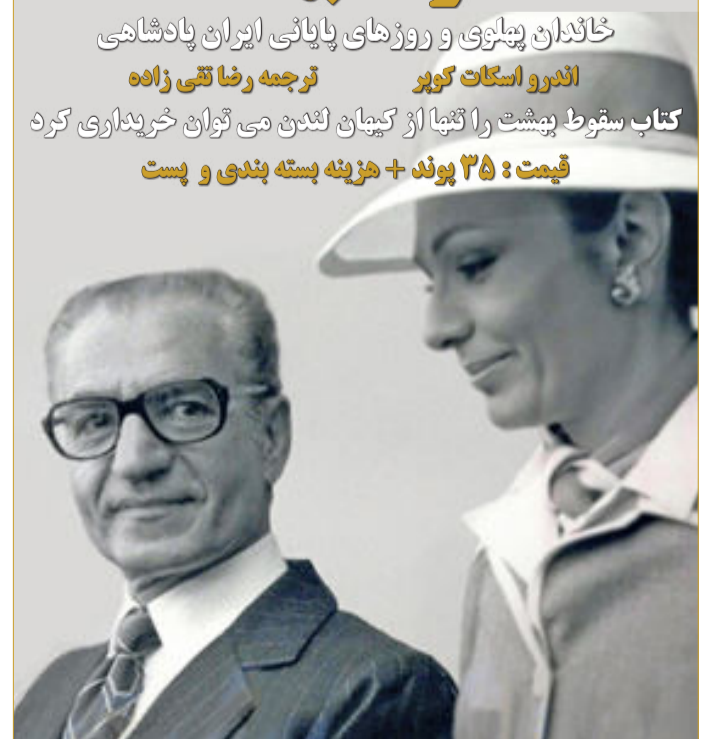
ریاست وی، نوید را مخفیانه اعدام کرد. روز سه‌شنبه شخصی به نام مجتبی حسینی یادداشتی در روزنامه «اعتماد» نوشت با عنوان «پوست موز زیر پای قوه قضائیه». در این نوشته آمده است: صدور حکم اعدام برای سه جوان معترض آبان ۱۳۹۸ نه تنها دوباره نگرانی‌ها را تشدید کرد، بلکه با اجرای حکم اعدام نوید افکاری روح و روان بخش بزرگی از جامعه ایران را جریده‌دار و فضای روانی جامعه را به ناامیدی و خشم از اقدام حاکمیت و قوه قضائیه هدایت نمود چرا که جمعیت کثیری از مردم به دلیل ضعف دستگاه قضایی در افکار عمومی و اظهارات وکلای مرحوم نوید افکاری درباره نواقض پرونده از مستندات دستگاه قضایی درباره نقش نوید افکاری در قتل یک مأمور شرکت آب و فاضلاب قانع نشدند و بر همین اساس با فریاد اعدام‌تکنید خواستار توقف اجرای حکم اعدام شدند که البته به قول مولانا:

گوش اگر گوش تو ناله اگر ناله ماست، آنچه البته به جایی نرسد فریاد است. در این میان مجریان و موافقین اعدام مرحوم افکاری بدون توجه به هزینه‌های سیاسی و روانی این اعدام می‌گویند؛ اجرای «مر قانون» بالاتر از احساسات و عواطف جامعه است. اما با وجود قاعده «در و انصاف قضایی» ماجرا فرق می‌کند.

اگر پرونده نوید افکاری مانند پرونده‌های مشابه بین شاکوی و متهم باقی می‌ماند و توسط دستگاه قضایی به یک پرونده سیاسی و حکومتی تبدیل نمی‌گردید، موضوع اعدام وی تبدیل به یک مطالبه عمومی در جامعه ایرانی و جامعه جهانی نمی‌شد. در حالی که این پرونده (به هر دلیل از روی عمد یا غفلت) امنیتی و سیاسی شد و توجه مردم ایران و جهان را به خود جلب نمود.» نویسنده «اعتماد» که فرصت را برای تلافی ضربه‌های جناحی قوه قضائیه مغتنم شمرده ادامه می‌دهد: «به هر حال قاعده و مصلحت می‌توانست جلوی اعدام عجلولانه را بگیرد و به وکلای خانواده نوید فرصت بدهد تا بنا به گفته خودشان بر اساس رایزنی‌های صورت گرفته رضایت بگیرند.

اگر پرونده نوید افکاری مانند پرونده‌های مشابه بین شاکوی و متهم باقی می‌ماند و توسط دستگاه قضایی به یک پرونده سیاسی و حکومتی تبدیل نمی‌گردید، موضوع اعدام وی تبدیل به یک مطالبه عمومی در جامعه ایرانی و جامعه جهانی نمی‌شد. در حالی که این پرونده (به هر دلیل از روی عمد یا غفلت) امنیتی و سیاسی شد و توجه مردم ایران و جهان را به خود جلب نمود.» نویسنده «اعتماد» که فرصت را برای تلافی ضربه‌های جناحی قوه قضائیه مغتنم شمرده ادامه می‌دهد: «به هر حال قاعده و مصلحت می‌توانست جلوی اعدام عجلولانه را بگیرد و به وکلای خانواده نوید فرصت بدهد تا بنا به گفته خودشان بر اساس رایزنی‌های صورت گرفته رضایت بگیرند.

کتاب سقراط بهشت



کتاب سقراط بهشت را آتینا از کیهان لندن می‌خواند
قیمت: ۳۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست

بدین جهت بود که در اولین جلسه‌ای که با حضور جان اولیور، مدیر اجرایی شرکت عمران و منابع، و سایر همکارانش در ایران تشکیل شد، موضوع آموزش ایرانی‌ها و همچنین توجه به سؤالات و مکاتبات سازمان با دفتر شرکت عمران و منابع در تهران و خوزستان را مطرح کردیم. آقای اولیور اظهار داشت که همانطور که می‌دانید طبق قرارداد، کلیه هزینه‌های طرح‌ها به خرج شما انجام می‌شود و همیشه به ما تذکر داده‌اند و خودمان نیز معتقدیم که این هزینه‌ها باید با رعایت صرفه‌جویی انجام شود. بدین جهت است که تعداد کسانی که در طرح‌ها کار می‌کنند در حد اقل نگهداری شده و حد اکثر استفاده از وقت آنها می‌شود. هر کدام از آنها همکاران ایرانی خود را آموزش می‌دهند و از این بابت ما وظیفه خود را انجام داده‌ایم. اما از بابت مکاتبات اداری باید بگویم که معمولاً متخصصین ما وقت اضافی ندارند که صرف مکاتبات اداری بکنند. بخصوص این که اغلب نامه‌هایی که به دست ما می‌رسد به‌زبان فارسی است و بناچار باید ابتدا ترجمه شود و بعد به‌نظر کارشناسان و یا مسؤولین برسد که اغلب در نقاط مختلف خوزستان در میان بیابان مشغول انجام وظیفه هستند و تا فرصتی برای مکاتبات اداری پیدا کنند وقت زیادی گذشته است. ناچار این گونه کندی‌ها در کار مکاتبات پیش می‌آید که موجب شکایت می‌شود. سپس اضافه کرد که اجازه دهید قصه‌ای را که پدرم بارها برای من نقل کرده برای شما تکرار کنم. پدرم می‌گفت یک کشتی بخاری در روی رودخانه ای‌سی‌سی‌بی به کار مسافرکشی اشتغال داشت. دیگ بخار این کشتی فقط انقدر ظرفیت داشت که یا می‌توانست پره‌های کشتی را برای به‌بیش رفتن بچرخاند و یا این که سوت کشتی را به‌صدا درآورد. لذا هر وقت کشتی به مقصد نزدیک می‌شد و برای خبر کردن خانواده‌های مسافری سوت می‌زد، کشتی از حرکت می‌ایستاد و مسافری که می‌خواستند زودتر به مقصد برسند اعتراض می‌کردند. ناخدا به آنها تذکر می‌داد که مسافرین باید بین زودتر رسیدن به خانواده‌هایشان و یا خبر دادن به آنها یکی را انتخاب کنند!

پس از چند ماهی که برنامه تحویل گرفتن امور از شرکت عمران و منابع عملاً به مرحله اجرا درآمد و منابع سازمان در اهواز دایر گردید، شهیمیرزادی با سمت قائم‌مقام مدیر عامل به اهواز رفت و کلیه امور جاری سازمان را تحت نظر گرفت. جستجو برای یافتن جوانان تحصیلکرده‌ای که حاضر باشند به خوزستان رفته و پس از یک دوره کارآموزی مسؤلیت قسمتی از کارها را به‌عهده بگیرند از هدف‌های اولیه سازمان بود و به همین جهت از آقای امیرحسین نخعی که تحصیلات خود را در آمریکا تا درجه فوق لیسانس تمام کرده و دوره‌های تخصصی را در امر مدیریت و آموزش طی کرده بود دعوت کردم که مسؤلیت واحد آموزش سازمان را عهده‌دار شود و با کمک او برنامه خاصی برای به‌کار گرفتن جوانان واجد شرایط ایرانی تهیه شد. البته نظر به این که گزارشات فنی و سوابق مربوط به مطالعات و اقدامات سالیانه قبل به زبان انگلیسی بود، ناچار بودیم در مرحله اول برای سرعت در کار، از کسانی که به زبان انگلیسی آشنا بودند استفاده کنیم. به همین جهت جستجوی ما در شروع کار متوجه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکا بود و طی سفری که به‌اتفاق نخعی به آمریکا رفتیم با کمک نمایندگی‌های ایران در خارج، با گروه‌های دانشجویی که در دانشگاه‌های مختلف تحصیل می‌کردند، ملاقات کردیم و طی جلساتی طولانی، با آگاه کردن آنها از کارهایی که در خوزستان در دست اقدام بود، سعی کردیم که آنها را به مراجعت به ایران و خدمت در خوزستان تشویق کنیم. نتیجه این برنامه از نظر سازمان قابل ملاحظه نبود ولی برای کشور مفید واقع شد زیرا عده‌ای از این جوانان به ایران آمدند و از طرح‌های عمران خوزستان بازدید کردند ولی به‌علت شرایط نامساعد زندگی در خوزستان و در مقابل امتیازاتی که مؤسسات دیگر در



تاریخ شنبای ایران

(۳۷)

فاطرت عبدالرضا انصاری

تهران به آنها پیشنهاد می‌کردند، جذب دستگاه‌های دیگر شدند. به‌هرحال، اقدامات همه‌جانبه سازمان در جهت جذب افراد، نتایج خوبی به‌بار آورد و به‌تدریج افراد واجد شرایطی برای گرفتن کار به سازمان مراجعه کردند. موضوع جانشین کردن ایرانیان کارآموز بوده به‌جای متخصصین خارجی، بدون وقفه دنبال می‌شد به‌طوری که به‌تدریج سمت‌های مدیریت توسط ایرانیان اشغال گردید. ذکر نام یک‌یک مدیران ایرانی از حوصله این داستان خارج است و فقط به این نکته اکتفا می‌کنم که تعداد کارشناسان و افراد خارجی که به‌طور مستقیم از طرف شرکت عمران و منابع مسؤولیت کارهای مختلف را به‌عهده داشتند به‌تدریج از حدود ۲۵۰ نفر به کمتر از ۳۵ تن تقلیل پیدا کرد و ایرانیانی که جانشین آنها شدند در چنان سطحی از اطلاعات و تجربه قرار داشتند که پس از حدود پنج سال از تاریخ شروع کار سازمان، اغلب وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و خصوصی برای جذب آنها رقابت می‌کردند و بالاترین تعدادی از این افراد با موافقت سازمان، و مسؤولیت‌های بزرگی را عهده‌دار گردیدند.

پرونده‌سازی در دادگستری و تعقیب ابتهاج

ازجمله برنامه‌های پر سر و صدای دولت آقای دکتر امینی، برنامه مبارزه با فساد و تعقیب کسانی بود که گفته می‌شد از دستگاه دولت سوءاستفاده کرده‌اند. به‌همین جهت هر روز در رسانه‌های عمومی اعلام می‌شد که چه پرونده‌هایی در دادگستری به جریان افتاده و چه اشخاص به دادگستری احضار شده و تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. روزنامه‌ها نیز که بازار مناسبی برای فروش بیشتر پیدا کرده بودند، هر صبح و عصر تعداد قابل ملاحظه‌ای از ستون‌های خود را به اخبار مربوط به حیف و میل اموال عمومی و تعقیب و توقیف اشخاص مختلف اختصاص می‌دادند و شنبه می‌شد که به‌دنبال بیانات آقای آرامش در مجلس شورای ملی در مورد طرح‌های عمران خوزستان پرونده‌ای در دست تشکیل است و دادگستری در این مورد مشغول بررسی و تحقیقات می‌باشد.

در اواسط تابستان، در بحبوحه این وقایع، روزی به‌اتفاق شهیمیرزادی برای بازدید به خوزستان رفته بودیم. پس از بازدید از طرح آبیاری آزمایشی دز، مذاکره با جوانانی که با عشق و شوق فراوان در آن گرمای طاقت‌فرسا که حتی مگس‌ها در آن دوام نمی‌آوردند، روزی ده ساعت در زیر آفتاب در زمین‌های جنوب دز فول کار می‌کردند، صرف ناهار در یک تریلر فلزی که علی‌رغم دستگاه تهویه‌ای که داشت مانند گرمخانه بود، و بحث و مذاکره با عده‌ای از کارشناسان آمریکایی و هلندی که هر کدام مسائل متعددی داشتند، به‌اتفاق شهیمیرزادی به‌طرف آبادان برگشتیم تا با هوایما به تهران حرکت کنیم. پس از چهار ساعت اتومبیلرانی در هوای طوفانی و پر از گرد و خاک، وقتی به آبادان رسیدیم معلوم شد هوایمای ایران‌ار تأخیر ورود دارد. بالاترینجه، چند ساعتی در فرودگاه منتظر ماندیم تا این که حدود ساعت ۱۱ شب هوایما به آبادان رسید. پس از سوار کردن مسافرانی که عازم تهران بودند، به طرف تهران حرکت کردیم و حدود ساعت ۲ صبح وارد فرودگاه مهرآباد شدیم. تا من به منزل رسیدم و خوابیدم، ساعت نزدیک ۴ صبح بود. در نتیجه روز بعد، دیرتر به دفتر رفتم. به‌محض ورود به اداره، از رفتار دربان و مأمور اطلاعات احساس کردم یک وضع غیر عادی در جریان است؛ اما نمی‌دانستم موضوع چیست. بعد از این که وارد دفتر شدم، خانم عالم نصیرزاده که سمت متصدی دفتر را داشت با چشم‌گریان وارد شد و بدون این که صحبت بکند مقداری نامه‌وارده را روی میز کار من گذاشت و خارج شد. پس از او مهندس سلطانمحمد سلطانی،

مسؤول امور اداری دفتر تهران، وارد شد و به‌حالت منقلب از من پرسید آیا نامه‌های وارده را دیده‌اید؟ گفتم هنوز خیر؛ مگر چیز غیر عادی در بین آنهاست؟ به‌حالت خیلی ناراحت گفت که بله، شما را به دیوان کیفر احضار کرده‌اند و اضافه کرد که از امروز صبح که این نامه به اداره رسیده، تمام کارکنان وحشت‌زده و نگرانند و دست به کاری نزداند. با خنده به او گفتم اگر مرا احضار کرده‌اند به آنها چه ارتباطی دارد. ثانیاً سر مرا که نمی‌خواهند ببرند. حتماً سوالاتی دارند و طبیعتاً است که مرا احضار کنند و بپرسند. مسلماً ما من نکرده‌ایم که نگران باشیم. در این ضمن، نامه بازر پرس دیوان کیفر را خواندم و دیدم که مرا به‌عنوان مطلع احضار کرده‌اند. پرسید حالا شما چه می‌کنید؟ جواب دادم موضوع خیلی عادی است. مرا برای ساعت ۹ صبح فردا به‌عنوان مطلع به دیوان کیفر احضار کرده‌اند و من هم خواهم رفت ببینم چه می‌گویند. شما هم سر کار خودتان بروید و به دیگران اطمینان بدهید که مطلب غیر عادی پیش نیامده و دلیلی برای کندی کار وجود ندارد. خودم هم باطناً حتی برای یک ثانیه احساس نگرانی نکردم و تا آخر وقت طبق معمول روزهای گذشته به کارهای جاری رسیدگی کردم و به منزل رفتم.

حدود ساعت پنج بعد از ظهر در منزل اطلاع دادند که آقای ضیاءالدین فتاح برای دیدن من آمده‌اند. نقابت از شخصیت‌های بسیار سرشناس و یکی از مبرزترین وکلای دادگستری و سابقاً نماینده خرمشهر در مجلس شورای ملی بود. او به‌علت آشنایی که با مسائل خوزستان داشت از طرف سازمان برنامه به‌عنوان مشاور حقوقی طرح عمران خوزستان انتخاب شده بود و در حل مشکلات حقوقی طرح آبیاری دز از سازمان همکاری می‌کرد. مردی بود دانشمند، متواضع، فهمیده، کاردان و بسیار خوش‌صحنه. پس از تعارفات معمول، علت این که سرزده به دیدن من آمده را جویا شدم. گفت شنیده‌ام امروز احضارهای برای رفتن به دیوان کیفر به شما رسیده، خواستم ببینم چه اقدامی کرده‌اید. جواب دادم اقدام خاصی نکرده‌ام. یک مقام مسؤول از من به‌عنوان مطلع برنامه عمران خوزستان دعوت کرده است؛ من هم وظیفه دارم اطلاعاتی را که دارم در اختیار ایشان بگذارم و مسأله دیگری نمی‌بینم. آقای نقابت گفت شما به جریان کار دادگستری وارد نیستید. مسأله به این سادگی که شما فرض می‌کنید نیست. درست است که موضوع احضار شما به‌عنوان مطلع در امر برنامه عمران خوزستان ارتباطی به کارهایی که در زمان وزارت کار شما انجام گرفته ندارد، زیرا اگر ارتباط داشت به‌ناچار مجبور بودید تشریفات مربوط به قانون محاکمه روزی ده ساعت در زیر آفتاب در زمین‌های جنوب دز فول کار می‌کردند، صرف ناهار در یک تریلر فلزی که علی‌رغم دستگاه تهویه‌ای که داشت مانند گرمخانه بود، و بحث و مذاکره با عده‌ای از کارشناسان آمریکایی و هلندی که هر کدام مسائل متعددی داشتند، به‌اتفاق شهیمیرزادی به‌طرف آبادان برگشتیم تا با هوایما به تهران حرکت کنیم. پس از چهار ساعت اتومبیلرانی در هوای طوفانی و پر از گرد و خاک، وقتی به آبادان رسیدیم معلوم شد هوایمای ایران‌ار تأخیر ورود دارد. بالاترینجه، چند ساعتی در فرودگاه منتظر ماندیم تا این که حدود ساعت ۱۱ شب هوایما به آبادان رسید. پس از سوار کردن مسافرانی که عازم تهران بودند، به طرف تهران حرکت کردیم و حدود ساعت ۲ صبح وارد فرودگاه مهرآباد شدیم. تا من به منزل رسیدم و خوابیدم، ساعت نزدیک ۴ صبح بود. در نتیجه روز بعد، دیرتر به دفتر رفتم. به‌محض ورود به اداره، از رفتار دربان و مأمور اطلاعات احساس کردم یک وضع غیر عادی در جریان است؛ اما نمی‌دانستم موضوع چیست. بعد از این که وارد دفتر شدم، خانم عالم نصیرزاده که سمت متصدی دفتر را داشت با چشم‌گریان وارد شد و بدون این که صحبت بکند مقداری نامه‌وارده را روی میز کار من گذاشت و خارج شد. پس از او مهندس سلطانمحمد سلطانی،

خواهد داد.
ادامه دارد

«پیمان ابراهیم» برگ برنده ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری؟

تهدید گروه‌های وابسته به رژیم ایران به ادامه «مبارزه مسلحانه»!



مراسم امضای «پیمان ابراهیم» در کاخ سفید با حضور دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل، عبداللطیف الزیانی وزیر خارجه بحرین (چپ) و عبدالله بن زاید وزیر خارجه امارات (راست)؛ واشنگتن؛ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰

توافق اسرائیل با امارات و بحرین برای عادی ساختن روابط دیپلماتیک گفت: «امروز جهان شاهد این است که آنها همکاری را بجای مناقشه، دوستی را بجای دشمنی، رفاه را بجای فقر، و امید را بجای ناامیدی انتخاب می‌کنند. آنها آینده‌ای را انتخاب می‌کنند که در آن اعراب و اسرائیلی‌ها، مسلمانان، یهودی‌ها، و مسیحیان می‌توانند شانه به شانه و با هماهنگی، در قالب یک جامعه و در صلح، با هم زندگی کنند، با هم نایش کنند، و با هم به آینده امید داشته باشند».

ترامپ همچنین گفت دست‌کم ۷ تا ۹ کشور دیگر به زودی به روند صلح خواهند پیوست. وی تاکید کرد «عربستان سعودی نیز به زودی در وقت مناسب به روند صلح می‌پیوندد». دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل، عبداللطیف الزیانی وزیر خارجه بحرین و عبدالله بن زاید وزیر خارجه امارات؛ کاخ سفید؛ واشنگتن؛ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰

بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل نیز با تقدیر از ترامپ گفت: «من به خاطر رهبری قاطعانه‌تان، سیاست‌گزارم. شما به روشنی کنار اسرائیل ایستادید و با دیکتاتورهای تهران جسورانه مبارزه کردید... یک چشم‌انداز واقع‌گرایانه برای صلح میان اسرائیل و فلسطینی‌ها پیشنهاد کردید و با موفقیت میانجی یک طرح تاریخی صلح شدید که ما امروز آن را امضای کنیم».

عبدالله بن زاید آل نهیان وزیر خارجه امارات در سخنان کوتاهی عنوان کرد: «طرح صلح بدون تلاش‌های عالیجناب ترامپ و تیم او امکان‌پذیر نمی‌بود... امارات متحده عربی معتقد است که نقش آمریکا در خاورمیانه مثبت است و مدرک این اعتقاد، همین پیمانی است که ما امروز در کاخ سفید امضا می‌کنیم؛ پیمانی که شما رهبری آن را بر عهده داشته‌اید».

عبداللطیف الزیانی وزیر خارجه بحرین نیز گفت: «راه حل دو کشور، طرحی عادلانه، جامع، و ماندگار برای مناقشه اسرائیل و فلسطین و اساس و زیربنای صلح و امنیت خواهد بود که مردم ما به آن نیاز دارند».

توافق امارات و بحرین با اسرائیل برای عادی ساختن روابط دیپلماتیک که با میانجیگری آمریکا متحقق شده با واکنش‌های منفی و تهدیدآمیز از سوی مقامات رژیم ایران و رسانه‌های حکومتی و گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی روبرو شد.

حسین امیرعبداللهیان دستیار ویژه رئیس مجلس شورای اسلامی در امور بین‌الملل در توییتی نوشت وزرای امارات و بحرین در سیرک ترامپ بازی کردند. صهیونیسم که دیروز بخشی از خاک عربی را اشغال کرد، امروز با روشی نو کشورهای خلیج فارس را اشغال می‌کند.

توافق با مصر بزرگ هیچ گشایشی برای اسرائیل نداشت، امارات و بحرین که به اندازه جزیره مصرند. نامنی تنها ارمان اسرائیل است. شیخ نعیم قاسم معاون حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در سخنانی از طریق ویدئوکنفرانس در

توافق اسرائیل با امارات و بحرین برای عادی ساختن روابط دیپلماتیک گفت: «امروز جهان شاهد این است که آنها همکاری را بجای مناقشه، دوستی را بجای دشمنی، رفاه را بجای فقر، و امید را بجای ناامیدی انتخاب می‌کنند. آنها آینده‌ای را انتخاب می‌کنند که در آن اعراب و اسرائیلی‌ها، مسلمانان، یهودی‌ها، و مسیحیان می‌توانند شانه به شانه و با هماهنگی، در قالب یک جامعه و در صلح، با هم زندگی کنند، با هم نایش کنند، و با هم به آینده امید داشته باشند».

ترامپ همچنین گفت دست‌کم ۷ تا ۹ کشور دیگر به زودی به روند صلح خواهند پیوست. وی تاکید کرد «عربستان سعودی نیز به زودی در وقت مناسب به روند صلح می‌پیوندد». دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل، عبداللطیف الزیانی وزیر خارجه بحرین و عبدالله بن زاید وزیر خارجه امارات؛ کاخ سفید؛ واشنگتن؛ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰

بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل نیز با تقدیر از ترامپ گفت: «من به خاطر رهبری قاطعانه‌تان، سیاست‌گزارم. شما به روشنی کنار اسرائیل ایستادید و با دیکتاتورهای تهران جسورانه مبارزه کردید... یک چشم‌انداز واقع‌گرایانه برای صلح میان اسرائیل و فلسطینی‌ها پیشنهاد کردید و با موفقیت میانجی یک طرح تاریخی صلح شدید که ما امروز آن را امضای کنیم».

عبدالله بن زاید آل نهیان وزیر خارجه امارات در سخنان کوتاهی عنوان کرد: «طرح صلح بدون تلاش‌های عالیجناب ترامپ و تیم او امکان‌پذیر نمی‌بود... امارات متحده عربی معتقد است که نقش آمریکا در خاورمیانه مثبت است و مدرک این اعتقاد، همین پیمانی است که ما امروز در کاخ سفید امضا می‌کنیم؛ پیمانی که شما رهبری آن را بر عهده داشته‌اید».

عبداللطیف الزیانی وزیر خارجه بحرین نیز گفت: «راه حل دو کشور، طرحی عادلانه، جامع، و ماندگار برای مناقشه اسرائیل و فلسطین و اساس و زیربنای صلح و امنیت خواهد بود که مردم ما به آن نیاز دارند».

توافق امارات و بحرین با اسرائیل برای عادی ساختن روابط دیپلماتیک که با میانجیگری آمریکا متحقق شده با واکنش‌های منفی و تهدیدآمیز از سوی مقامات رژیم ایران و رسانه‌های حکومتی و گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی روبرو شد.

حسین امیرعبداللهیان دستیار ویژه رئیس مجلس شورای اسلامی در امور بین‌الملل در توییتی نوشت وزرای امارات و بحرین در سیرک ترامپ بازی کردند. صهیونیسم که دیروز بخشی از خاک عربی را اشغال کرد، امروز با روشی نو کشورهای خلیج فارس را اشغال می‌کند.

توافق با مصر بزرگ هیچ گشایشی برای اسرائیل نداشت، امارات و بحرین که به اندازه جزیره مصرند. نامنی تنها ارمان اسرائیل است. شیخ نعیم قاسم معاون حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در سخنانی از طریق ویدئوکنفرانس در

بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل، عبداللطیف الزیانی وزیر خارجه بحرین و عبدالله بن زاید وزیر خارجه امارات؛ کاخ سفید؛ واشنگتن؛ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰

بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل، عبداللطیف الزیانی وزیر خارجه بحرین و عبدالله بن زاید وزیر خارجه امارات؛ کاخ سفید؛ واشنگتن؛ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰

واشنگتن تایمز:

بزرگترین بازنده «پیمان ابراهیم» کیست؟ دستاورد تاریخی ترامپ در خاورمیانه رژیم ایران را منزوی می‌کند



دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل، عبداللطیف الزیانی وزیر خارجه بحرین و عبدالله بن زاید وزیر خارجه امارات؛ کاخ سفید؛ واشنگتن؛ ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰

● ذوب شدن یخ روابط اسرائیل و اعراب، دشمنان جمهوری اسلامی را از نظر دیپلماتیک به یکدیگر نزدیک کرده که این می‌تواند رژیم ایران را منزوی تر کند.

● بعضی از کارشناسان می‌گویند فلسطین بیشترین ضرر را از «پیمان ابراهیم» خواهد دید زیرا با از بین رفتن جبهه ضداسرائیلی در جهان عرب، قدرت خود را در هر مذاکره احتمالی صلح با اورشلیم از دست می‌دهد.

● جان بی. آلترمن مستؤل امور خاورمیانه در «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی»: این قابل بحث است که زمامداران ایران بیشتر احساس کنند در محاصره قرار گرفته‌اند وقتی که دشمنان‌شان شروع به همکاری نزدیکتر کرده‌اند.

● مایک پمپئو: ما چشم‌انداز صلح را ترسیم کردیم که عنصر دیگری هم داشت و آن شناخت عمیق از این نکته است که نیروی اصلی بی‌ثبات کننده در خاورمیانه درگیری بین اسرائیل و فلسطین نیست بلکه تهدیدهای ناشی از سیاست‌های جاه طلبانه رژیم ایران است.

بن ولفگانگ تحلیلگر مسائل خاورمیانه در مقاله‌ای در «واشنگتن تایمز» می‌نویسد دولت ترامپ در آستانه انتخابات ریاست جمهوری با امضای «پیمان ابراهیم» میان اسرائیل و اعراب از یکسو به دنبال کاهش تنش‌های منطقه و افزایش احتمال توافق میان اسرائیل و فلسطین و از سوی دیگر به دنبال انزوای رژیم ایران در منطقه است.

در این مقاله آمده واکنش مقامات ارشد ایرانی به مراسم امضای توافق بزرگ دیپلماتیک اسرائیل-اعراب در کاخ سفید بیانگر این است که تهران در



علی خامنه‌ای در کنار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش در مراسم رژه دانشجویان ارتش شهریور ۱۳۹۷

نهایت ممکن است بزرگترین بازنده این موفقیت تاریخی باشد. اگرچه رهبران فلسطین هم به اندازه مقامات ایران از توافق خوشمگین بوده و آن را مورد انتقاد قرار دادند، اما توافق میان امارات و بحرین با اسرائیل در واقع موقعیت جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه را با از دست رفتن قدرت و اهرم فشار احساسات سنتی ضداسرائیلی به خطر می‌اندازد. رژیم ایران، اسرائیل را دشمن ابدی خود می‌داند، و رهبران آن همواره خواستار نابودی این کشور یهودی هستند.

ذوب شدن یخ روابط اسرائیل و اعراب از جنبه دیگری نیز برای حکومت ایران نگران کننده است- اینکه ترس ملت‌های عرب از ایران و متحدان منطقه‌ای آن بیشتر از خصومت سنتی آنها با اسرائیل است و این مسئله توانسته آنها را از نظر دیپلماتیک

ترامپ قول داده بین طرفین مصالحه کند. در همین حال فلسطینی‌ها سه‌شنبه در کرانه باختری و نوار غزه تظاهرات کردند و عکس‌های ترامپ، نتانیاو و رهبران بحرین و امارات را به آتش کشیدند.

بر اساس نتایج یک نظرسنجی که توسط «مرکز فلسطینی برای سیاست و تحقیقات» منتشر شد ۸۶ درصد فلسطینی‌ها اعتقاد دارند این توافق‌ها در جهت منافع اسرائیل است و نه منافع آنها.

چنین خشم و بدبینی البته موجه است. بعضی از کارشناسان منطقه‌ای می‌گویند اگرچه رژیم ایران جدی‌ترین مخالف این توافق در منطقه است، اما فلسطین بیشترین ضرر را از آن متحمل خواهد شد زیرا با از بین رفتن جبهه ضداسرائیلی در جهان عرب، فلسطین قدرت خود را در هر مذاکره احتمالی صلح با اورشلیم را از دست می‌دهد.

جان بی. آلترمن مستؤل امور خاورمیانه در «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی» معتقد است «این قابل بحث است که زمامداران ایران بیشتر احساس کنند در محاصره قرار گرفته‌اند وقتی که دشمنان‌شان شروع به همکاری نزدیکتر کرده‌اند. اما رواقع امارات از قبل با ایران سر

جنگ نداشت و امروز هم ندارد». او می‌گوید: «بزرگترین بازندگان احتمالا فلسطینی‌ها هستند. آنها دست ضعیف خود در مذاکره با اسرائیل را دیدند و برای تقویت آن روی اعراب حساب می‌کردند».

از دیدگاه آمریکا معامله اعراب و اسرائیل از چند نظر سودمند است. دولت ترامپ ادعا می‌کند اگر تنش‌های منطقه‌ای کاهش پیدا کند و روابط دیپلماتیک برقرار شود احتمال توافق میان اسرائیل و فلسطین بیشتر می‌شود. البته مقامات دولت ترامپ این را که به دنبال انزوای رژیم ایران در منطقه هستند هرگز مخفی نکرده‌اند.

مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا در یک نشست آنلاین که «شورای آتلانتیک» برگزار کرد گفت: «ما چشم‌انداز صلح را ترسیم کردیم که عنصر دیگری هم داشت و آن شناخت عمیق درباره این نکته است که نیروی اصلی بی‌ثبات کننده در خاورمیانه، درگیری بین اسرائیل و فلسطین نیست بلکه تهدیدهای ناشی از سیاست‌های جاه‌طلبانه رژیم ایران است».

او ادامه داد واکنش شدید جمهوری اسلامی ایران به توافق اسرائیل-اعراب به عنوان رقیب اصلی عربستان در منطقه است.

*منبع: واشنگتن تایمز
*نویسنده: بن ولفگانگ
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

اسرائیل و اعراب] خیانت به فلسطین و قدس است. عادی‌سازی فقط در جهت منافع رژیم صهیونیستی است و هیچ منفعتی برای فلسطین و آرمان فلسطین ندارد و آنها را از حق‌شان محروم می‌کند».

تقویت زرادخانه اسرائیل
اسرائیل سعی کرد از نشست رسمی سه‌شنبه برای تقویت نیروی دفاعی خود و گسترش روابط امنیتی با آمریکا استفاده کند. بر اساس گزارش‌ها بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل از ترامپ یک اسکادران دیگر از «F-35»ها و سایر هواپیماهای آمریکایی درخواست کرده است. ترامپ پیش از این گفته بود مشکلی با چنین معامله‌ای ندارد. امارات نیز به دنبال خرید «F-35» از امریکاست. اقدامی که اسرائیل با آن مخالف است.

زنان شاخص

ثریا بهشتی (۱۳۹۴-۱۳۲۲)



ثریا بهشتی هنرپیشه تئاتر و سینما اهل ایران بود. او در کرمانشاه به دنیا آمد و پیش از اتمام تحصیلات متوسطه و در ۱۶ سالگی (از سال ۱۳۳۸) فعالیت هنری خود را با بازی در نمایش‌های لاله‌زار آغاز نمود. ثریا با دعوت محمد علی فردین پا به عرصه سینما گذاشت و با بازی در فیلم خوشگل خوشگلا به کارگردانی فردین در سال ۱۳۴۴ فعالیت سینمایی‌اش را آغاز کرد. از بازی‌های برجسته وی می‌توان به نقش «طاووس» در فیلم حسن کچل اولین اثر سینمایی علی حاتمی و نقش‌های کمدی مقابل تقی ظهوری اشاره کرد. او اکثراً در نقش‌های مکمل ظاهر می‌شد. آخرین کار سینمایی بهشتی، بازی در فیلم خاطرخواه بود و پس از آن تا زمان درگذشتش در هیچ فیلمی دیده نشد. او یکی از بازیگران سرشناس نقش‌های مکمل سینمای دهه چهل و پنجاه شمسی در ایران

دانستنی‌هایی در باره ارزش تغذیه‌ای شیر A1 با A2

شیر A1 و A2 چه تفاوت‌هایی با هم دارند و مصرف کدامیک برای ما بهتر است چه ارزش تغذیه‌ای دارند و توصیه پزشکان در این زمینه چیست کدامیک را بنوشیم به نفع ماست می‌خواهیم به خواص و ویژگی‌های آنها اشاره کنیم. شیر A2 در دوران کودکی ممکن است خطر ابتلا به دیابت نوع ۱ را افزایش دهد. با این حال، این مطالعات مورد مشاهده در طبیعت هستند. آنها نمی‌توانند ثابت کنند که بتا کازئین A1 باعث دیابت نوع ۱ است تنها کسانی که بیشتر از آن استفاده کردند در معرض خطر بالاتری از ابتلا به این بیماری بودند. مطالعات حیوانی دارای نتایج متناقضی است.

برخی مطالعات تفاوت بین بتا کازئین A1 و A2 پیدا کرده‌اند. دیگر مطالعات نشان داده‌اند که بتا کازئین اثرات

شیر A2 و A1 چه تفاوت‌هایی با هم دارند و مصرف کدامیک برای ما بهتر است چه ارزش تغذیه‌ای دارند و توصیه پزشکان در این زمینه چیست کدامیک را بنوشیم به نفع ماست می‌خواهیم به خواص و ویژگی‌های آنها اشاره کنیم. شیر A2 در دوران کودکی ممکن است خطر ابتلا به دیابت نوع ۱ را افزایش دهد. با این حال، این مطالعات مورد مشاهده در طبیعت هستند. آنها نمی‌توانند ثابت کنند که بتا کازئین A1 باعث دیابت نوع ۱ است تنها کسانی که بیشتر از آن استفاده کردند در معرض خطر بالاتری از ابتلا به این بیماری بودند. مطالعات حیوانی دارای نتایج متناقضی است.



سوء یا محافظتی بر دیابت نوع ۱ دارند. تا کنون، هیچ کارآزمایی بالینی اثر بتا کازئین A1 را در دیابت نوع ۱ در انسان بررسی نکرده است. **در انتها:** چند مطالعات مشاهده‌ای ارتباط بین مصرف شیر A1 در دوران کودکی و افزایش خطر ابتلا به دیابت نوع ۱ را پیدا کرده‌اند. با این حال، شواهد مخلوط شده و تحقیقات بیشتری مورد نیاز است. **خطر بیماری‌های قلبی** دو مطالعه مشاهده‌ای A1 را با افزایش خطر بیماری‌های قلبی مرتبط دانسته‌اند. این با یک آزمایش در خرگوش پشتیبانی می‌شود. این نشان داد که مصرف بتا کازئین A1 سبب ترویج تجمع چربی و آسیب‌رگ‌های خونی می‌شود. هنگامی که خرگوش بتا کازئین A2 مصرف کرد این تجمع چربی بسیار پایین‌تر بود. **سندرم مرگ ناگهانی نوزاد** سندرم مرگ ناگهانی نوزاد (SIDS) شایع‌ترین علت مرگ و میر در نوزادان کمتر از یک سال سن است. SIDS به عنوان مرگ غیر منتظره از



کاهش کلسترول خون با مصرف بادمجان

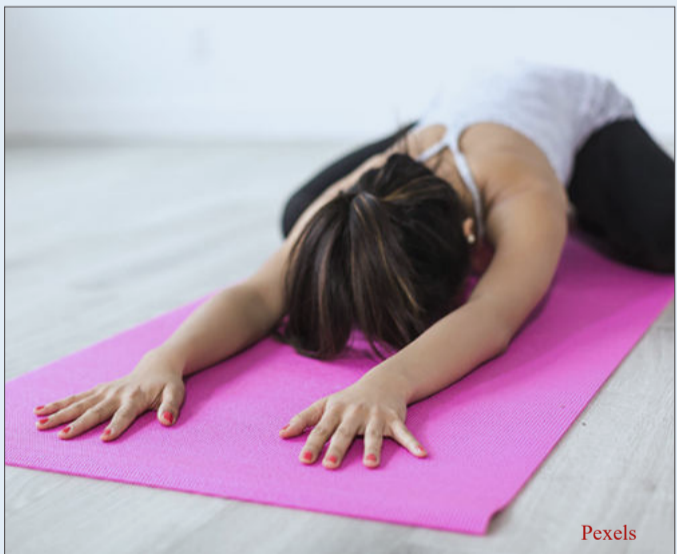
یک رژیم غذایی مناسب و درمان‌های طبیعی اساس کاهش کلسترول و به طور کلی آزمایش خون است. با یک رژیم متنوع و کامل می‌توان با سایر اختلالات مرتبط با تری‌گلیسرید، گلوکز و اضافه وزن مقابله کرد. با این حال نباید صدمه‌ای که استرس به بدن وارد می‌کند را دست‌کم گرفت زیرا علاوه بر این، سبب افزایش کلسترول نیز خواهد شد که در این باره بادمجان کمک بسیاری خواهد کرد. بادمجان غذایی باستانی است که حداقل از سال ۲۰۰۰ میلادی در آسیا مورد استفاده قرار گرفته است. گاهی در جهان شهرت بدی نیز داشته است زیرا به دلیل آگاه نبودن مردم از نحوه استفاده آن سبب سوء هاضمه و سایر مشکلات شده است. به همین دلیل تاکید می‌شود بادمجان را بصورت پخته و یا از عصاره آن استفاده کنید. بادمجان حاوی مقدار زیادی آب و مقدار کمی ویتامین A، B و C، مواد معدنی مانند فسفر، آهن، منیزیم و کلسیم است. کالری کمی داشته و پوست و دانه‌های آن حاوی مقادیر خوبی فیبر هستند. این دارو برای کاهش طبیعی کلسترول بسیار مفید است و همچنین یک درمان عالی برای کمک به کاهش وزن و دفع سموم از بدن نیز محسوب می‌شود. توصیه می‌شود زمانی از عصاره بادمجان استفاده کنید که متوجه افزایش کلسترول خود شده‌اید به این ترتیب مجبور نخواهید بود بین این عصاره یا درمان دارویی یکی را انتخاب کنید. بهترین دارو آن است که قبل از بروز مشکل

یک نوزاد تعریف شده است و بدون علت مشخص است برخی از پژوهشگران بر این باورند که BCM-Y ممکن است در برخی از موارد در SIDS نقش دارند. یک مطالعه سطوح بالای BCM-Y در خون نوزادانی پیدا کرده است که به طور موقت توقف تنفس در طول خواب داشته‌اند. این وضعیت، به عنوان آینه خواب شناخته شده است و با افزایش خطر ابتلا به SIDS مرتبط است. این نتایج نشان داد که برخی از کودکان ممکن است به بتا کازئین A1 موجود در شیر گاو حساسیت

ورزشی مخصوص خانم‌های شکم‌کنده!

افرادى است که از ناحیه کمر مشکلی ندارند، بنابراین پس از انجام اسکات ساده لازم است آن را در مرحله پیشرفته‌تر نیز انجام دهید که در غیر این صورت عضله سازی نخواهید داشت. تمرینات پیشرفته اسکات عبارتند از: جامپ اسکات، پلی اسکات، اسکات زدنایی، گابلت اسکات، اسکات دوتکه. **دراز و نشست:** درازنشست یک تمرین اساسی است که عضلات شکم را هدف قرار می‌دهد. بدین منظور به پشت دراز بکشید و پاهایتان را ۶ سانتی متر از یکدیگر جدا کنید. دست‌هایتان را در طرفین خود قرار داده و سر و شانه‌هایتان را به اندازه کافی بلند کنید تا نوک انگشتان پاهایتان را ببینید. پس از تسلط به این حرکت زانوهایتان را به سمت سینه خم کرده و آرنج‌ها را به سمت زانوی مقابل حرکت دهید.

بالا بردن مستقیم پاها این حرکت بسیار موثر را در چندین مطلب دیگر از بخش تناسب اندام نمناک معرفی کردیم و دانستید که بالا بردن پاها به صورت صاف در حالی که به پشت دراز کشیده‌اید تمرینی عالی برای شکم می‌باشد. این حرکت برای تمام سطوح تناسب اندام مفید است زیرا فرد می‌تواند به پشت دراز بکشد و هنگام بالا و پایین بردن پاهایش ارتفاع آن‌ها را تنظیم کند. **تمریناتی به صورت نشست:** این تمرین در حالی انجام می‌شود که شخص بر روی زمین نشسته، زانوهایش را خم کرده و پاهایش را صاف بر روی زمین قرار می‌دهد. هرچه بیشتر این تمرین نشسته انجام شود عضلات ناحیه مرکزی بدن بیشتر فعال می‌شوند. انجام تمرینات به حالت نشسته به بدن کمک می‌کند تا خون در جریان باشد و عضلات در حال حرکت باشند. **شنا سوئدی:** انواع مختلفی از پلانک یا



شود این تمرین کمتر موثر باشد. **وزنه برداری:** وزنه برداری تمرینی کامل است که بر کل بدن تاثیر گذاشته و بیشتر عضلات ناحیه مرکزی بدن را درگیر می‌کند. اگر چه در حالت ایده‌آل باید تمریناتی که بر یک ناحیه بدن متمرکز می‌شوند را با تمریناتی که کل بدن را درگیر می‌کند، ترکیب کنید. **انتخاب مناطقی برای تمرکز:** هنگامی که برای کاهش وزن تلاش می‌کنید مهم است که چندین گروه عضلاتی را فعال کنید. اگر به جای کاهش وزن بر روی عضلات شکم تمرکز دارید، باید به جای کار با عضلات ناحیه مرکزی بدن بر ۱-۲ منطقه در روز متمرکز شوید. **بلند کردن زانوی آویزان:** این تمرین حرکتی عالی برای شکم محسوب می‌شود زیرا نه تنها بر قدرت این حرکت کار می‌کند بلکه تمام قسمت‌های زیرین شکم را در یک محیط ناپایدار هدف قرار می‌دهد. ثبات در طول تمرین برای تقویت و کاهش وزن بسیار عالی است.



پروین اعتصامی

... بازیچه‌هاست گنبد گردان را نامی شنیده‌ای تو ازین شترنگ در دام بسته شبرو چرخت سخت در بر گرفته از در دهرت تنگ انجام کار در فکند ما را سنگیم ما و چرخ چو غلما سنگ خار جهان چه میشکني در چشم بر چهره چند میفکني ازنگ سالک بهر قدم نفند از پا عاقل ز هر سخن نشود دلتنگ تو آدمی نگر که بدین رتبت پیخود ز باده است و خراب از بنگ گوهر فروش کان قضا، پروین یک ره گهر فروخته، صد ره سنگ

افرادى است که از ناحیه کمر مشکلی ندارند، بنابراین پس از انجام اسکات ساده لازم است آن را در مرحله پیشرفته‌تر نیز انجام دهید که در غیر این صورت عضله سازی نخواهید داشت. تمرینات پیشرفته اسکات عبارتند از: جامپ اسکات، پلی اسکات، اسکات زدنایی، گابلت اسکات، اسکات دوتکه. **دراز و نشست:** درازنشست یک تمرین اساسی است که عضلات شکم را هدف قرار می‌دهد. بدین منظور به پشت دراز بکشید و پاهایتان را ۶ سانتی متر از یکدیگر جدا کنید. دست‌هایتان را در طرفین خود قرار داده و سر و شانه‌هایتان را به اندازه کافی بلند کنید تا نوک انگشتان پاهایتان را ببینید. پس از تسلط به این حرکت زانوهایتان را به سمت سینه خم کرده و آرنج‌ها را به سمت زانوی مقابل حرکت دهید.

شما سوئدی وجود دارد که تمامی آن‌ها نیاز به درگیری عضلات ناحیه مرکزی بدن دارند. پلانک نوعی تمرین است که هر قسمت از بدن را هدف قرار می‌دهد حتی اگر شخص آن را بلافاصله احساس نکند. به مدت ۵ دقیقه این تمرین را انجام دهید. **حرکت برف پاک‌کن:** این تمرین یکی از بهترین و سخت‌ترین تمریناتی است که به طور همزمان عضلات فوقانی، پهلو و پایین شکم را هدف قرار می‌دهد. افرادی که در سطح پیشرفته ورزشی قرار دارند می‌توانند پاهای خود را به دو طرف خود دراز کنند و افراد مبتدی می‌توانند روی زمین دراز کشیده و زانوهایشان را خم کنند. **کرانچ:** حرکت کرانچ برای درگیر کردن مفاصل فوقانی، پهلوها و حتی گردن توصیه می‌شود. با قرار دادن دست‌ها در توانایی ساخت عضله نقش اصلی دارند. توصیه می‌شود تا جایی که می‌توانید مصرف قند و شکر را به طور کلی قطع کنید. کاهش کالری درزیبایی شکم نقش اساسی دارد.

دومینیک تیم و ناومی اوزاکا، قهرمان مردان وزنان گرانداسلم ۲۰۲۰ آمریکا



دومینیک تیم و الکساندر زورف؛ ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۰

برخورد تویی که به دنبال باخت یک گیم حساس از عصبانیت در آخرین بازی خود به زمین مقابل کوبید و به خانم خطنگهدار اصابت کرد، از ادامه مسابقه محروم گردید و در نتیجه میدان برای تیم و زورو از ستاره‌های تنیس کاملاً خالی شد و آن دو مسابقه فینال را برگزار کردند.

حالا باید منتظر بازی‌های گرانداسلم رولان گاروس بود که روز بیست و یکم سپتامبر آغاز می‌شود و اینکه این پیروزی بزرگ از نظر آمادگی روحی تا چه اندازه در بازی‌های آینده دومینیک تیم نقش خواهد داشت.

تیم در پایان مسابقه با زورو به خبرنگاران گفت: گمان می‌کنم با کسب این عنوان از نظر روحی در گرانداسلم رولان گاروس پاریس با خاطری جمع‌تر و اعتماد به نفس بیشتر با حریفان بلندآوازه روبرو شوم.

گفتنی است که جاکوویچ و نادال در گرانداسلم پاریس حضور خواهند داشت و به احتمال زیاد هر دو آنها در مسابقات آزاد رم نیز که از گروه رقابت‌های هزار امتیازی است و این هفته شروع شده بازی خواهند کرد.

در قسمت دختران گرانداسلم ۲۰۲۰ نیویورک، ناومی اوزاکا، تنیس‌باز ژاپنی تبار آمریکایی در بازی نهایی، ویکتوریا آزارنکا نفر اول پیشین رده‌بندی تنیس دختران جهان را ۱ بر ۶، ۶ بر ۳ و ۳ بر ۶ مغلوب کرد و برای دومین بار قهرمان این گرانداسلم شد. اوزاکا در سال ۲۰۱۸ در بیست سالگی نیز با پیروزی بر سرینا ویلیامز نفر اول این بازی‌ها شده بود. او اولین دختر تنیس‌باز ۲۶ ساله گذشته است که با وجود باخت در ست اول، جام قهرمانی را بالای سر برده‌است.

دومینیک تیم تنیس‌باز ۲۷ ساله اهل اتریش در مرحله نهایی مسابقات گرانداسلم آمریکا با پیروزی بر الکساندر زورو تنیس‌باز ۲۴ ساله آلمانی، به آرزوی چندساله‌اش رسید و جام این گرانداسلم را در ورزشگاه بدون تماشاچی فلاشینگ مدوز نیویورک بالای سر برد و بزرگترین جایزه نقدی رقابت‌های تنیس جهان را که سه میلیون دلار است دریافت کرد. بعد از آنکه زورو دو ست اول را به آسانی ۶ بر ۲ و ۶ بر ۴ از رقیب اتریشی خود برد، هواداران او که شاهد این مسابقه پر هیجان از تلویزیون بودند، قهرمانی او را حتمی می‌دانستند و هرگز تصور نمی‌کردند وی بازنده از زمین بیرون برود اما این اتفاق افتاد و نتیجه این دیدار تماشایی بعد از چهار ساعت و دو دقیقه، ۲ بر ۶، ۴ بر ۶، ۴ بر ۶، ۳ بر ۷ و ۶ بر ۴ به سود تیم پایان یافت و بی‌دلیل نبود که هنگام توزیع جوایز برای مدتی اشک از چشمان زورو جاری بود.

تیم به محض پایان مبارزه به زمین حریف رفت و او را که از این شکست بسیار ناراحت شده بود، دلداری داد. تیم و زورو در سال‌های اخیر از دید خبرنگاران و دست اندرکاران تنیس به عنوان جانشینان سه تفنگدار شکست‌ناپذیر این ورزش، راجر فدرر، نوآک جاکوویچ و رافائل نادال شناخته می‌شدند.

اما انتظار این دو تنیس‌باز برای پیروزی در یک گرانداسلم داشت بر درازا می‌کشید که فدرر به دلیل جراحی پا و رافائل نادال به خاطر نگرانی از پرواز طولانی در دوران همه‌گیری کرونا در این مسابقات حضور نیافتند و جاکوویچ نیز به دلیل

رویارویی قهرمانان ملی پناهنده به خارج و مسئولان ورزش جمهوری اسلامی در دادگاه بین‌المللی حکمیت ورزش



دارنده مدال طلای جهان ۲۰۱۸ که در رده نخست رنکنینگ برترین جودوکاران جهان در این وزن قرار دارد

شکایت بردند و قرار شد مدیران فدراسیون جودو و نمایندگان ورزش ایران روز بیستم فروردین ماه در دادگاه حاضر شوند. اما به دلیل شیوع ویروس کرونا، تشکیل دادگاه ورزش به روز شانزدهم سپتامبر یعنی چهارشنبه این هفته موکول شد و هیئت شش نفره ایران در این دادگاه حضور یافتند.

دو تن از این عده، از مسئولان ورزش جمهوری اسلامی هستند که عبارتند از محمدرضا داورزنی معاون پیشین وزارت ورزش و رئیس فدراسیون والیبالی و نصرالله سجادی مشاور وزارت ورزش و سرپرست هیئت اعزامی ایران به مسابقات المپیک توکیو در سال ۲۰۲۱. آرش میراسماعیلی رئیس فدراسیون جودو و محمد زارعیان نیز عضو این هیئت هستند.

رئیس فدراسیون جودو جهان نیز برای اثبات رفتار غیرورزشی و مغایر منشور کمیته بین‌المللی المپیک فدراسیون جودو ایران با قهرمانان جودو آن کشور و فشار بر آنها برای روبرو نشدن با جودوکاران اسرائیلی، سعید ملایی و وحید سرلک را برای افشاجری در دادگاه، همراه خود دارد. وحید سرلک در مصر در یک قدمی دریافت مدال طلا بود، اما به خاطر روبرو نشدن با جودوکار اسرائیلی از وی خواسته شد به جودوکار اهل آذربایجان بیازد. او در حال حاضر در آلمان به کار مربیگری مشغول است.

به هر حال این روزها دست مسئولان ورزش جمهوری اسلامی که دست در دست سیاه پاسداران، بسیج و سازمان‌های امنیتی رژیم از ورزش به عنوان وسیله‌ای برای تحقیر و تسویه حساب با اسرائیل سوء استفاده می‌کنند، برای کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی جهان رو شده و به گفته رئیس فدراسیون جهانی جودو، از این پس حلیه‌ها و ترندهایی مانند تمارض و ابتلای ناگهانی به بیماری‌های گوناگون برای روبرو نشدن ورزشکاران ایرانی با رقیبان اسرائیلی دیگر کارساز نیست و بعد از این باید منتظر محرومیت ورزشکاران ایران در میادین جهان باشیم.

کمیته بین‌المللی المپیک آی.او. سی به جمهوری اسلامی ایران هشدار داده در صورتی که مشکل دیدار با ورزشکاران اسرائیلی را هرچه زودتر حل نکنند، ورزش آن کشور از حضور در بازی‌های جهانی و آسیایی محروم خواهد شد.

ببازد تا در سکوی دریافت مدال در کنار جودوکار اسرائیلی نایستد. سعید که می‌توانست از سکوی قهرمانی بالا رود، به این ترتیب در رده پنجم قرار گرفت و در پایان مسابقات به ایران بازنگشت. او از توکیو به آلمان پرواز کرد و با عنوان نمودن همین موضوع از آلمان درخواست پناهندگی کرد. انتشار خبر پناهندگی سعید ملایی در رسانه‌های خارجی بازتاب گسترده داشت و باعث شد ماریو ویزر رئیس فدراسیون جهانی جودو ضمن حمایت از سعید ملایی، از رفتار فدراسیون جودوی ایران با وی به شدت انتقاد کرد و به روزنامه «آساهی شیمون» گفت: جودوکار ایرانی را مجبور کرده‌اند با حریف اسرائیلی مسابقه ندهد و بعد از پناهنده شدن او به آلمان، خانواده‌اش را تحت فشار قرار داده‌اند.

به گزارش فرارو، مدتی پس از مهاجرت ملایی به آلمان، ویزر رئیس فدراسیون جهانی جودو رسماً نامه تعلیق موقت فدراسیون جودو ایران را امضا کرد و اعلام نمود شرط حضور ایران در رقابت‌های المپیک، جهانی و منطقه‌ای، رعایت منشور المپیک است که شامل تمام ورزشکاران دنیا از جمله ورزشکاران اسرائیل نیز می‌شود.

به دنبال اقامت سعید در آلمان و مصاحبه‌های او با رسانه‌های خارجی، فدراسیون جودو ایران به کمیته بین‌المللی المپیک شکایت کرد و گفته‌های ملایی را به رسانه‌های خارجی تکذیب نمود و اینکه این آشوب را رئیس فدراسیون جهانی جودو به پا کرده است و ملایی هیچگاه تحت فشار نبوده است!

پس از تعلیق فدراسیون جودو ایران، آنها به دادگاه عالی ورزش CAS

«فیلا» به دلیل این رفتار کشتی‌گیران ایران در رقابت‌های بین‌المللی از سوی فیلا تحت فشار بود، در نامه‌ای به خامنه‌ای که آشنایی خانوادگی با پدر او دارد، نوشت: اگر قصد و غرض از این کار حمایت از اعراب و فلسطینی‌هاست، باید بگویم که آنها اصلاً انگیزه این کار خیر ندارند. ضمن آنکه رفتار و حرکاتی به این شکل در شرایط کنونی دنیا دیگر کارساز نیست و باید برای حمایت و اعلام پشتیبانی از آرمان فلسطین، راه و روش‌های دیگری پیدا کرد.

خادم به همین دلیل هم از ریاست فدراسیون کشتی ایران و هم از عضویت در هیئت مدیره فیلا استعفا داد. چند هفته بعد رئیس سازمان بسیج که معلوم شد طراح و گرداننده اینگونه برنامه‌هاست به حرف آمد و گفت: خودداری ورزشکاران ایران از روبرو نشدن با ورزشکاران اسرائیل در مسابقات جهانی برای عصبانی کردن حکومت اسرائیل است و به این ترتیب معلوم شد طراح و حامی این رفتار زشت، احمقانه و غیرورزشی که حیثیت ورزش و ورزشکاران ایران را در جهان خدشه‌دار کرده، بسیج کذایی بوده است.

اما ماجرای تعلیق موقت فدراسیون جودو ایران به حادثه‌ای برمی‌گردد که در مسابقات قهرمانی جودو جهان در سال ۲۰۱۹ در ژاپن رخ داد. در آن رقابت‌ها سعید ملایی قهرمان پیشین دنیا به دستور مقامات ایرانی مقابل جودوکار بلژیکی حاضر به مسابقه نشد چون در صورت غلبه بر او می‌بایست در بازی نهایی با ساگی موکی جودوکار اسرائیلی به میدان برود.

ملایی در دیدار رده‌بندی هم دستور داشت به جودوکار اهل گرجستان

از هنگامی که رژیم جمهوری اسلامی روبرو شدن ورزشکاران ایرانی را در میادین بین‌المللی با ورزشکاران اسرائیلی ممنوع اعلام کرد، اعضای تیم‌های ملی ایران در رقابت‌های المپیک، جهانی و منطقه‌ای دستور داشته‌اند در رشته‌هایی مانند کشتی، جودو، کاراته، تکواندو، مشتزن، دو میدانی، شمشیربازی، شنا، شطرنج و ژیمناستیک که از نظر جسمی ورزش‌های تن به تن نیستند مقابل حریف اسرائیلی حاضر نشوند و یا حتی در کنار او مسابقه ندهند و به همین خاطر باید با وجود برتری بر حریف و داشتن امتیازات بیشتری از او بازنده از تشک کشتی، رینگ بوکس و میدان کاراته و جودو بیرون بیایند.

در سال‌های اخیر به‌خصوص در ورزش‌هایی مانند کشتی، کاراته، جودو و مشت‌زنی شاهد صحنه‌های بسیار تاسف‌آوری از باخت اجباری قهرمانان ملی و مدال‌آور ایران در رقابت‌های جهانی برای روبرو نشدن با ورزشکاران اسرائیلی در بازی بعدی بوده‌ایم.

و اما از دردناک‌ترین صحنه‌هایی که در جریان باخت‌های اجباری برای روبرو نشدن با ورزشکار اسرائیلی شاهد بوده‌ایم این بوده که در برخی رشته‌ها مانند کشتی، گاهی تا لحظات پایانی مسابقه ورزشکار ایرانی با حریف خود جدول مسابقات، نام رقیب بعدی و ملیت او را اعلام نمی‌کند. به همین دلیل در حالی که کشتی‌گیر تیم ایران چند امتیاز از رقیب جلوتر است و یکی دو دقیقه نیز بیشتر به پایان مسابقه باقی نمانده، ناگهان از کنار تشک یا میدان مسابقه، خطاب به کشتی‌گیر ایرانی فریاد سر می‌دهند که «باید ببازی، باید ببازی!» اگر کشتی‌گیر یا جودوکار یا شمشیرباز چندین امتیاز از حریف جلوتر باشد و زمان کافی برای از دست دادن این امتیازات نداشته باشد، از او می‌خواهند که تمارض کند و به داور مسابقه بگوید که دیگر توان حرکت ندارد، یا دنده او شکسته است.

همان وضع غم‌انگیزی که تا کنون چندین بار برای کشتی‌گیران ایرانی در مسابقات بین‌المللی پیش آمده است، مانند باخت‌ساختگی علیرضا کریمی در مسابقات کشتی جوانان جهان در سال ۲۰۱۷ به کشتی‌گیر اهل روسیه، برای مواجهه نشدن با کشتی‌گیر اسرائیلی. رسول خادم رئیس فدراسیون کشتی ایران که به دلیل عضویت در هیئت مدیره فدراسیون جهانی کشتی

تلاش باشگاه استقلال (تاج) پس از رفتن فرهاد مجیدی برای بازگرداندن آندره استراماچونی، مربی ایتالیایی البته با تأیید مسعود سلطانی فر وزیر ورزش، که با نادیده گرفتن تأکیدات مکرر فیفا در مورد عدم دخالت مسئولان دولتی در فوتبال در امور فدراسیون تصمیم می‌گیرد، همچنان ادامه دارد.

شرط اصلی بازگشت مربی ایتالیایی به ایران تا کنون، دریافت حقوق معوقه و جریمه دیرکرد آن بوده است. اما با توجه به تحریم بانک‌های مرکزی، ملی و بانک‌های دیگر ایران رساندن پول به دست طلبکاران خارجی از طریق واریز شدن به حساب آنان کار ساده‌ای نیست و نیاز به یکسری عملیات مافیایی دارد که کارگزاران جمهوری اسلامی سال‌هاست از این طریق پول‌های هنگفتی به دست اعضای خانواده و دوستان خود در خارج می‌رسانند.

استراماچونی در آغاز کار در ایران، شماره حسابی در کشور جمهوری چک به باشگاه استقلال (تاج) داده بود و زمانی که مسئولان این باشگاه پول به حساب مربی ایتالیایی واریز می‌کردند، به دلیل مسدود بودن حساب، پول برگشت می‌خورد. استراماچونی در مرحله بعد شماره حسابی در ایتالیا داد. از طریق سفارت و همچنین یک صرافی پول واریز شد، اما باز هم از بانک ایتالیایی برگشت خورد و اعلام شد چون ایران تحریم است نمی‌توانند آن را به حساب وی واریز کنند. استراماچونی به خاطر این موضوع ناراحت شد و در نهایت تصمیم به ترک ایران گرفت.

اصرار برای بازگشت استراماچونی به استقلال (تاج) و پرداخت مطالبات او با عملیات مافیایی

بحثی به میان نیامد، ولی خیلی زود رسانه‌های ایتالیایی خبر از بازگشت احتمالی استراماچونی به ایران دادند و گاتزتا دلو اسپرت از جزئیات قرارداد جدید مربی ایتالیایی نوشت و خبر داد که او با قرارداد تازه‌ای که دو ساله است و رقم قابل توجهی دارد به استقلال بر می‌گردد.

از سوی دیگر خبر رسید که استراماچونی و کادرفنی‌اش سالیانه با رقم یک میلیون و هشتصد هزار یورو با استقلال به توافق رسیده‌اند و بعد از مسابقات مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا به این تیم بر می‌گردند.

اینبار که مسئولان باشگاه استقلال (تاج) خیلی رسمی خبر از بازگشت استراماچونی دادند، به ناگاه قانون منع حضور خارجی‌ها در لیگ ایران جدی شد و مسئولان سازمان لیگ هشدار دادند که استراماچونی شانس برای نشستن روی نیمکت استقلال را ندارد. طبق قانون جدید، تیم‌هایی که بازیکن یا مربی خارجی از قبل داشته‌اند، می‌توانند قرارداد آنان را تمدید کنند، ولی اجازه ندارند مربی و بازیکن جدید استخدام کنند و نه بازیکنان و کادر کنونی لیگ، اجازه رفتن به تیم دیگری را دارند.

اما به نظر می‌رسد مدیران باشگاه در بازگرداندن استراماچونی و نشان دادن او روی نیمکت استقلال (تاج) بسیار مصمم هستند.

در همین حال شنیده‌ها حاکی از آن است که برای استراماچونی بلیت سفر به قطر تهیه شده تا در آنجا تمرینات بازیکنان استقلال (تاج) در رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا را زیر نظر داشته باشد!

یک میلیون و ۱۲۵ هزار یورو از قرارداد دو ساله قبلی خود با استقلال را خواسته است. همچنین اختلاف حساب ۱۴۵ هزار یورویی بین او و مسئولان استقلال (تاج) دیده شده که با احتساب رقم قبلی مجموع آن یک میلیون و ۲۷۰ هزار یورو خواهد شد. آنهم به شرطی که استراماچونی در فصل پیش رو هدایت تیمی را بر عهده نگیرد.

به نظر می‌رسد هواداران تیم استقلال (تاج) برای داشتن این مربی ایتالیایی لحظه‌شماری می‌کنند و مسئولان این باشگاه هنوز برای نشان دادن استراماچونی روی نیمکت تیم‌شان آنهم برای فصل جدید ناامید نشده‌اند. آنها که پیش از این و زمانی که فرهاد مجیدی هدایت باشگاه را به عهده داشت، باب مذاکره برای بازگشت این سرمربی ایتالیایی را گشوده بودند، هنوز کاملاً به توافق نرسیده‌اند.

ابتدا رسانه‌های نزدیک به باشگاه اشاره‌ای به این موضوع نکردند، ولی بعد از سفر احمد سعادت‌مند مدیرعامل جدید به ایتالیا، رفته رفته این خبر به بیرون درز کرد که مدیران استقلال با استراماچونی برای بازگشت به تهران مذاکره کرده‌اند.

اگرچه سعادت‌مند پس از بازگشت به تهران گفت: در این سفر در مورد نحوه پرداخت مطالبات استراماچونی با وکیل او گفتگو شد و برای بازگرداندن آندره



آندره آ استراماچونی

این باشگاه شده است. استراماچونی به ۷۲ ساعت رسید. بامداد روز بعد استراماچونی مصاحبه‌ای با یک خبرگزاری انجام داد و مدعی شد مذاکره‌ای در دوچه انجام نشده است! با این اظهار نظر برای مسئولان استقلال محرز شد که استراماچونی از ابتدا تمایلی برای بازگشت به ایران نداشته است.

اما در گفتگوهای جدید، استراماچونی شروط عجیبی را برای پذیرفتن هدایت استقلال مطرح کرده و جالب اینکه مدیران باشگاه نیز آنها را پذیرفته‌اند. او در مرحله اول خواستار یک میلیون و ۶۵۰ هزار یورو از قرارداد قبلی به دلیل شکایت‌اش از

تکرار مکرر تأیید و تکذیب! وکیل روح‌الله زم: احتمالاً رأی پرونده روز شنبه ۲۹ شهریور ابلاغ شود



روح‌الله زم

به بنده ابلاغ نشده است. در یابگی پیش‌بینی کرده که «احتمالاً رأی پرونده روز شنبه (۲۹ شهریورماه) به بنده ابلاغ شود.» غلامحسین اسماعیلی سخنگوی قوه قضاییه ۱۰ تیرماه ۹۹ اعلام کرد که روح‌الله زم از سوی شعبه پانزدهم دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست «قاضی» صلواتی به اعدام محکوم شده است.

این زندانی سیاسی از محل زندگی خود در فرانسه به عراق سفر کرده بود که به طرز مشکوکی به ایران منتقل و زندانی شد. بخش اعترافات تلویزیونی روح‌الله زم انتقاد شدید کاربران فضای مجازی و سازمان‌های حقوق بشری را در پی داشت که سخنان وی را ناشی از شکنجه و اجبار دانستند.

● در تکذیبیه قوه قضاییه آمده که «حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضوی مقدم، اظهارنظری پیرامون رد یا تأیید حکم این پرونده نداشته است و خبر منتشر شده صحت ندارد.»

خبر «پایان رسیدگی» به پرونده و «تأیید» حکم روح‌الله زم مدیر کانال تلگرامی «آمد نیوز» که از سوی رئیس دیوان عالی کشور اعلام شده بود، از سوی قوه قضاییه تکذیب شده است. حالاً اکنون دبیر دریابگی وکیل مدافع این زندانی سیاسی محکوم به اعدام می‌گوید: این احتمال وجود دارد که رأی پرونده موکلم شنبه ۲۸ شهریورماه به من ابلاغ شود.

در حالی که حجت‌الاسلام مرتضوی مقدم رئیس دیوان عالی کشور دیروز سه‌شنبه ۲۵ شهریورماه ۹۹ از پایان رسیدگی به پرونده روح‌الله زم و تأیید حکم وی خبر داده بود، ولی اندکی بعد مرکز رسانه قوه قضاییه آن را تکذیب کرد!

انتشار این خبر از سوی رئیس دیوان عالی کشور باتوجه به ابهام در نوع اطلاع‌رسانی وی، تأویل‌پذیر بود و این پیام را داشت که حکم اعدام روح‌الله زم تأیید شده است. با این حال، همین اظهارنظر غیرشفاف نیز تکذیب شد و اکنون مشخص نیست، پس از اعتراض‌های گسترده به اجرای حکم

اعدام نوید افکاری از معترضان اعتراضات سراسری ۹۷ و حساسیت افکار عمومی داخلی و خارج کشور و تبعاتی که تا کنون برای رژیم ایران داشته، دیوان عالی کشور چه تصمیمی می‌گیرد. در تکذیبیه قوه قضاییه آمده که «حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضوی مقدم، اظهار نظری پیرامون رد یا تأیید حکم این پرونده نداشته است و خبر منتشر شده صحت ندارد.»

مهدی کشت‌دار مدیر عامل خبرگزاری «میزان» نیز با انتشار توییتی نوشت که تأیید حکم روح‌الله زم در دیوان عالی کشور صحت ندارد. امروز، دبیر دریابگی وکیل مدافع روح‌الله زم مدیر کانال تلگرامی «آمد نیوز» به «باشگاه خبرنگاران جوان» گفته است: «هنوز رأی نهایی موکلم

برادر «قاضی منصور»:

وزارت خارجه و قوه قضاییه هیچ اطلاعاتی به ما نمی‌دهند؛ «غیر منصفانه» نگوئیم خودکشی کرد!

شاکي هستيم، اميدواريم نظام قضايي با استناد به مدارک، ابعاد مختلف این قتل را روشن کند. برادر غلامرضا منصورى درباره تحویل جسد او به خانواده نیز گفته که «هیچیک از اعضای خانواده از طریق بدن‌پیمایی و احراز هویت نتوانستیم هویت ایشان را شناسایی کنیم و فقط استناد ما جهت تحویل جسد، نامه کتبی است که پزشکی قانونی بعد از گرفتن آزمایش DNA به دادسرای جنایی ارسال کرد.»

افزوده که «پس از اعلام نظر تخصصی پزشکی قانونی پیکر برادرم در مشهد خاکسپاری شد؛ در مجموع صرفاً با اعلام کتبی پزشکی قانونی مبنی بر مثبت بودن آزمایش DNA جسد را تحویل گرفتیم.»

غلامرضا منصورى قاضی‌بازنشسته‌ی اجراییات بخش لواسانات، بازپرس شعبه ۹ دادسرای کارکنان دولت و قاضی دادسرای فرهنگ و رسانه در پرونده فساد کلان اقتصادی و پولشویی اکبر طبری معاون پیشین قوه قضاییه، با اتهام دریافت رشوه ۵۰۰ هزار یورویی روبرو بود.

او امرادامه ۹۸ ایران را ترک کرد و به اروپا رفت. با برگزاری نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات اکبر طبری معاون پیشین اجرایی قوه قضاییه و هم‌دستانش، نام قاضی منصورى مورد توجه قرار گرفت. تعدادی از روزنامه‌نگاران اعلام کردند او بازجوی پرونده آنها بوده و خبرهایی درباره سکونت او در آلمان نیز منتشر شد.

قاضی منصورى با انتشار ویدئویی اعلام کرد که از کشور فرار نکرده بلکه برای درمان بیماری ایران را ترک کرده و قصد بازگشت به کشور را داشته ولی شیوع بیماری کرونا و بسته شدن مرزها سبب شد که نتواند به ایران برگردد.

چند روز بعد اما خبر بازداشت قاضی منصورى درخواست مقامات جمهوری اسلامی توسط پلیس رومانی و در شهر بخارست پایتخت این کشور منتشر و پس از مدتی خبر «خودکشی» وی در هتل محل اقامتش منتشر شد. با اینهمه برخی مرگ او بر اثر «خودکشی» را رد کرده و از شواهدی که علت مرگ را «قتل عمد» ارزیابی می‌کرد خبر داده‌اند.



غلامرضا منصورى

تمایل داشت همانطور که دادستان رومانی گفته بود، می‌توانست نیاید. کسی که می‌خواهد خودکشی کند، خودش را به سفارت معرفی نمی‌کند.» او در این باره توضیح داده که برادرش سابقه خدمت به عنوان رایزن فرهنگی در سفارت ایران در سوریه را داشته و «فردی نبودند که نسبت به قوانین دیپلماتیک ناآگاه باشند.»

پیشتر سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرده بود که رأی دادستانی رومانی مبنی بر خودکشی قاضی منصورى بوده و خانواده برای اعتراضی که ۲۰ روز مهلت خواهد داشت، با اینهمه برادر قاضی منصورى می‌گوید: «تا کنون هیچ موضوعی در این باره به ما اعلام نشده است و موضوع خودکشی را که سخنگوی وزارت امور خارجه می‌گوید از طریق رومانی به آنها اعلام شده را هم از طریق رسانه ملی مطلع شدیم.»

دادستانی جمهوری اسلامی نیز مدعی شده فیملی از حادثه وجود دارد که بیانگر خودکشی قاضی منصورى است اما برادر او می‌گوید: «نه وزارت امور خارجه که از دستگاه قضایی، خانواده ما را در جریان هیچیک از این اخبار نگذاشتند.»

برادر قاضی منصورى تأکید کرده که «هیچ سندى در اختیار خانواده قرار نگرفته» و «زمانی که به دادگاه جنایی برای احراز هویت جنازه رفتیم، اعلام کردیم که از همه کسانی که در حادثه قتل ایشان دخالت داشتند،

● برادر قاضی منصورى: هیچ سندی در اختیار خانواده قرار نگرفته است.

● برادر قاضی منصورى: زمانی که به دادگاه جنایی برای احراز هویت جنازه رفتیم، اعلام کردیم که از همه کسانی که در حادثه قتل ایشان دخالت داشتند، شاکي هستيم

● اروپا «راه‌حل میانه» ارائه نداد

در چنین شرایط اروپایی‌ها با اصرار بر لزوم حفظ برجام می‌کوشند اقدامات آمریکا را یکجانبه قلمداد کنند و دست‌کم با این رویه امیدوارند مانع خروج رژیم ایران از برجام شوند و تهدیدات احتمالی ناشی از واکنش‌های رژیم ایران را متوجه منافع آمریکا کنند در حالی که خود بیشتر در تیررس رژیم اسلامی ایران قرار دارند. در چنین شرایطی اروپا نه تنها در ارائه طرح میانه به عنوان گزینه جایگزین اقدامی نکرده بلکه وزرای خارجه کشورهای قدرتمند اروپایی در هفته‌های اخیر بارها تأکید کرده‌اند که باید مقابل فعالیت‌های اتمی و موشکی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایستاد و به هر نحوی از دستیابی حکومت ایران به سلاح اتمی جلوگیری کرد.

همین مسئله سبب شده تا در ایران گفته شود بین اروپا و آمریکا برای فشار به جمهوری اسلامی تقسیم کار شده و مخالفت اروپا با «مکانیسم ماشه» نمایشی است. چنین وضعیتی بازار اقتصادی ایران را ملتهب کرده و قیمت دلار به حدود ۲۷ هزار تومان رسیده و قیمت کالاهای اساسی از مواد خوراکی گرفته تا شوینده‌ها به شدت افزایش یافته است. چنانکه حسن روحانی اعتراف کرده قیمت کالاهاى اساسی در بازار غیرمنصفانه است و گزارش‌های منابع رسمی حاکی از کاهش شدید قدرت خرید حقوق‌بگیران و طبقات تنگدست جامعه است. بر همین اساس رژیم ایران از بیم آغاز اعتراضات سراسری گشت‌های بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی را بیش از پیش در خیابان‌ها مستقر می‌کند.

استقرار گشت‌های امنیتی در خیابان‌ها و تبریک حسن روحانی برای شکست آمریکا!



در ایران با وجود وضعیت وخیم کرونا گشت‌های مشترک «رضویون» شبه‌نظامیان متشکل از نیروهای بسیج، سپاه پاسداران و نیروی انتظامی فعالیت‌شان را آغاز کردند

این موضوع که چنین تهدیداتی معنایی جز تلاش برای ساختن بمب اتمی ندارد می‌گوید: «برخی از مفاد طرح سه فوریتی نمایندگان مجلس مغایر با فتوای رهبری است و محتوای این طرح موجب تضعیف حقانیت ایران در بحث هسته‌ای است چرا که بهانه در اختیار آمریکا و رژیم‌های مخالف قرار می‌دهد چون آنها طرح نمایندگان را تلاش ایران برای ساخت بمب هسته‌ای تلقی و معرفی می‌کنند.»

از سوی بعضی نمایندگان مجلس شورای اسلامی بار دیگر لزوم خروج از NPT مطرح شده است. محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز پیش از این تهدید کرده بود اگر پرونده ایران به شورای امنیت برود خروج از NPT در دستور کار قرار می‌گیرد. اما مسئله این است که پرونده ایران به شورای امنیت رفت ولی آرای لازم برای اعمال تحریم‌ها را کسب نکرد و آمریکا اکنون یکجانبه می‌خواهد تحریم‌ها را به اجرا بگذارد. تجربه نشان داده آمریکا در اعمال یکجانبه تحریم‌ها به اندازه کافی ابزار لازم را در اختیار دارد. چنانکه بعد از خروج ایالات متحده از برجام با آغاز کارزار «فشار حداکثری» فروش نفت ایران نزدیک به «صفر» شد.

● در متن طرح سه‌فوریتی مجلس شورای اسلامی برای «مقابله با اقدامات خصمانه آمریکا» روز ۲۵ شهریور منتشر شد. در این طرح آمده در صورت بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت و اعمال مجدد تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران ظرف یک هفته دسترسی به سایت‌های هسته‌ای را متوقف می‌کند و به سراغ راکتورهای آب سنگین خواهد رفت و بازفرآوری سوخت مصرف شده را آغاز خواهد کرد و فعالیت‌هایی که می‌تواند به طراحی و توسعه وسایل انفجار هسته‌ای کمک کند را از سر می‌گیرد و دیگر شفافیتی در زمینه غنی‌سازی اورانیوم و تولید اجزای سانتریفیوژ نخواهد داشت!

این تهدیدها در حالیست که دولت و نمایندگان هسته‌ای جمهوری اسلامی مرتب بر صلح‌آمیز بودن تولید انرژی هسته‌ای تأکید می‌کنند! اما هر بار با چنین تهدیداتی نشان می‌دهند که ادعاهای آنان بی‌پایه است.

● طرح تهدیدآمیز مجلس انقلابی یعنی تلاش برای ساختن بمب اتمی محسن عبدالهی حقوقدان و استاد دانشگاه به خبرگزاری «ایرنا» با تأیید

● ایوبت آبرامز مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا گفته تمام تحریم‌های سازمان ملل علیه رژیم ایران از ۲۹ شهریور دوباره اجرا می‌شود.

● حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی با اشاره به پایان احتمالی تحریم تسلیحاتی و تکرار اینکه آمریکا حق استفاده از «مکانیسم ماشه» را ندارد روز ۲۶ شهریور در جلسه هیات دولت گفت «پیشاپیش پیروزی روزهای شنبه و یکشنبه هفته بعد و شکست مفتضحانه آمریکا را به ملت ایران را تبریک می‌گوییم!»

● در متن طرح سه‌فوریتی مجلس برای «مقابله با اقدامات خصمانه آمریکا» تهدید شده که جمهوری اسلامی ظرف یک هفته دسترسی به سایت‌های هسته‌ای را متوقف می‌کند و توسعه وسایل انفجار هسته‌ای کمک کند را از سر می‌گیرد!

● محسن عبدالهی حقوقدان و استاد دانشگاه به خبرگزاری «ایرنا» می‌گوید این طرح مجلس تلاش ایران برای ساخت بمب اتمی تلقی می‌شود.

● اروپا نه تنها در ارائه طرح میانه به عنوان گزینه جایگزین اقدامی نکرده بلکه وزرای خارجه کشورهای قدرتمند اروپایی تأکید کرده‌اند باید مقابل فعالیت‌های اتمی و موشکی و منطقه‌ای ایران ایستاد.

● حسن روحانی اعتراف کرده قیمت کالاهاى اساسی در بازار غیرمنصفانه است و گزارش‌های منابع رسمی حاکی از کاهش شدید قدرت خرید حقوق‌بگیران و طبقات تنگدست است.

دولت دونالد ترامپ قصد دارد برای مقابله با فروش تسلیحات نظامی توسط چین و روسیه به رژیم ایران با فعال کردن «مکانیسم ماشه» در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تحریم‌های جدیدی را علیه جمهوری اسلامی اعمال کند. ایوبت آبرامز مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا و جانشین برایان هوک گفته «تمام تحریم‌های سازمان ملل علیه رژیم ایران شنبه ۱۹ سپتامبر (۲۹ شهریور) ساعت ۸ شب به وقت واشنگتن دوباره به اجرا در خواهد آمد.»

او توضیح داد «تحریم تسلیحاتی به صورت نامحدود اجرا خواهد شد و محدودیت‌های دیگر مانند ممنوعیت غنی‌سازی و فعالیت‌های مربوط به فرآوری، ممنوعیت آزمایش و توسعه موشک‌های بالستیک و تحریم انتقال فناوری‌های اتمی و موشکی نیز باز خواهد گشت.»

در مقابل اما حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی با اشاره به پایان احتمالی تحریم تسلیحاتی و تکرار اینکه آمریکا حق استفاده از «مکانیسم ماشه» را ندارد روز ۲۶ شهریور در جلسه هیات دولت گفت «پیشاپیش پیروزی روزهای شنبه و یکشنبه هفته بعد و شکست مفتضحانه آمریکا را به ملت ایران را تبریک می‌گوییم!»

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۸۷)

(کیهان لندن شماره ۱۳۶۸)

احمد احرار



«بهار» تصویر و تفسیر دیگری از واقعه به دست می‌دهد:

«ایمبری بدبخت، روز جمعه، روز تعطیل عمومی، با رفیقش به سوی سقاخانه تاریخی شتافت. جماعت زیادی از مرد و زن پیرامون سقاخانه جمع بودند. زن‌ها یکی نشسته، یکی ایستاده، یکی نذر می‌دهد. یکی طفلش را به سقاخانه می‌مالد. دیگری طفل می‌طلبد، مردی صلوات می‌فرستد و دیگران را هم به فرستادن صلوات تشویق می‌کند، می‌گوید: «لال از دنیا نروی، صلوات سوم را بلندتر بفرست...»
مردهای دیگر چیچک می‌کشند، آب می‌آورند، نذری می‌دهند، یک دسته می‌رود، یک دسته می‌آید، پلیس هم برای حفظ نظم متعدد است، و آنها هم با مردم در تکریم به سقاخانه و شرح معجزات - خاصه خشک شدن دست خارج مذهب که می‌خواست زهر در آب سقاخانه

می‌زنند و مازور می‌افتد. او که می‌افتد، مردم ساکت می‌شوند و از نظمیه جمعی پلیس می‌آیند و او را از خیابان جلیل‌آباد به مریضخانه نظمیه می‌برند و معلوم می‌شود که ایمبری زنده است. عجب این است که پس از آنکه مردم از حال عصبانیت افتاده بودند، بار دیگر دسته‌ای دیگر که گفتند سرباز هم داخل آنها بود، به مریضخانه ریخته، مازور ایمبری را می‌زنند و اهانت می‌کنند و خلاصه او را می‌کشند! ولی رفیقش که ضربات شدید خورده بود، معالجه می‌شود.
روزنامه‌ها قضیه را طوری نوشتند که یعنی پلیس و نظامی ساعت اول از او حمایت کرده‌اند و مردم پلیس و قوای تأمینیه را هم زده‌اند و دو نفر نظامی به‌جای سوارچی سوار درشکه ایمبری شده و هر دو مجروح شده‌اند و یکی مرده است. در جراید اسمی هم از جلوخان میدان مشق و پناه بردن ایمبری به نظامیان برده نشد و گفتند



ملک الشعرا بهار

که از نظمیه اتومبیل بردند و قونسول مجروح را از خیابان استخر و آنطرف (؟) به مریضخانه نظمیه بردند و مردم در و پنجره را شکسته، به مریضخانه ریخته، قونسول را کتک می‌زنند و او بعد به‌هوش آمده، با خانمش صحبت می‌کند و پس از چهار پنج ساعت تلف می‌شود!
فورا حقیقت امر در پایتخت مطابق واقع و همانطور که ما نوشته‌ایم، شایع گردید. زیرا صدها افراد شاهد و ناظر بوده‌اند و هر قسمتی را از ده‌ها شخص پرسیده و یادداشت کرده‌ایم. همه گفتند که این توطئه مخصوصاً چیده شد و به نظامی و پاسبان سپرده شد که دخالت نکنند، ولی آنها به‌خلاف دخالت کردند، ولی بر علیه قونسول. از همه عجیب‌تر آنکه نظامیان دم میدان مشق با مردمی که به مریضخانه شهرانی که دری به خیابان جلیل‌آباد داشت، ریختند و ایمبری را کتک زدند و کشتند، همدمست بوده‌اند و پلیس یک تیر در همه این غوغاها خالی نکرد. اتفاقاً سفیر ترکیه که شیخ‌الاسفرا بود، در نتیجه همین حقایق، یادداشتی با کمال ملاحظه و نزاکت به دولت ایران فرستاد و ما عین آن را نقل می‌کنیم:

یادداشت سفیر دولت ترک

حضرت اشرف سردار سپاه رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ دولت شاهنشاهی ایران! سفیرکبیر ترکیه با سمت «شیخ‌السفرانی» هیأت نمایندگان سیاسی مأمور دربار ایران، به‌نام سفیر افغانستان، آلمان، ساوت، فرانسه، شارژ دافر انگلیس، بلژیک و ایتالیا مایل است نفرت خود و همکارانش را که در اثر سوء قصد غدارانه‌ای که منجر به هلاکت مازور روبرت و ایمبری قنسل دول متحده آمریکا و جراحت سهمناک مسیو سیمورد تبعه دیگر آمریکا حاصل شده است اظهار بدارد.

این سوء‌قصد در وسط روز در شهر تهران به‌وقوع پیوسته و مداخله ضعیف قوای تأمینیه کاملاً بلااثر مانده و از عواقب سوء آن نتوانسته است جلوگیری نماید ابتدا برای اخافه یا تفرقه جماعت، یک تیر تفنگ هم نینداخته‌اند، و بالاخره پس از آنکه مجروحین بدبخت را به مریضخانه رسمی نظمیه تهران می‌رسانند، نمایندگان قوای عمومی نتوانسته‌اند یا نخواسته‌اند از ورود جمعیت به عمارت مریضخانه ممانعت نمایند! و جمعیت در آنجا اهانت جدیده مرتکب شدند!

بنابراین، شک نیست که یک وضعیت خطرناکی وجود دارد که هیأت مأمورین سیاسی خود را مجبور دیدند در مقابل وضعیت مزبور شدیداً در مقام پروتست (اعتراض) برآیند. نظر به مراتب فوق‌الذکر، هیأت نمایندگان سیاسی توجه جدی اولیای دولت شاهنشاهی ایران را جدأ به لزوم اتخاذ فوری وسایل مؤثر برای استقرار نظم و امنیت اتباع خارجه در ایران و همچنین اقلیت‌های مذهبی که به تحریکات متعصبانه تهدید شده‌اند معطوف می‌نماید. از حضرت اشرف متمنی است احترامات فائقه را بپذیرند.

سفیر کبیر ترکیه محی‌الدین

گسیل نیروهای سپاه پاسداران و بسیج به خیابان‌های تهران و اهواز؛ هراس از اعتراضات سراسری در ایران



عکسی از اعتراضات آبان ۹۸

از ظرفیت نیروهای انسانی بسیج برای «امنیت محلات پایتخت و شهروندان» اعلام کرده بود. محمد یزدی گفته بود: «تثبیت امنیت محله محور در شهر تهران» برای این است «تا مردم با آسایش به زندگی خود بپردازند!» این در حالیست که چنین نیروهایی که اساساً با هدف کنترل و سرکوب سازماندهی می‌شوند همواره مخل و مزاحم آسایش مردم هستند.

یزدی گفته بود که پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای فعالیت نیروهای بسیج در محله‌های مختلف تهران تأسیس شده است. شامگاه دیروز سپاه پاسداران «ولی‌عصر» خوزستان با صدور اطلاعیه‌ای از تشکیل «گشت‌های ویژه رضوین» در محلات شهرستان اهواز خبر داده و مدعی شده است که این گشت‌ها «در پی درخواست‌های اخیر مردم» فعالیت خود را شروع خواهند کرد!

بر اساس ادعای این اطلاعیه، جمعی از مردم اهواز در بیانیه‌ای از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج درخواست کمک کردند و در فضای مجازی هم این درخواست‌ها را داشته‌اند!

آنگونه که از جزئیات ارائه شده در بیانیه پیداست، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خوزستان، فعالیت این گشت ویژه را به دلیل انتشار «کلیپ‌های متعددی از سرقت‌های مسلحانه در برخی مناطق شهرستان اهواز و استان در فضای مجازی» در هفته‌های اخیر آغاز می‌کند.
در این اطلاعیه هدف از تشکیل این گشت ویژه «ارتقای امنیت عمومی جامعه در پی سرقت‌ها و ناامنی‌های اخیر در شهرستان

اهواز» خوانده شده است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حتی پیشنهاد داده تا در صورت درخواست شورای تأمین استان خوزستان، در تمام شهرهای این استان فعالیت کند.
تشکیل گشت‌های نوظهور و گسیل نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج به محلات پایتخت و اهواز دو هفته پس از اعتراف حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور به «بیش از سه برابر شدن» فراخوان‌های تجمعات اعتراضی در پنج ماهه سال جاری به نسبت مدت مشابه در سال گذشته صورت می‌گیرد.

معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور اعلام کرده بود: «در پنج ماه نخست سال گذشته ۵۱۹ مورد فراخوان اعتراضی داشتیم که امسال در مدت مشابه به هزار و ۷۰۲ مورد رسیده و رشد ۲۲۷ درصدی داشته است.»
پیشتر نیز حسین بیادی فعال اصولگرا به وبسایت «انتخاب» گفته بود «تا پایان آذرماه احتمال وقوع حوادث غیرمترقبه سیاسی اجتماعی وجود دارد.»

به نظر می‌رسد نهادهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی با افزایش بحران اقتصادی و اجتماعی و گسترش ناراضی‌های مردم علیه شرایط موجود اقتصادی و اجتماعی، به‌خصوص با موج اعتراض داخلی و خارجی علیه کشتن قتل نوید افکاری که در اعتراضات سال ۹۷ در ایران دستگیر شده بود، خود را برای سرکوب معترضان به صورت محله به محله آماده می‌کنند و این آمادگی را از دو شهر مهم تهران و اهواز با سابقه‌ی اعتراضات وسیع و طولانی آغاز کرده‌اند.

● «سپاه ولی‌عصر» خوزستان در اطلاعیه‌ای مدعی شد: «در پی درخواست‌های اخیر مردمی» است که «نیروهای بسیج و سپاه جهت تقویت امنیت مناطق مختلف شهرستان اهواز گشت‌های ویژه رضویون به زودی فعال می‌شوند!»
● فرمانده سپاه تهران پیشتر از تشکیل تیم ضربت بسیج در محلات پایتخت با هماهنگی نیروی انتظامی و قوه‌قضاییه خبر داده بود که ظاهراً با هدف مقابله با «اراذل و اوباش» و «سایر مخلین امنیت مردم» در محله‌های تهران گسیل شده‌اند در حالی که خود این نیروها بیشترین اختلال و مزاحمت را برای مردم ایجاد می‌کنند.

● نهادهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی با افزایش بحران اقتصادی و اجتماعی و گسترش ناراضی‌های مردم علیه شرایط موجود اقتصادی و اجتماعی، به‌خصوص با موج اعتراض داخلی و خارجی علیه کشتن قتل نوید افکاری که در ایران دستگیر شده بود، خود را برای سرکوب معترضان به صورت محله به محله آماده می‌کنند.

دو روز پس از تشکیل تیم ضربت بسیج در محلات تهران، شامگاه دیروز «سپاه ولی‌عصر» خوزستان با صدور اطلاعیه‌ای از فعالیت آتی گشت‌های ویژه در محلات اهواز با عنوان «رضویون» خبر داد.

سردار محمد یزدی فرمانده «سپاه محمد رسول‌الله» دو روز پیش ۲۴ شهریورماه از تشکیل تیم ضربت بسیج در محلات پایتخت با هماهنگی نیروی انتظامی و قوه‌قضاییه خبر داده بود.

فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهران هدف از تشکیل این تیم ضربت را مقابله با «اراذل و اوباش» و «سایر مخلین امنیت مردم» در محله‌های تهران و استفاده

یک مقام امنیتی آمریکایی: حزب‌الله با پشتیبانی رژیم ایران در سرتاسر اروپا نیتراست آمونوم مخفی کرده



انفجار بیروت ۶ اوت ۲۰۲۰

ماه‌های اخیر آلمان و لیتوانی کل حزب‌الله را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دادند و فعالیت این گروه در واقع تروریستی را که در اوایل دهه هشتاد میلادی توسط جمهوری اسلامی ساخته شد و پس از مدتی در دولت لبنان نیز نقش مهمی پیدا کرد، ممنوع اعلام نمودند. سبیل نیز معتقد است که «حزب‌الله» یک سازمان واحد تروریستی است و تقسیم آن به دو شاخه سیاسی و نظامی بی‌معنا است.

و حدود هفت هزار زخمی بر جای گذشت و بخش بزرگی از این بندر را ویران کرد. تحلیلگران می‌گویند این حجم نیتراست متعلق به حزب‌الله بود اما اعضای ارشد حزب‌الله این ادعا را رد می‌کنند.
اتحادیه اروپا شاخه نظامی حزب‌الله را به عنوان گروه تروریستی معرفی کرده است اما شاخه سیاسی آن را هنوز در فهرست تروریستی قرار نداده است. با این حال در

● نیتن سبیلز هماهنگ‌کننده مبارزه با تروریسم در وزارت خارجه آمریکا: گروه تروریستی حزب‌الله نیتراست آمونوم به اروپا منتقل می‌کند تا بتواند مواد منفجره بسازد و هر وقت اربابان این گروه در تهران لازم دیدند، حملات تروریستی بزرگ انجام دهد.

یک مقام امنیتی آمریکا می‌گوید عوامل حزب‌الله لبنان مقادیر قابل توجهی نیتراست آمونوم از بلژیک به فرانسه، یونان، ایتالیا، اسپانیا و سوئیس منتقل کرده‌اند و مظنون به این هستند که این مواد را در سراسر اروپا ذخیره می‌کنند.
نیتن سبیلز هماهنگ‌کننده مبارزه با تروریسم در وزارت خارجه آمریکا با اشاره به اینکه از کشورهای اروپایی خواسته شده حزب‌الله را در این کشورها ممنوع اعلام کنند در پاسخ به این پرسش که چرا حزب‌الله در اروپا نیتراست ذخیره می‌کند گفت: «گروه حزب‌الله این مواد را انتقال داد تا بتواند مواد منفجره بسازد و هر وقت اربابان این گروه در تهران لازم دیدند، حملات تروریستی بزرگ انجام دهد.»

نیتراست آمونوم یک ترکیب شیمیایی است که اغلب برای تهیه کود استفاده می‌شود اما از آن می‌توان برای ساختن مواد منفجره نیز استفاده کرد.
سبیلز این سخنان را در یک نشست آنلاین به میزبانی کمیته یهودیان آمریکا بیان کرد. روز ۱۴ مرداد گذشته انفجار ۲۷۵۰ تن نیتراست آمونوم در بندر بیروت ده‌ها کشته

درگیری دوستانه هدایت و جواهر کلام

دوستان توصیه کرده‌اند که شرح معاشرت‌ها و رفت و آمدهای پدرم با نویسندگان، شاعران، و نام‌آوران دوران خودش را به صورت گزیده و فشرده و در قالب خاطرات فرهنگی شرح دهم. در میان این شخصیت‌ها و این معاشرت‌ها، آنکه پیش از همه مرا جذب می‌کرد و خاطراتش شفاف و زنده در ذهنم باقی مانده است، معاشرت‌های پدر با صادق هدایت بود.

پس از مرگ صادق، دورانی پیش آمد که بسیاری از افراد حتی اگر فقط سلام و علیکی با آن شادروان داشتند یا فی‌المثل خانه‌شان در نزدیکی وی بود، مسأله را با آب و تاب، رنگ و روغن، و درشت‌نمایی شرح می‌دادند تا در سایه آن، خود را هم به نوعی مطرح کنند. خوشحالم که در آن دوران خاموش بوده‌ام و باز هم شادم از اینکه این خاطرات را نه به عنوان بزرگ‌نمایی که به خاطر طبیعت طنزش می‌نویسم، در حقیقت معاشرت و برخورد دو شخصیت بذله‌گو و شوخ و بسیار با ذوق را که سر بسر یکدیگر می‌گذاشتند.

صادق در خانه ما

نخستین بار که صادق به خانه ما آمد، در قلعهک منزل داشتیم؛ حدود پنجاه و دو یا پنجاه و سه سال پیش. قلیک، دو راهی آهسته، نرسیده به کوچه یخچال که در حقیقت یک خانه بود و یک بیابان. این خانه اجاره‌ای بوستانی بود که صاحبش در آن انواع صیفی‌جات از قبیل کدو، گوجه‌فرنگی و... کاشته بود. برادرم شمس‌الدین - در حال حاضر دکتر جواهر کلام - در دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) فعالیت داشت. دوستان و هواخواهان صادق در آن زمان برای اینکه کمکی به زندگی وی کرده باشند، ترتیبی داده بودند که او به عنوان مترجم زبان فرانسه در آن دانشکده استخدام شود - گمان دارم با حقوق ماهانه هفتصد تومان! - در آن موقع رئیس این هنرکده آقای اسدالله قهرمان‌پور بود.

برادرم همکار خود صادق را برای آشنایی با پدر و صرف ناهار به منزل ما دعوت کرد. این را بگویم که صادق در آن زمان شهرت آن چنانی نداشت، تازه می‌رفت که به عنوان یک نویسنده نوگرا به جامعه معرفی شود. دانشجویان و روشنفکران با کتاب‌های انگشت شمارش کم و بیش آشنا بودند، اما نویسندگان و شاعران مشهور آن دوران اصلاً او را قبول نداشتند. خودش می‌گفت:

«این پیر و پاتال‌ها به من لقب داده‌اند «قلیل التفصیل احمق!»
ظاهر پاییز بود، ما همه منتظر بودیم تا نویسنده‌ای که این همه برادر بزرگم از او تعریف می‌کرد به منزل ما وارد شود. در زدن، من پیش رفتم و در را باز کردم؛ برادرم با جوانی خوش‌پوش، لاغر اندام، با سری بزرگ و پر مو و عینکی برآق در آستانه در ایستاده بود. در دل گفتم: «عجب کله بزرگی داره»

- این برادرم فرید است.
با فروتنی و مهربانی دست خود را پیش آورد، دست دادیم، تعارفی کردم، وارد شدند. صادق نظری به باغچه سربسز انداخت. کدوهای زرد در نور آفتاب برقی می‌زدند. بدون مقدمه از برادرم پرسید: «برای ناهار از این کدوها درست کردن؟»
- آره

تبسم به لبش آمد، گیاهخوار بود. پدرم جلو آمد و با رویی گشاده و احترامی تمام او را به اتاق برد. پدر، برای پذیرایی صادق هدایت، یکی دو رفیق اهل - در سرای امین! - دعوت کرده بود. همه با ارادت تمام مقدمش را گرمی داشتند، اما همان اتاق ساده پدر و همان یک دو تا دوست، به اصطلاح عامیانه، صادق را گرفت! کم و بیش دست‌پاچه شد، به برادرم چسبید و آهسته گفت:

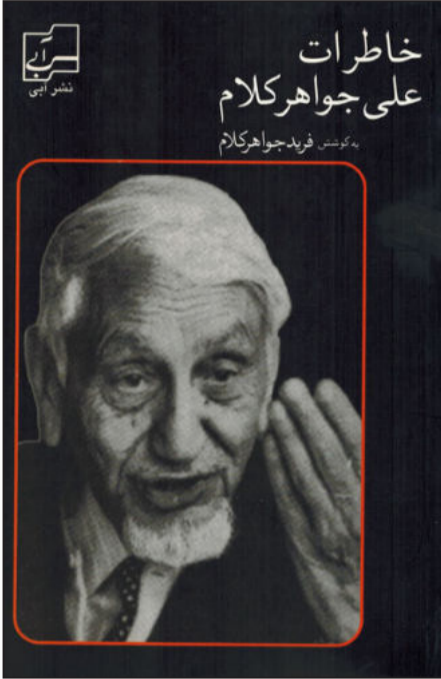
- شمس‌الدین تو از پیش من نرو!
پدر با زبان چرب و نرم شرح کشفی از استعداد و قلم شیرین صادق بیان کرد، فایده‌ای نداشت، صادق هنوز ناراحت بود. برادرم با زرنگی ترتیبی داد تا مهمانها لبی‌تر کردند، آنوقت بود که یواش یواش صادق راحت شد، خنده‌های کرد، و با مهمانها به‌احوالپرسی پرداخت. در میان مهمانها مشدی گلین خانم هم بود - همان مشدی گلین خانم قصه‌گوی الول ساتن. پدر عمداً او را دعوت کرده بود چون این بانوی سالخورده به شیوه حرفه‌ای اهل منقل

خاطراتی از علی جواهر کلام - به کوشش فرید جواهر کلام (بخش ۱)

صادق هدایت تنها کسی بود که از پس زبان پدرم بر می‌آمد!

شادروان علی جواهر کلام به عنوان نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار اشتهار داشت اما در زندگی هشتاد ساله خود (۱۳۵۰ - ۱۲۷۵ شمسی) به کارهای مختلف از معلمی تا عضویت وزارت امور خارجه پرداخت. او به زبان‌های عربی، انگلیسی، روسی تسلط کامل داشت و خاطراتش همان قدر شیرین و خواندنی است که نوشته‌هایش.

فرید جواهر کلام، یکی از دو فرزند علی جواهر کلام، خاطراتی از پدر خود به علاوه گزیده‌ای از مقالات وی در کتابی کم حجم اما خواندنی گردآورده است. ما از این کتاب، فصلی را که به نشست و برخاست‌های دوستانه جواهر کلام با تنی چند از مشاهیر ادبی و مطبوعاتی هم‌زمان خود، از جمله صادق هدایت، محمد مسعود، محمد قزوینی، احمد کسروی و صادق سرمد اختصاص دارد برای مطالعه شما برگزیده‌ایم که در چند شماره می‌خوانید.



خاطرات علی جواهر کلام
تألیف فرید جواهر کلام
شماره ۱۷۴۵

اصلاً سر در نیآورم چه می‌گوید، چرا با من به عربی حرف می‌زند؟
خیره خیره به او نگاه کردم. پدر خندید و گفت:

- استاد، فرید عربی نمی‌فهمد بلدی نیست. - چرا بلد نیست، بالاخره یک رگش که عرب است!

پدر خنده دیگری تحویل داده و به مسخره گفت:

- انتظار دارید با همون یه رگ با شما حرف بزنند؟!
قزوینی از این شوخی از ته دل خندید و بعد از مدتی گفت:

- تو به این جوونی پسر به این بزرگی داری؟ عجیب است!
پدر جواب داد:

- شمس‌الدین پسر دیگرم از او هم بزرگتر است.
قزوینی سری تکان داده گفت:
- اعجب من عجیب!

- تازه فروغ دخترم از او هم بزرگتر است! - مظهر العجایب!

پس از این گفتگوی نیمه عربی نیمه فارسی به کار خود پرداختند. چند کتاب قدیمی عربی روی میز در برابرشان بود و مرتباً عربی می‌خواندند و برای یکدیگر تفسیر و ترجمه می‌کردند. ظاهراً علامه قزوینی که مشغول تحقیق درباره کتاب «شد الازار» بود، در این زمینه برای مشورت نزد پدر آمده بود.

پس از چند دقیقه اتاق را ترک کرده و بیرون آمدم. بحث آنها چندین ساعت به درازا انجامید تا سرانجام مهمان محترم خداحافظی کرد و رفت.

پس از رفتنش، پدر خسته، اما تبسم بر لب نزد ما آمد و گفت:

- خسته‌ام کرد، این هم شد تحقیق؟ بعد با تلفظ غلیظ عربی گفت: شد الازار لحط الاوزار فی زیارتہ مزارات شیراز یعنی چه؟ یعنی «کمر همت بستن جهت پالایش گناهان، از طریق زیارت گورستان‌های شیراز!» هه هه! آخوند بی‌عامه!

ما همه خندیدیم. اما این که پدر مهمان دانشمند خود را مسخره کرد و او را آخوند بی‌عامه خواند، به هیچ وجه دلیل عدم ارادت و محبت او نسبت به علامه نبود. او همه را مسخره می‌کرد، از دوست و دشمن هیچکس نبود که در زمینه مسخره شدن از دم تیغ بی دریغ پدر نگذشته باشد، حتی گربه‌های خود را هم مسخره می‌کرد! او حاضر بود یک لطفیه، متلک بجا و خنده‌دار، در مورد کسی بگوید حتی اگر به بهای تباه کردن سرنوشت طرف باشد.

دکتر انور خامه‌ای چندی پیش از قول خودم به من می‌گفتند - یعنی مطلبی را من در جوانی به ایشان گفته بودم و حالا یادم رفته بود و اکنون ایشان یادآوری می‌کردند - مطلب این بود که جواهر کلام در این زمینه مانند مرحوم ملانصرالدین عمل می‌کرد. یک روز ملا و زنش در حیاط خانه ایستاده بودند، در زدند. ملا پرسید:

- کیه؟
طرف از پشت در جواب داد:
- منم.

ملا بی‌درنگ گفت:
- خاک بر سر زنم!
زنش به او پرخاش کرد که مرد چه می‌گویی؟ ملا پاسخ داد:
- عزیزم، آخر من به خاطر تو که نمی‌توانم از یک قیافه به این قشنگی بگذرم!

آقای دکتر خامه‌ای می‌گفت:
- از قضا پدر من هم مثل پدر تو بود. او هم عادت متلک گویی بی‌پروا را داشت. باری، پدر پس از اجرای وظیفه مسخره کردن چند دقیقه‌ای به فکر فرو رفت و بعد گفت:
- اما این آقای قزوینی خیلی مڈ روز و اروپاییه. بیشتر در اروپا اقامت دارد تا ایران، آنقدر فارسی حرف نزنه که در این زبان کند است، اما در عربی قهار است، خانمش هم اروپایی است. چند وقت پیش در جایی گویا با شخصی درگیری پیدا می‌کند و نمی‌تواند به زبان فارسی خوب حق مطلب را ادا کند، خانمش به کمک او رفته به فارسی شکسته بسته به طرف می‌گوید:

- آگا (آقا) اینجور با این (قزوینی) رفتار نکن این پروته ژه Protegee رئیس الزوراء!
یعنی احترام او را نگهدار، این شخص مورد حمایت نخست وزیر است.

دنباله دارد

* اشاره‌ای است به سرود ملک‌الشعراء بهار
ای دیو سفید پای در بند ای مادر گیتی ای دماوند
صادق این قطعه را تا به آخر به همین سبک مورد تمسخر قرار داده بود.

صدای شاعر بلند شد که:
استاد بیا تو، ما مهمان تو هستیم، فلانی فرموده اکرم الضیف ولو کان کافراً!
پدر با صدای بلند جواب داد:
چون این ضیف! خوردین و نوشیدین و از شما پذیرایی شد اقلاً دیگه زیون درازی نکنین!

چند دقیقه گذشت، بعد شاعر سپهر انداخت و گفت: باشد، بیا!
پدر با وقار تمام به اتاق برگشت. در صندلی مخصوص خودش نشست، سکوت بسیار تلخی حکمفرما شد، عبدی مرتباً جلو مهمانها استکانهای شستی جای قرار می‌داد.

دوستان صادق می‌دانند که او عادت داشت با انگشت سیبایه دست راست به در و دیوار چیزی می‌نوشت. از برادر پرسیده بودم او چرا چنین می‌کند؟ جواب داده بود آنقدر عشق نویسندگی دارد که نمی‌تواند آرام بگیرد.

حال در این سکوت تلخ، صادق شروع کرد با انگشتش به دیوار چیز نوشتن. مرتب می‌نوشت، شادروان سرتیپ بهرامی دایبی باذوق من گفت:
شمس‌الدین، بین آقای نویسنده بر دیوار چه می‌نویسد ما که نفهمیدیم. برادر با دقت به دست صادق نگاه کرد، بعد خندید و گفت:
می‌نویسد: مرگ بر جواهر کلام!

شد الا زار لحط الاوزار فی...

علامه شیخ محمد خان قزوینی از دانشمندان و پژوهشگران قدیمی بود. آخرین بار شادروان دکتر عبدالحسین زرین کوب در شماره ششم مجله بخارا، به مناسبت پنجاهمین سال خاموشی وی مقاله‌ای نگاشته و به کار وی در مورد کتاب شد الا زار... اشاره‌ای کرده بودند. خاطره من در مورد همین کتاب و دیدار علامه قزوینی با پدرم علی جواهر کلام است.

تاریخ دقیق این جریان درست به یادم نیست. حدود شصت سال پیش دبستان را تمام کرده بودم و آهنگ رفتن به دبیرستان را داشتم؛ منزل ما در خیابان دوشان تپه سابق - ژاله کنونی - در شرق تهران بود، نرسیده به بیمارستان آمریکایی و آب سردار. یک روز غروب پس از بازی با بچه‌های کوچه به خانه آمدم. روانشاد مادرم گفت: لباست را مرتب کن، مهمان محترمی داریم، برو خودت را معرفی کن. پرسیدم کیست؟
- آقای قزوینی.

صدای خنده‌های بلند این مهمان و پدر از اتاق دیگر به گوش می‌رسید. خود را جمع و جور کرده، در زدم و وارد شدم. مردی دیدم با قیافه‌ای جذاب، لباسی مرتب، تبسمی گیرا، و چشمانی درخشان. سلام کردم، در جواب گفت: -وعلیکم السلام، اهلا وسهلا، شمسک یا ولدی؟

باسواد، اما حیف که اون عادت کتاب سوزوندنش کارش را خراب کرد، چطور میشه یه آدم محقق کتاب سوزونه، پس فرقتش با کتابسوزها چیه؟! اشکال دیگه کسروی مخالفتش با شعر و شاعری بود، خودش در جوونی نتونسته بود شعر بگه حال با شاعران مخالفت می‌کرد و...

پدر مهلت نداد حرفش را تمام کند و گفت: صب کن، خیلی‌ها با شاعرا مخالفت کردن، اونارو مسخره کردن. بیا این نمونه‌ش: «ای دیو سفید پای در بند - شکل تو مثال کله قند!»*
صادق جوش آورد، ناراحت شد، از جا برخاست و صدازد:

آی، عبدی خان، تخته رو بیا!
و بدین ترتیب مشغول بازی تخته نرد شد و کارگردانی مجلس به دست پدر افتاد.

مرگ بر...

و اما شدیدترین درگیری این دو نفر بدین ترتیب اتفاق افتاد: یک بار صادق با اطلاع قبلی شاعری را با خودش برای صرف ناهار و همین برنامه‌ها به خانه ما آورد. این شاعر (که هر چه می‌کنم نامش به یاد نمی‌آید) مردی بود قوی هیكل، لوده، و بی‌رو دربايستی همه را مسخره می‌کرد، و خلاصه از خودش بسیار متشکر بود. با همه اینها شعرهایش بسیار موزون، روان، زیبا، و با قافیه و محکم بود. صادق در کنار او خیلی احساس آرامش می‌کرد، مثل کودکی که بزرگترش را برای جنگ آورده باشد!

آقای شاعر، پس از لب ز تر کردن و صرف غذا در کنار مشدی گلین خانم نشست... پدر هم با آنها نشست... کم‌کم همه متوجه شدیم که پدر رنگ و رویش پرید، تا آنکه مثل گنج دیوار سفید شد دانه‌های درشت عرق بر پیشانی‌اش ظاهر گشت.

یکمرتبه از جا بلند شد و به سرعت آهنگ بیرون رفتن کرد، اما در آستانه در اتاق... شکوفه کرد! به سفارش صادق، جای پررنگ و نیات به او دادند، نیمساعت طول کشید تا حالش معمولی شد. شاعر با لحن مسخره‌ای گفت:
استاد پاتیل شدی!

با خونسردی جواب داد:
آخه این کاره نیستیم!
پس از آن آقای شاعر کتابچه‌ای از جیب درآورد و با صدای بلند برای مهمانها شروع به خواندن کرد. این شعری بود که در خلال آن به بزرگان و بنیانگذاران مذهبی بی‌مهتری و بی‌حرمتی می‌شد. حاضرین شروع کردند به خندیدن، قیافه پدر جدی و بعد هم دژم شد، بار دیگر رنگش پرید و از جا برخاست و بیرون رفت، درون باغچه، من به بدنمالش. شروع کرد به کندن گوجه‌فرنگی. سخت عصی شده بود، گوجه‌ها از دستش می‌ریخت. از درون اتاق صدای شاعر بلند بود. او می‌خواند، صادق دست می‌زد، دیگران هم می‌خندیدند. پس از چند دقیقه

چه وضعی پیدا کرده است. کتابهای ووق صاحب، ولنکاری، و سه قطره خون را خوانده بودم. برایم غیرقابل قبول بود که مشاهده کنم نویسنده این کتابها مثل بچه‌ها حرف می‌زند، خجالت می‌کشد، سربزیر و محجوب است، اما وقتی سر حال می‌آید، یک باره شخصیت دیگری پیدا می‌کند، دکتر جکیبل می‌رود و مسترهاید جایش می‌آید، یا برعکس! در حالی که، برخلاف آن داستان، هر دو شخصیت این نویسنده دوست داشتنی بودند.

بعد از آن صادق مرتباً به خانه می‌آمد، هر دفعه بیشتر از پیش خودمانی می‌شد، و اندک‌اندک شوخی و جدی پا در کفش پدر می‌کرد. شادروان دکتر شفق - رضاده - گفته بود:

هنر جواهر کلام این است که وقتی صحبتش گل می‌کند یا تردستی تمام می‌خواهد ثابت کند که کوه هیمالیا همان آبشار نیاباراست! و جالب‌تر آنکه شونندگان هم دلشان می‌خواهد باور کنند!

در مورد صادق این جریان اصلاً و ابداً صادق نبود! به محض آنکه صحبت پدر گل می‌کرد او پارازیت می‌انداخت، مسخره و مچ‌گیری می‌کرد. یک بار که صحبت پدر کاملاً گل کرده بود، برای حاضران می‌گفت: «در آکادمی مسکو بودم، علی‌آف ایران‌شناس، شعر فارسی می‌خواند و مرتباً اشتباه می‌کرد، فریاد زدم آقای علی‌آف این شعر مال شبستری است نه جامی، بیا ایران فارسی یادت بدهم!»

صادق بلافاصله وسط حرفش دوید و گفت: شمس‌الدین بابات عجب حافظه‌ای داره، یاد بگیر!
پدر برای مهمانها می‌گفت: «سفر دوم مسکو به ملاقات رهبر کمونیست‌ها رفتم و به محض ورود گفتم: کاک پاژوایتا توارایش؟!»

صادق پارازیت انداخت و گفت:
شمس‌الدین بابات می‌خواد بگه روسی هم بلده!

پدر به اصطلاح معروف لاسبیلی در می‌کرد ولی در جای دیگر تلافیش را در می‌آورد، و من پیش خود شگفت‌زده شده بودم که چطور این دو شخصیت مثل بچه‌ها با هم لج و لجاجتی می‌کنند. یک بار که صادق خیلی شنگول بود، راجع به ملی‌گرای و ایرانیان اصیل صحبت می‌کرد و در این زمینه تعصب داشت. می‌گفت: این آدمهایی که امروز در ایران می‌بینم سفید و بور هستند از نژاد اصیل آریایی تبار دارند، برعکس سیاه‌سوخته‌ها از نژاد مهاجمانی هستند که میهن اصیل ما را به تباهی کشیدند. پدر در جوابش گفت: پس معلوم می‌شه تو نژادشناس هم هستی، اینارو کجا یاد گرفتی، در هندسون؟ (هندوستان) یک بار دیگر که عده‌ای میهمان داشتیم چند نفر از صادق خواستند که نظرش را درباره احمد کسروی بگوید. صادق پس از مدتی مقدمه‌چینی گفت: کسروی آدم باسوادی بود، خیلی هم

بود. گفته بود او بیاید و به کار خود بپردازد، تا صادق اگر خواست خجالت نکشد و در کنار او بنشیند. باری ناهار آوردند، همان کدوهای زرد خوشمزه به صورت خورش با کته فراوان، در کنارش هم ماست و خیار و دوغ، و السلام. این بود سفره رنگین که، با آن، نویسنده‌ای از نویسنده دیگر پذیرایی می‌کرد. صادق از ناهار خیلی خوشش آمد، بعد از غذا وسایل مشدی گلین خانم را آوردند. صادق با دیدن آن چشمانش برق زد و به لبانش تبسم نشست...

تا این لحظه، مطابق معمول و مثل همیشه، پدر متکلم و حده‌دور سخن دست او بود همه به حرفهایش توجه داشتند، اما حالا صادق می‌خواست دور را از دست او بگیرد! نخستین حمله‌ای که صادق به پدر کرد این گونه بود:
- جواهر کلام، شما منبری بودی؟!
- منظورت چیه؟

- یعنی آشیخ بودی؟ آخوند بودی؟ منبری می‌رفتی؟ که این جور یه ریز حرف می‌زنی؟ چه خبره بابا!
پدرم که کم و بیش جا خورده بود، یک دور خیز معنوی کرد و گفت:
- باریک‌الله، زبون واگردی؟ تا حال چرا لال بودی؟

از این حرف همه خندیدند، صادق جواب تند دیگری داد. شمس‌الدین زرنگ که متوجه شد اوضاع هارمونی ندارد فریاد زد:

- عبدی خان، تخته‌رو وردار و بیا.
این عبدی خان، خانه شاگردی بود که در منزل ما با من و برادرم بزرگ شده بود، در حقیقت از اعضای خانواده‌ای ما به شمار می‌آمد. این نوجوان نراد قهاری بود، یعنی خیلی خوب تخته نرد بازی می‌کرد. برادرم می‌دانست که صادق پیش از دست بردن به تخته نرد بازی بدون استثناء در تمام دورها عبدی برنده شد، صادق اینجا هم به قول خودش بز آورد. بعدها هرگاه صادق به منزل ما می‌آمد حتماً یکی دو دست با این و آن بازی می‌کرد. اما از ترس بازنده شدن هرگز دیگر با عبدی بازی نکرد!

آن روز با خوبی و خوشی تمام شد و برای من در آن دوران روز بزرگی بود. موقعی بود که تازه با مجلات و روزنامه‌ها همکاری می‌کردم و وقتی نامم بر بالای مقاله یا ترجمه‌ای چاپ می‌شد خیلی شاد می‌شدم. خیلی میل داشتم ببینم کسی که تقریباً تا آخر این راه را رفته

● در دهه‌ی چهل خورشیدی باراه افتادن اقتصاد و گسترش مدرنیته، پایه‌های اولین موج نوی سینمای ایران به همت فروغ فرخزاد (خانه سیاه است، ۱۹۶۱)، ابراهیم گلستان (خشت و آینه، ۱۹۶۴)، فرخ غفاری (شب قوزی، ۱۹۶۳) و فریدون رهنما (سیاوش در تخت جمشید، ۱۹۶۶) گذاشته شد. این سینماگران هم روشنفکر، غرب‌دیده و هنرشناس بودند و هم بر بستر تحولات فرهنگی، هنری و اقتصادی ایران در دهه‌ی شصت بالیده بودند.

● موج نوی سینمای ایران قالب‌های سنتی سینمای ایران را به چالش کشید. بنابراین فیلم‌های خوش‌ساختی را که اگرچه در همین دوره ساخته شده‌اند ولی از نظر محتوایی حامل نگرش نوینی نیستند و حتی نگاهی سنتی دارند، من در گروه «موج نو»ی سینمای ایران قرار نمی‌دهم چرا که موج نو سنت را نمی‌پذیرد. مثلاً «قیصر» فیلم خوش‌ساخت و موفقی از نظر تجاری است ولی عناصر سنتی و واپسگرایانه‌ی ستاید. مثلاً طرفدار قصاص است و برای قانون را به دست خود گرفتن و کنار گذاشتن دادگستری تبلیغ می‌کند و می‌خواهد به اینجا برسد که حکومت مدنی لازم نیست.

● آدوم سابونچیان - در بخش نخست گفتگو با دکتر بهمن مقصدولو به بستر تاریخی و فرهنگی موج نو در سینما صحبت کردیم و به سینمای کشورهای اروپایی سر زدیم. در بخش دو و پایانی این گفتگو به سفر خود در کشورهای اروپای شرقی و همچنین آمریکا و آمریکای لاتین و آسیا و در آخر خط، ایراد، ادامه می‌دهیم.

● در مورد موج نو یا سینمای نوین کشورهای اروپای شرقی برای خوانندگان ما بگویید.

- من سه کشور مجارستان، لهستان و چکسلواکی را برای این منظور انتخاب کرده‌ام.

لهستان
در سپتامبر ۱۹۳۹ روسیه از شرق و آلمان نازی از غرب به لهستان حمله کردند و کشور را بین خود تقسیم کردند که این مسئله سبب یکی از عظیم‌ترین مهاجرت‌ها و قیام‌ها در تاریخ لهستان شد. پس از جنگ، لهستان زیر سلطه‌ی حکومت سوسیالیستی شوروی قرار گرفت. سینما در سه کشور لهستان، چکسلواکی و مجارستان که هر سه زیر یوغ آلمان نازی و بعد روسیه‌ی سوسیالیستی و فشار شدید دیکتاتوری استالین بودند سرنوشت مشابهی داشت. بعد از جنگ به دلیل آنچه ممانعت آلمان‌ها از فیلمسازی بر سرشان آورده بود، و همچنین از آنجا که وطن پرستی لهستانی‌ها معروف بود با وجود خرابی‌های لهستان جنگ شروع به ساختن زیربنای سینمای خود کردند و اولین اقدامشان هم تأسیس مدرسه‌ی سینمایی «لودز» بود در سال ۱۹۴۸ که یکی از معتبرترین مدارس سینمایی دنیا گردید. موج نوی سینمای لهستان، در دهه‌ی شصت، تحت تأثیر موج نوی فرانسه و پس از تحمل سال‌ها فشار زیر یوغ روسیه و آلمان بودن خلق شد. باید اشاره کرد که آغاز موج نوی لهستان ده سال پس از پایان جنگ با سه‌گانه‌ی آندره وایدا، سردمدار نسل اول فیلم‌سازان پس از جنگ در سال‌های دهه‌ی پنجاه بود که تأثیر بسیاری بر جوانان فیلم‌ساز لهستان گذاشت. سه‌گانه‌ی وایدا عبارت بود از فیلم‌های: یک نسل (۱۹۵۵)، کانال (۱۹۵۷) و خاکسترها و الماس‌ها (۱۹۵۸). این سه فیلم، اولین پایه‌ها را گذاشت و تحلیل هوشمندانه‌ی آن عناصر جهانی تجربه‌های لهستان در جنگ‌ها و تقلائی آن برای حفظ شرف انسانی زیر فشارهای شدید سیاسی، طی سال‌های متبادمی بود که نظر دنیا را هم به خود جلب کرد. فیلم‌های موج نوی لهستان عبارتند از: مادر یونانی

گفتگو با بهمن مقصدولو؛ (بخش ۲)

آیا باید برای دوران طلایی سینما مرثیه خواند؟ موج نو سینما در بیست کشور جهان

برجسته‌ی ایران هم از حزب توده‌ی ایران استعفا کرد.

چکسلواکی

در دهه‌ی شصت با تغییرات در رهبری حکومت، یکسری اصلاحات برای آزادی‌های بیشتر در کشور به وجود آمد. در این راستا الکساندر دوپچک که اصلاح‌طلب بود در اوایل سال ۱۹۶۸ رهبری را به دست گرفت و سانسور را لغو کرد. شوروی بر اساس پیمان ورشو به پراگ حمله کرد و دوپچک را در سال

فرشتگان (یرژی کاولروویچ، ۱۹۶۱، فیلمی بدون تم جنگ که در صومعه‌ای در قرن هفدهم می‌گذرد)، چاقو در آب (رومن پولانسکی، ۱۹۶۲)، برد بدون مسابقه (یرژی اسکولیموفسکی، ۱۹۶۴)، دست‌نوشته‌ی ساراگوسا (ووئیچیک هاس، ۱۹۶۴)، مرگ یک شهرستانی (کریستف زانوسی، ۱۹۶۶) و همچنین ساختار بلورها (کریستف زانوسی، ۱۹۶۹).

کارگردانان موج نوی لهستان همه از مدرسه‌ی سینمایی «لودز» فارغ‌التحصیل



دنيس هابر و بهمن مقصدولو

۱۹۶۹ معزول کرد. تأثیر موج نوی فرانسه و موج نوی لهستان، همراه با اصلاحات و آزادی‌های بیشتر، یکی از پربرترین موج نوهایی

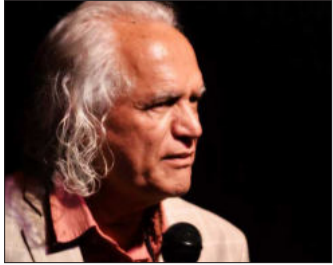
مجارستان

سینمای مجارستان بیشترین تکنیسین، مدیر و نابغه و هنرمند را به سینمای هالیوود تحویل داده است. به عنوان مثال ویلیام فاکس کمپانی فاکس را تأسیس کرده، آدولف زوکر کمپانی پارامونت را پایه‌گذاری کرده و الکساندر کوردا که در سینمای انگلستان فعالیت می‌کرد. مجارستان بعد از جنگ جهانی دوم زیر سلطه‌ی استالین و رژیم کمونیستی روسیه قرار گرفت. ایمره نگی، یک فرمیست کمونیست بود که در سال ۱۹۵۳ نخست‌وزیر شد و تلاش کرد فشارها و محدودیت‌های شدید استالین و حزب کمونیست را در مجارستان تا می‌تواند کم کند و در عوض آزادی‌های نسبی را در فرهنگ و هنر و جامعه‌ی مجارستان برقرار سازد، اما او با فشار روسیه و حزب، پس از دو سال از کار برکنار شد. نگی بین نوپسندگان، روشنفکران و مردم عادی مجارستان بسیار محبوب بود چون او را نماد اصلاح در مقابل عناصر سختگیر و اصولگرای مجارستان (که مورد حمایت رژیم استالین بود) می‌دیدند. از این رو برکناری او موجب اعتراض‌های فراوان و انقلاب در مجارستان شد و نگی در ۲۴ اکتبر ۱۹۵۶ بار دیگر نخست‌وزیر شد و دولت اصلاح‌طلب او بار دیگر کنترل حکومت را در دست گرفت. او این بار در عرض یک‌ماه پلیس مخفی را منحل کرد و وعده‌ی برقراری حکومتی دموکراتیک را داد و اعلام کرد اول نوامبر از پیمان ورشو خارج می‌شود. به فرمان خروشچف روسیه با ارتشی مجهز به مجارستان حمله کرد و روز چهارم نوامبر ۱۹۵۶ او را از نخست‌وزیری خلع و پس از محاکمه در سال ۱۹۵۸ اعدام کرد.

یوناس کادار در ۱۹۵۶ نخست‌وزیر شد و سعی کرد لیبرال باشد. در نتیجه در بسیاری از موارد قوانین را سهل‌تر و آسان‌تر کرد و این سبب شد در عرصه‌ی هنر و فرهنگ هم آزادی‌های بیشتری برقرار شود. این دوره بستر شد برای خلق موج نوی مجارستان در دهه‌ی شصت.

در این دوره فیلم‌ها بیشتر آلگوریکل و تمثیلی شدند. کارگردان‌ها از پرداختن به تم‌های مشکل‌ساز دست کشیدند و منتقد اوضاع اجتماعی شدند، به فیلم‌ها اجازه داده شد در فستیوال‌ها شرکت کنند و کارگردانانی چون کارولی ماک، ایشتوان ژابو و میکولوش یانچو به میدان آمدند. کارولی ماک با فیلم «عشق در کن» جایزه گرفت، و میکولوش یانچو با سبک فوق‌العاده‌اش، نماهای طولانی، کات‌های کم و حرکت طولانی افقی دوربین خالق پلان سکانس گردید.

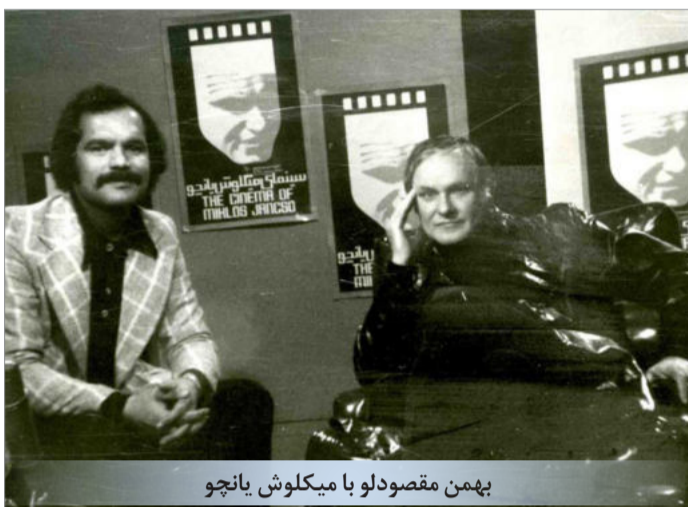
با اعدام ایمره نگی بسیاری از احزاب کمونیست دنیا و روشنفکران با روسیه قطع رابطه کردند. احمد شاملو شاعر



فیلم‌ها حاکم شد و اغلب فیلمسازان خوب کوبا به آمریکا مهاجرت کردند و با ساختن آثارشان در آنجا، اختناق رژیم و غیبت آزادی‌ی بیان را مورد انتقاد قرار دادند.

آمریکای لاتین و حکومت‌های نظامی

برزیل و آرژانتین از اواسط دهه‌ی پنجاه، در برزیل دولت‌های ملی بر سر کار آمدند و با سرمایه‌گذاری‌های سنگین، ثبات سیاسی و اقتصادی را در آن کشور پدید آوردند. در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۴ برزیل



بهمن مقصدولو با میکولوش یانچو

دو رئیس‌جمهور ترقی‌خواه به خود دید که بر پیشرفت و تعالی فرهنگی آن کشور تأثیر مثبتی گذاشتند. در چنین بستری و با الهام از نئورئالیسم ایتالیا و موج نوی فرانسه، سینمای نوین برزیل زاده شد. فیلمسازان سرشناسی مانند گلوبو روشا، روی گوئرا، کارلوس دیه‌گو و نلسون پیرا دوسانتیس در این موج حضور داشتند. گلوبو روشا در ۱۹۶۴ فیلم «خدای سیاه، شیطان سفید» را ساخت که در آن با میزانسن‌های دقیق و حساب‌شده و با برخوردی انتقادی-سیاسی، فقر و گرسنگی را به تصویر و نقدی بی‌رحمانه کشید. ولی به زودی بستر شکوفایی سینمای نوین برزیل از بین رفت. در سال ۱۹۶۴ در برزیل کودتا شد و نظامیان سر کار آمدند که تا سال ۱۹۸۳ حکومت کردند. در طی این دوره نظامیان در صدد نابودی دستاوردهای فرهنگی و هنری بزرگ آن کشور بودند.

گلوبو روشا در سال ۱۹۶۵ مانیفست سینمایی نو را نوشت و آن را «زیبایی‌شناسی گرسنگی» نامید. در آن مانیفست، روشا دکترین سینمای نو را مطرح کرد. تا قبل از سینمای نوین، سینمای برزیل تحت سلطه‌ی فیلم‌های سطحی کم‌دی موزیکال، جنایی و درام بود. روشا در مانیفست خود سینمای حاکم را به مبارزه خواند و سینمایی با حضور مردم عادی و با داستان‌های مردمی معرفی کرد، سینمایی فاقد سانتی‌مانتالیسم (احساسات‌گرایی) و خارج از چهارچوب ساختار روایی کلاسیک و دارای پایانی باز، سینمایی که بی‌پاکانه شرایط موجود را به نقد می‌کشد و با پرداختی تمثیلی بر تساوی و عدالت اجتماعی تکیه داشت و ضرورت انقلاب را مطرح می‌کرد.

«سینما نوو» در مقابل سینمای سنتی برزیل که موزیکال، کم‌دی و پر از حماسه‌های کلیشه‌ای هالیوودی بود، شکل گرفت و بر بستر دموکراسی و اقتصاد خوب کشور برزیل به وجود آمد. سینما نوو در برزیل رمزآلود، آئینی و سیاسی همراه با پرداختن به مسائل استوایی است.

دیگر فیلم‌های گلوبو روشا عبارتند از: زمین محتزده (۱۹۶۷) و ازدهای شیطان علیه جنگجوی مقدس (۱۹۶۹)، برنده بهترین کارگردان کن، گلوبو روشا یک فیلم‌ساز هوشمند سیاسی بود که فیلم‌هایش آلگوریکل بود همراه با تم‌های انتقادی سیاسی و میزانسن‌های دقیق، زیبا و روشنفکرانه. او گرسنگی، فقر، بدبختی و خشونت را در جامعه‌ی برزیل تصویر می‌کرد. سینما نوو بر تساوی اجتماعی، خردورزی و اندیشه‌ورزی تأکید می‌کند و فیلمسازان سینما نوو سعی می‌کردند فیلم‌هایی از راز با الگوی نئورئالیسم بسازند و با سبکی شخصی در میان تماشاگران پایگاه ایجاد کنند. سینما نوو پاسخی بود به شورش‌های طبقاتی برزیل و تحت تأثیر نئورئالیسم ایتالیا و موج نوی فرانسه.

مارتین اسکورسیزی، جرج لوکاس، ویلیام فردکین، سیدنی پولاک، باب رافائلسون، رابرت آلتن، جان کاساوتیس، استیون اسپیلبرگ، ترنس مالیک، پل شرایدر، برایان د پالما، هال اشبی، آلن جی پاکولا و چند تن دیگر سینمای نوی هالیوود را به وجود آوردند و خون جدیدی وارد رگ‌های هالیوود کردند. چند فیلم این گروه به‌تنهایی با فروش‌های بالا موفقیت مالی هالیوود را در دهه‌ی هفتاد تضمین کرد. فیلم‌های (پدرخوانده، ۱۹۷۲)، (جن گبر، ۱۹۷۳)، (آواره‌ها، ۱۹۷۵) و (جنگ ستارگان، ۱۹۷۷) از آن جمله‌اند.

آسیا

کره‌ی جنوبی، دموکراسی و شکوفایی اقتصادی کره‌ی جنوبی پس از استقلال در سال ۱۹۵۶، در دهه‌ی شصت دو فیلم بسیار موفق در جهان داشت اما تمام تلاش خود را بر زیرسازی صنعت کشور متمرکز کرد تا اینکه در دهه‌های هشتاد و نود به شکوفایی اقتصادی رسید.

کره‌ی جنوبی پس از برنامه‌ریزی درست در صنعت سینما و حتی گذشتن از یک بحران اقتصادی کوتاه در اواخر دهه‌ی نود و آغاز هزاره، صاحب سینمایی نو و شاهد ورود فیلم‌سازی فوق‌العاده به صحنه‌ی جهانی فستیوال‌ها شد.

کن جی - گیو (شیری، ۱۹۹۹)، کوک جیانگ (دختر وقیح من، ۲۰۰۱)، پارک چن ووک (پسر پیر، ۲۰۰۳)، بونگ جون-هو (برف‌شکن، ۲۰۱۳) و انگل، ۲۰۱۹، برنده‌ی چهار اسکار، کیم کی دوک (دختر نیکوکار، ۲۰۰۴)، برنده‌ی فستیوال ونیز، (جزیره، ۲۰۰۰) و آدرس نامشخص، ۲۰۰۱).

هندوستان، استقلال و بالبوود

هندوستان توسط ماهاتما گاندی در سال ۱۹۴۸ مستقل شد و دموکراسی در آنجا پا گرفت. سینمای هند با تولید بیش از نهمصد فیلم سینمایی در سال، به زبان‌های مختلف، بزرگترین صنعت تولید فیلم در جهان را دارد. سینمای نو یا سینمای موزایی در هندوستان از بنگال غربی در تقابل با سینمای سنتی رایج با آن شکل تجاری، سطحی و خیال‌انگیزش در قالب باقیبق هندوستان (که ریشه‌ای بسیار عیوق و ارتباطی قدیمی با زبان هندی داشت) به وجود آمد.

ساتیاجیت رای، مرینال سن، شیام بنگال و ریتویک گاتاک از سردمداران این سینمای نو هستند. موج نوی هند از نئورئالیسم ایتالیا، رئالیسم شاعرانه‌ی فرانسه، ادبیات هند و بنگال و رئالیسم اجتماعی تأثیر پذیرفته و قبل از موج نوی فرانسه و موج نوی ژاپن در اوایل دهه‌ی پنجاه در این کشور شکل گرفته است. حضور ژان رنوار، سینماگر برجسته‌ی فرانسوی برای ساختن فیلم «رودخانه» در سال ۱۹۵۰ در هند نقش مهمی در شکل گرفتن این سینما داشته است. رنوار مشوق ساتیاجیت رای در ساختن سه‌گانه‌ی آپیو: پاتر پانچالی (۱۹۵۵)، آپاراجیتو (۱۹۵۶) و دنیای آپیو (۱۹۵۶) بوده است.

قهرمانان فیلم‌های سینمای نوی هند همه انسان‌هایی عادی‌اند، بدون جاه‌طلبی‌های بی‌اندازه که مثلاً از فقر‌ها شوند و دختری ثروتمند بیابند. همه آنها زیر فشار زندگی روزانه سر می‌کنند. مرینال سن و ریتویک گاتاک هر دو مارکسیست هستند و نوعی سینمای اجتماعی را در مقابل سینمای اومانیستی ساتیاجیت رای خلق کردند. مرینال سن با مهارت به ارزش‌ها و تفاوت‌های طبقاتی می‌پردازد و بی‌عدالتی و وضعیت طبقات محرومانی را در وضعیت‌های سیاسی به طرز شاعرانه تصویر می‌کند. از فیلم‌های مهم مرینال سن می‌توانیم به پایان شب (۱۹۵۶)، زیر آسمان آبی (۱۹۵۹) و روز عروسی (۱۹۶۰) اشاره کنیم. سینمای نو هند در جشنواره‌های جهان بسیار خوش درخشید و جوایز بسیاری هم کسب کرده است.

ایران، مدرنیته و انقلاب اسلامی

● آقای مقصدولو، کی می‌رسیم به موج نوی سینمای ایران؟
- همین حالا. ابتدا بگوییم که ایران هم دارای دو موج نو بوده است. ایران قاجاریه برای مدت هشتاد سال خواب بود. در آن دوره موسیقی، هنرهای تجسمی و نقاشی برتره و محسسه‌ساز بر اساس مذهب شیعه ممنوع بود. انقلاب مشروطیت و آمدن رضاشاه یک کشور عقب‌مانده را که خراب‌های بیش نبود صاحب بنیادهای اساسی یک کشور مدرن کرد. رضاشاه کشور سنتی ایران را مدرنیته کرد و پسرش، محمدرضاشاه هم راه او را ادامه داد. مدرنیسم پهلوی ساختار اجتماعی و نظام قضایی را دگرگون کرد و اقتصاد و صنعت نو را بنا نهاد.

واکنش جو بایدن به اعدام نوید افکاری توسط جمهوری اسلامی؛ خواب و خیال نظام و اصلاح طلبانش آشفته شد!



جو بایدن

● با مرگ یوسف صانعی هشتاد و اندی ساله از مقامات شاخص جمهوری اسلامی که در دهه شصت دادستان کل کشور بود و در تلویزیون به آموزش «توضیح المسائل» می پرداخت و اصلاح طلبان به وی نزدیک هستند، همزمان شد. اغلب اصطلاح طلبان مرگ صانعی برایشان اهمیت بیشتری داشت تا کشتن نوید افکاری و ترجیح دادند آن را برجسته کنند! میرحسین موسوی و مهدی کروبی و محمد خاتمی هم سکوت کرده اند.

● محمد قوچانی سردبیر روزنامه «کارگزاران» که این روزها تمام قد پشت جو بایدن ایستاده می گوید «باید با حاکمیت مصالحه کنیم!» اگر چه معلوم نیست منظور از این توصیه چیست چرا که آنها تا کنون کار دیگری غیر از این نکرده اند! حسین مرعشی عضو شورای مرکزی کارگزاران نیز می گوید این حزب «برای نزدیکی به حاکمیت گام های عملی برداشته است.

● علی شکوری راد دبیر کل حزب «اتحاد ملت» از معدود اصلاح طلبانی است که به اعدام افکاری واکنش نشان داده و آن را «عجولانه» محکوم نکرد و با عباراتی ملایم قوه قضائیه را دعوت به «طمأنینه» کرده است!
- شیرین هانتر نویسنده و تحلیلگر سیاسی: بایدن تمایلی به سازش با رژیم ایران ندارد و جمهوری اسلامی ایران برای ممکن شدن هرگونه مذاکره باید سهام خود را انجام دهد.

انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا ۲۰۲۰ نوامبر ۳ (۱۳۹۹) برگزار خواهد شد. ماه‌هاست در ایران بخشی از نظام که به اصلاح طلب معروف شده به این نتیجه رسیده است که اگر جو بایدن رئیس جمهور شود و حزب دموکرات قدرت را در دست بگیرد آمریکا مانند دوران اوباما با رژیم ایران پای میز مذاکره می‌نشیند و به خواسته‌های آن گردن می‌نهد. فریدون مجلسی از دیپلمات‌های سابق جمهوری اسلامی ۲۰ شهریور به روزنامه «آرمان» گفت «بایدن ادامه‌دهنده راه اوباما است. معاون او بوده و در تمام برنامه‌ریزی‌هایی که منجر به برجام شده حضور داشته و نقش مؤثری داشته اگر بایدن به عرصه قدرت بازگردد به برجام باز خواهد گشت». البته روزنامه آرمان در مقدمه این مطلب اشاره کرده که مذاکرات موشکی و منطقه‌ای از قیود حزب دموکرات برای بازگشت به برجام است.

روزنامه «سازندگی» وابسته به حزب کارگزاران سازندگی، روزنامه «اعتماد» و «آرمان» تقریباً هفته‌ای نیست که در حمایت از بایدن و علیه دونالد ترامپ، مصاحبه، گزارش یا مقاله‌ای نداشته باشند. حمایت آشکار جریان اصلاح طلب از بایدن با انتقاد اصولگرایان و ولایت‌مداران مواجه شده است. روزنامه «کیهان» چاپ تهران می‌نویسد اصلاح طلبان برای بایدن ستاد تبلیغاتی به راه انداخته اند.

علی واعظ مدیر «پروژه ایران» در اندیشکده «گروه بحران» از چهره‌های نزدیک به نایک ۳۰ فروردین در مصاحبه با روزنامه اصلاح طلب «آرمان» گفته بود «اگر طرف‌های باقی مانده در توافق اتمی بتوانند فشارهای آمریکا را تحمل کنند و برجام لنگان لنگان خود را به انتخابات آمریکا برساند در صورتی که دموکرات‌ها انتخاب شوند، توافق می‌تواند زندگی دوباره‌ای را تجربه کند و در غیر این صورت، باید منتظر بحران‌های جدید بود».

احمد نقیب‌زاده استاد دانشگاه نیز ۲۴ شهریور در یادداشتی در روزنامه «شرق» نوشت «اگر بایدن رئیس جمهور شود فشارهای اقتصادی کم می‌شود و اقتصاد ایران شکوفا می‌شود».

حالا یکی از چهره‌هایی مطرح در سطح جهان که به اعدام نوید افکاری توسط جمهوری اسلامی واکنش نشان داده جو بایدن است! او در توییتی نوشت «اعدام بی‌رحمانه نوید افکاری بی‌معنی و تک‌اندیشه است. هیچ کشوری نباید معترضان یا فعالان مسالمت‌جو را دستگیر، شکنجه، یا اعدام کند. ایران باید سایر زندانیان سیاسی از جمله سرتین ستوده و آمریکایی‌هایی را که غیر عادلانه دستگیر شده‌اند آزاد کند».

توبیت بایدن برای حزب‌اللهی هادلیلی است تا تکرار کنند در قبال جمهوری اسلامی ایران مواضع او تفاوت چندانی با ترامپ ندارد اما برای اصلاح طلبان از یکسو و لایبرگن نظام در غرب پیام روشنی دارد آنهم در حالی که بایدن خبر اعدام نوید افکاری را از «کمپین حقوق بشر در ایران» کتوت کرده است. تشکیلاتی که توسط هادی قائمی عضو سابق هیئت مدیره شورای ملی ایرانیان آمریکا (نایک) اداره می‌شود.

در داخل جریان اصلاح طلب اما افرادی نیز هستند که پیش‌بینی می‌کنند حساب باز کردن برای پیروزی بایدن بی‌نتیجه است و ترامپ پیروز انتخابات است.

توبیت بایدن در انتقاد به شکنجه و اعدام معترضان در ایران هرچند برجسته کردن یک نهاد نزدیک به «نایک» است که به حقوق بشر گزینشی اشتغال دارد اما برای اصلاح طلبان که اغلب آنها در مورد اعدام افکاری سکوت کرده‌اند نمی‌تواند نگران کننده نباشد به ویژه آنکه حامیان بایدن اخیراً مرحله «نزدیکی به حاکمیت» را نیز آغاز کرده‌اند. توبیت بایدن برای حاکمان تهران و اصلاح طلبان این پیام را دارد که دموکرات‌های آمریکا هرچند هم علاقمند به معامله با رژیم ایران باشند اما نمی‌توانند چشم خود را بر جنایت‌های جمهوری اسلامی و نقض حقوق بشر و کشتار مردم ببندند حتی اگر چنین تمایلی هم نداشته باشند! پاسخگویی به افکار عمومی جوامع غربی اتفاقاً در انتخابات این جوامع نقش بازی می‌کند! به نظر می‌رسد توبیت بایدن خواب و خیال نظام و اصلاح طلبان را آشفته کرده و پیامی منفی در آستانه سفر محمدجواد ظریف به اروپا به آنها فرستاده است.

تلاش اصلاح طلبان برای نزدیکی به قدرت
محمد قوچانی سردبیر روزنامه «کارگزاران» که این روزها تمام قد پشت جو بایدن ایستاده می گوید «باید

پاسداران انقلاب اسلامی ۲۱ شهریور در گزارشی با عنوان «موشک‌ها را برای بایدن قربانی کنیم!» به شکست اصلاح طلبان در امضای برجام با باراک اوباما و جان کری اشاره کرده و نوشته «بر فرض که برای بهبود معیشت داخلی باید دست به دامان آمریکایی‌ها باشید، بر فرض که دموکرات‌ها قابل اعتماد باشند و همانهایی نباشند که بیشترین تحریم‌ها علیه ایران را پایه‌گذاری کردند و بر فرض که جو بایدن در انتخابات امسال رأی هم بیاورد، مگر دولت اصلاح طلب روحانی پس از تشکیل دولت جدید آمریکا در کل چند ماه زمان دارد که از فرصت! دولت دموکرات بهره‌بردارد و مذاکره و مشکلات کشور را حل کند؟ آیا اصلاح طلبان با پرداختن اینگونه به انتخابات آمریکا و مهم کردن آن برای ملت ایران بی‌سرگرم کردن مردم نیستند؟» در این میان، علی شکوری راد دبیر کل حزب «اتحاد ملت» از معدود اصلاح طلبانی است که به اعدام افکاری واکنش نشان داده و آن را «عجولانه» خوانده! او این اقدام را محکوم نکرد و با عباراتی ملایم قوه قضائیه را دعوت به «طمأنینه» کرده است!

شمار دیگری از اصلاح طلبان حتی اعدام را به گردن دونالد ترامپ و اپوزیسیون انداخته‌اند و می‌گویند اگر سکوت کرده‌بودند شرایط فرق می‌داشت! آنهم در حالی که لیست اعدامیان و زندانیانی که در دست جمهوری اسلامی اسیرند سر به هزاران می‌زنند! اعدام نوید افکاری خشم و انزجار عمومی را بطرز بی‌سابقه‌ای در داخل و خارج و عرصه‌ی بین‌المللی برانگیخت. در کنار چهره‌ها و نهادهای ورزشی و فرهنگی جهانی، آمریکا و اتحادیه اروپا جمهوری اسلامی را محکوم کرده‌اند و جو بایدن و لایبرگان جمهوری اسلامی نیز در چنین شرایطی وادار شده‌اند علیه تهران موضع بگیرند تا این «خبر» نیز «عادی» و به فراموشی سپرده شود.

از سوی دیگر اعدام کشتی گیر معترض ۲۷ ساله با مرگ یوسف صانعی هشتاد و اندی ساله از مقامات شاخص جمهوری اسلامی که در دهه شصت دادستان کل کشور بود و در تلویزیون به آموزش «توضیح المسائل» می‌پرداخت و اصلاح طلبان به وی نزدیک هستند، همزمان شد. اغلب اصطلاح طلبان مرگ صانعی برایشان اهمیت بیشتری داشت تا کشتن نوید افکاری و ترجیح دادند آن را برجسته کنند! میرحسین موسوی و مهدی کروبی و محمد خاتمی هم سکوت کرده‌اند.

جمهوری اسلامی دلش را به آمدن بایدن خوش نکند!
شیرین هانتر نویسنده و تحلیلگر سیاسی در مقاله‌ای در «ریسپانسیبل استیت کرافت» می‌نویسد بایدن تمایلی به سازش با رژیم ایران ندارد و جمهوری اسلامی ایران برای ممکن شدن هرگونه مذاکره باید سهام خود را انجام دهد.

در این مقاله آمده «با وجود اینکه دولت ترامپ اظهارات و اقدامات ضد جمهوری اسلامی را افزایش داده، دموکرات‌ها واضح عمل نکردند و حرفشان این است که سیاست‌های ترامپ هیچ تأثیری در سقوط رژیم ایران یا وادار کردن آن به پذیرش خواسته‌های آمریکا یا متوقف کردن فعالیت‌های منطقه‌ای ایران در خاورمیانه نداشته. انتقاد آنها این است که سیاست‌های دولت ترامپ بیشتر از ایران، ایالات متحده را در سطح بین‌المللی منزوی کرده است».

هانتر در ادامه می‌نویسد «دموکرات‌ها هیچ برنامه مشخصی درباره چگونگی انجام کارها در صورت روی کار آمدن ارائه ندادند. بطور خلاصه، رویکرد آنها به مسئله ایران بیشتر مبتنی بر انتقاد از ترامپ بوده و نه ارائه جایگزین‌های مناسب برای سیاست‌های او.»
هانتر معتقد است «ایران دیر یا زود متوجه این موضوع خواهد شد که مجبور است در مورد مسائل منطقه‌ای و نگرانی‌های مشترک با آمریکا و سایر قدرت‌های غربی گفتگو کند. بدون انجام چنین گفتگوهایی حتی اگر ایالات متحده به برجام برگردد، باز هم نمی‌توان انتظار داشت روابط اقتصادی بطور کامل در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی عاد شود».

انتقاد مقامات آمریکایی به حضور محمدجواد ظریف در نشست مجازی «شورای روابط خارجی» در ایالات متحده! سناتور تد کروز:

نباید به اصلی ترین تبلیغاتچی آیت‌الله‌ها تریبون داد!



مراسم یادبود نوید افکاری و جانباختگان راه آزادی در تورنتو

نکند، نباید سفری برنامه‌ریزی شود». در پی اجرای حکم اعدام نوید افکاری روزنامه «بیلد» آلمان ۱۳ سپتامبر (۲۳ شهریور) گزارش داد سفر وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران به برلین لغو شده است.

بیژن جیرسرای نماینده پارلمان آلمان و سخنگوی سیاست خارجی حزب «دمکرات لیبرال» در توییتی نوشت سیاستمداران آلمان و اتحادیه اروپا که مرتب خواهان بهبود روابط با رژیم ایران هستند باید خجالت بکشند.

از سوی دیگر پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» گزارش داد دعوت «شورای روابط خارجی آمریکا» (CFR) از محمدجواد ظریف برای حضور در نشست آنلاین این مرکز با انتقاد شدید دولت آمریکا روبرو شده است. این نشست قرار است اوایل مهرماه از طریق «زوم» برگزار شود. «شورای روابط خارجی» یک اتاق فکر است که اعضای آن مقامات پیشین دولت آمریکا از هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه هستند. مقامات آمریکایی می‌گویند در صورتی که ظریف در این نشست شرکت کند قوانین تحریم‌های آمریکا نقض می‌شود. طبق تحریم‌ها اشخاص آمریکایی نباید هیچگونه خدماتی، از جمله سرویس‌های فناوری و تکنولوژی به اشخاصی که در فهرست تحریم‌ها قرار دارند ارائه دهند.

مورگان اورتگاس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در گفتگو با «فری بیکن» رژیم ایران را به جرائم حقوق بشری متهم کرد و گفت «هیچ کشور یا سازمانی نباید تریبون در اختیار ظریف قرار دهد و دولت ایران فقط سزاوار انزوا است».

سناتور تد کروز می‌گوید: «این بسیار نگران کننده است که حتی پس از شکنجه و قتل نوید افکاری، شورای روابط خارجی به اصلی‌ترین تبلیغاتچی آیت‌الله تریبون می‌دهد، رژیم ایران توسط دولت آمریکا به عنوان بزرگترین حامی تروریسم شناخته می‌شود».

ریچارد گلدربرگ مشاور ارشد در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) و مدیر پیشین بخش مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی ایران در شورای امنیت ملی آمریکا نیز هشدار داده در صورت تریبون دادن به ظریف در «شورای روابط خارجی» و توسط پایگاه ارتباطی «زوم» ممکن است هر دو در معرض تحریم و مجازات قرار گیرند. او با اشاره به اینکه هر سازمانی باید از نظر اخلاقی در مورد تریبون دادن به افرادی مثل محمدجواد ظریف فکر کند با کتایه پرسیده آیا واقعاً فرید زکریا می‌خواهد پس از قتل نوید افکاری صحبت می‌کند؟! میزبانی این نشست مجازی با فرید زکریا مجری سی‌ان‌ان و محور آن نیز خروج آمریکا از برجام و پیامدهای دیپلماتیک آن برای ایران و منطقه است!

● مایک پمپئو: تا وقتی رژیم ایران برادران نوید را از زندان آزاد نکند و همه اتباع خارجی را که ناحق بازداشت شدند آزاد نکند، نباید سفری برنامه‌ریزی شوند.

● مورگان اورتگاس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: هیچ کشور یا سازمانی نباید تریبون در اختیار ظریف قرار دهد و دولت ایران فقط سزاوار انزواست.

● سناتور تد کروز می‌گوید: بسیار نگران کننده است که حتی پس از شکنجه و قتل نوید افکاری، شورای روابط خارجی به اصلی‌ترین تبلیغاتچی آیت‌الله تریبون می‌دهد.

● ریچارد گلدربرگ مشاور ارشد در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» هشدار داده در صورت تریبون دادن به ظریف در «شورای روابط خارجی» و توسط پایگاه ارتباطی «زوم» ممکن است هر دو اینها در معرض تحریم و مجازات قرار گیرند.

● میزبانی این نشست مجازی با فرید زکریا مجری سی‌ان‌ان و محور آن نیز خروج آمریکا از برجام و پیامدهای دیپلماتیک آن برای ایران و منطقه است!

موضع گیری مقامات آمریکایی علیه جمهوری اسلامی ایران در پی قتل نوید افکاری کشتی‌گیر معترض را وادار کردن آن به پذیرش خواسته‌های آمریکا یا متوقف کردن فعالیت‌های منطقه‌ای ایران در خاورمیانه نداشته. انتقاد آنها این است که سیاست‌های دولت ترامپ بیشتر از ایران، ایالات متحده را در سطح بین‌المللی منزوی کرده است».

هانتر در ادامه می‌نویسد «دموکرات‌ها هیچ برنامه مشخصی درباره چگونگی انجام کارها در صورت روی کار آمدن ارائه ندادند. بطور خلاصه، رویکرد آنها به مسئله ایران بیشتر مبتنی بر انتقاد از ترامپ بوده و نه ارائه جایگزین‌های مناسب برای سیاست‌های او.»
هانتر معتقد است «ایران دیر یا زود متوجه این موضوع خواهد شد که مجبور است در مورد مسائل منطقه‌ای و نگرانی‌های مشترک با آمریکا و سایر قدرت‌های غربی گفتگو کند. بدون انجام چنین گفتگوهایی حتی اگر ایالات متحده به برجام برگردد، باز هم نمی‌توان انتظار داشت روابط اقتصادی بطور کامل در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی عادی شود».

مرا، از جایم برخاستم، به سوی تلفن دویدم تا به پلیس اطلاع دهم که تنها مشتری دائمی و آلمانی رستوران، پیتر، گفت او تلفن زده است. تلفن را برداشتم به مهران براتی (از دعوت شدگان برای روز جمعه) زنگ زدم و گفتم «در اینجا، در رستوران، همه را به گلوله بسته اند؛ کی زنده و کی مرده است، نمی دانم. به همه اطلاع بده» و گوشی را گذاشتم و به اتاق عقبی برگشتم.

فتاح عبدلی و همایون اردلان، هر دو به قتل رسیده بودند و نقش بر زمین. صادق شرفکندی نیز درجا فوت کرده، اما هنوز روی صندلی اش بود. نوری دهکردی که هنوز به روی صندلی اش بود، به روی میز خم شده بود و صورتش به یک لیوان آبجو تکیه داشت. او خرخر می کرد، تمام صورت و سینه اش و نیز لیوان آبجو پر خون بود. رفتم به سوی او که کمکش کنم، خواستم صورتش را در دستهایم بگیرم، اما فوراً دستم را کنار کشیدم، نمی دانستم چه باید بکنم. نگران بودم که هر حرکتی موجب مرگ او شود. به عزیز غفاری، صاحب رستوران، دو گلوله اصابت کرده بود، یکی به پا و دیگری به شکم. از جایش غیرارادی بلند شد و راه افتاد. من و ابراهیم زاده او را گرفتیم و دوباره به روی زمین خوابانیدیم. پس از چند دقیقه پلیس، آتش نشانی و کمک های اولیه به محل ترور رسیدند. نوری و عزیز غفاری را فوراً به بیمارستان منتقل کردند؛ اجساد را معاینه و سپس بازرجویی اولیه در همانجا از تمام ما شروع شد. پس از حدود یک تا دو ساعت ما

دیدن چهره «تازه وارد» از پایین به بالا می رفت، و در لحظه ای که غریزی به پشت می جهیدم، دو صدا در گوش من ماند. یکی صدای میرانش بود که بلند به سوی نوری می گفت «نوری، دکتر چرا اینطوری شد»، و دیگری صدای مهدی ابراهیم زاده که فریاد زد «بچه ها! ترور!» این دو، همانجا، به زیر همان میزی که دور آن نشسته بودیم، خزیدند. من در زیر میز پشت سر، به روی شکم، رو در روی فتاح عبدلی افتاده بودم و تکان نمی خوردم. دو رگبار مسلسل شلیک شد و سپس لحظه ای سکوت. من، بدون آنکه تکان بخورم، در لحظه سکوت میان دو رگبار، تنها برای آنکه بدانم چکار باید بکنم، آیا می توانم برخیزم یا نه، از همانجا نگاهم را به سوی انداختم که مسلسل چی ایستاده بود تا ببینم آیا او رفته است یا نه. در این حالت دستی را دیدم با کلت و آستین مشکی که به سوی محلی که شرفکندی نشسته بود تک تیر، یعنی تیر خلاص، می زد. تیر خلاص زن، پس از شرفکندی، به سوی همایون اردلان رفت و من صدای یک تک تیر را شنیدم (بعد فهمیدم که به سوی اردلان رفته؛ در آن لحظه نمی دانستم به چه کسی تیر خلاص می زند). در این لحظه جرقه ای از مغز من گذشت که اینها به تک تک افراد تیر خلاص خواهند زد، او اکنون به سراغ عبدلی در کنار من خواهد آمد (که با اصابت گلوله به قلبش فوت کرده بود) و پس از شلیک یک تیر خلاص به او، اسلحه را به روی شقیقه خود من خواهد گذاشت؛ که چنین نشد.

بعداً در تحقیقات مشخص شد که به همایون اردلان سه گلوله اصابت کرده و او نقش بر زمین و بیهوش بوده است و در آن لحظه به هوش می آید و بی اراده سرش را بلند می کند. تیر خلاص زن (عباس راحیل عضو حزب الله، تعلیم دیده در جمهوری اسلامی) متوجه او می شود، به سوی او می رود و یک گلوله دیگر به سرش خالی می کند. لحظه ای گذشت و من صدای مهدی (مجتبی) ابراهیم زاده را شنیدم که نام برخی از ما را بلند صدا می کرد و نام



شب ترور؛ سالروز ترور برلین؛ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲

هنگام ورود من به آنجا، ابتدا گفتگو بر سر این بود که زمان نشست را چه کسی اشتباه گفته است. شرفکندی می گفت امکان ندارد که ما جمعه شب گفته باشیم زیرا جمعه صبح زود پرواز برگشت داریم. نوری می گفت من گفتم پنجشنبه شب، یعنی شب جمعه، و عزیز غفاری معتقد بود که نوری گفته است جمعه شب. در هر صورت نتیجه ای حاصل نشد و موضوع همچنان ناروشن ماند. سپس سخن از ترورهای رژیم در لندن، وین و پاریس شد. شرفکندی می گفت اگر آنها بخواهند کسی را ترور کنند، خواهند کرد، زیرا ما در برابر یک حکومت با تمام امکانات قرار داریم. او می گفت روزی در کردستان، بر روی کوهها، با چند تن از پیشمرگان کرد نشسته بودیم و سخن از مرگ و زندگی شد. یکی از پیشمرگان از جای خود برخاست و از روی بوته ای کوچک به آنسو پرید و سپس رو به من کرد و گفت کاک سعید (صادق شرفکندی) فاصله مرگ و زندگی همین است. در آن شب متأسفانه این اتفاق افتاد. شام حدود ساعت ده و نیم روی میز چیده شد. ساعت حدود ده دقیقه به یازده شب بود و ما مشغول صرف شام. گفتگو بر سر مسائل ایران و کردستان بود. من صورت به طرف دکتر شرفکندی، به سمت روبرو و چپ بود و مشغول گفتگو با او بودم که میرانش، سمت راست من، شروع به سخن کرد و گفتگوی میان من و شرفکندی قطع شد. من به سوی میرانش، که سمت راست من نشسته بود، برگشتم که ببینم چه می گوید. در این هنگام از درگاهی میان دو سالن، فردی وارد شد، پشت میرانش، و تقریباً میان من و او ایستاد. من چون نشسته بودم و نگاهم به صورت میرانش بود، ابتدا تنها پاهای او را دیدم و فکر کردم شاید یکی از دعوت شدگان است که تازه وارد می شود، و سپس نگاهم آهسته به بالا رفت تا ببینم چه کسی آمده.

آنچه در اینجا می نویسم تنها یک لحظه است. اتفاقاتی که همزمان روی دادند. در لحظه ای که نگاه من به سوی صورت تازه وارد می رفت تا

باشم. تلفن زنگ زد، نوری دهکردی بود که پس از تعارفات اظهار داشت آنها در رستوران می کونوس هستند و کسی از دعوت شدگان در آنجا نیست زیرا او به عزیز گفته است پنجشنبه شب، و عزیز همه را برای جمعه شب دعوت کرده و او از من خواست فوراً به آنجا بروم و او در این فاصله با بقیه نیز تماس خواهد گرفت. به او گفتم من برنامه ام را برای فردا شب (جمعه) تنظیم کرده ام و سپس به دلیل خستگی از رفتن عذرخواهی کردم. او اصرار کرد حتما بروم، چون «خیلی بد خواهد شد» و من رفتم.

هنگامی که به آنجا رسیدم به غیر از هیئت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران (دکتر صادق شرفکندی، فتاح عبدلی، همایون اردلان) و نوری دهکردی کس دیگری در آنجا نبود. آنها در سالن پشت رستوران نشسته و مشغول گفتگو بودند، من در کنار فتاح عبدلی، سمت راست او، نشستم. در سمت چپ او همایون اردلان نشسته بود. شرفکندی و دهکردی، روبروی اردلان و عبدلی، در آنطرف میز، نشسته بودند و عزیز غفاری، صاحب رستوران، در رفت و آمد و مشغول پذیرایی بود. او در آن شب نه آشپز داشت و نه گارسون و میهمان هم در رستوران نبود. پس از مسعود میرانش آمد و در کنار من، سمت راست، نشست. او از دعوت شدگان برای جمعه شب بود که آتشب اتفاقی به آنجا آمده بود. پس از او مهدی ابراهیم زاده آمد که از دعوت شدگان برای جمعه بود و نوری آن شب با او نیز تلفنی تماس گرفته و از او خواسته بود به رستوران بیاید. ابراهیم زاده می خواست روبروی ما، کنار شرفکندی، سمت راست او بنشیند که بنا بر خواست شرفکندی، سمت چپ نوری، روبروی من، نشست تا زیاد «پراکنده» نشسته باشیم. پس از او اسفندیار صادق زاده آمد. او اصولاً برای نشست جمعه یا پنجشنبه دعوت نبود و بنا بر پرسش عزیز غفاری از نوری و دکتر شرفکندی و موافقت آنها بر سر میز ما آمد، روبروی مسعود میرانش و من، سمت چپ مهدی ابراهیم زاده و در کنار او نشست.

آن دوران، دورانی بود که «سر بازان گمنام امام زمان» (قاتلان مسلمان ارسالی از سوی جمهوری اسلامی) تقریباً هر چند ماه یکبار، یکی از دگراندیشان را ترور می کردند و صدایی از کسی بیرون نمی آمد؛ و این آغاز پیکاری شد که سالها ما به خود مشغول کرد و زندگی ام را دگرگون ساخت.

پرویز دستمالچی - در هفدهم سپتامبر ۱۹۹۲، ساعت حدود ده دقیقه به یازده شب، در رستورانی به نام می کونوس در شهر برلین، فرستادگان جمهوری اسلامی چهار نفر از اعضای اپوزیسیون ایران: سه تن از رهبران حزب دمکرات کردستان ایران صادق شرفکندی (دبیرکل حزب)، فتاح عبدلی (نماینده حزب در اروپا)، همایون اردلان (نماینده حزب در آلمان) و نوری دهکردی از فعالان سیاسی چپ را به قتل رساندند. در ادامه نگاهی کوتاه به شب ترور و فرای آن می اندازیم.

من (پرویز دستمالچی) چهارشنبه عصر، ۱۶ سپتامبر ۹۲، پس از کار، به خانه آمدم. در پیامگیر تلفن پیامی از عزیز غفاری وجود داشت که نشست مشترک با هیئت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در روز جمعه، ساعت هفت و نیم شب، در رستوران او خواهد بود. همان شب (چهارشنبه) به رستوران او رفتم و او شخصاً تاریخ نشست را دوباره تکرار کرد و اظهار داشت که پیام از سوی نوری دهکردی است.

پنجشنبه، ۱۷ سپتامبر، حدود ساعت ده دقیقه به هشت شب، در خانه، آخرین مصاحبه های دکتر شرفکندی را به روی میز داشتیم و می خواستیم پس از دیدن اخبار ساعت هشت شب شبکه یک تلویزیون آلمان، مصاحبه های ایشان را مطالعه کنم تا بدینوسیله برای ملاقات و گفتگو با هیئت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در جمعه شب آماده تر